

تصویر ابو عبد الرحمن الکردي

واندهی کوردی

تایبه ته به فیژکاری زمانی کوردی

(ریتنوسی عه ره بی و لاتین)

آموزش زبان کوردی



مه نسوور ره حمانی

مَنْتَدَى إِقْرَأِ التَّقَافَى

www.iqra.ahlamontada.com

وانه‌ی کوردی

تاییه‌ته به فیّرکاری زمانی کوردی

(رینووسی عه‌ره‌بی و لاتین)

آموزش زبان کوردی

مه‌نسوور ره‌حمانی

پانید

۱۳۸۹

سرشناسه : رحمانی، منصور، ۱۳۵۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : وانهی کوردی : تاییه ته به فیرکاری زمانی کوردی : آموزش زبان کردی / مه‌نسور ره‌حمانی.
 مشخصات نشر : تهران : پانیز ، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری : ۹۱ص. : جدول.
 شابک : 978-964-7105-22-4
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کردی - فارسی.
 موضوع : کردی - دستور
 موضوع : کردی - خودآموز
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ۳۲۳ک/ ۳۳۵۶PIR
 رده بندی دیویی : ۹۴۴ک
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۰۷۳۱۲



نشر پانیز

ناسنامه‌ی کتیب:

ناوی کتیب: وانهی کوردی^۱

(تاییه ته به فیرکاری زمانی کوردی / آموزش زبان کردی)

نووسەر: مه‌نسور ره‌حمانی

پیتچنین و پیداجوونه‌وه: نووسەر

رازاندنه‌وه: فیان کامپیوتر

چاپی یه کم

ئه‌ژمار: ۲۰۰۰ به‌رگ

سالی له‌چاپدان: ۱۳۸۹

چاپ دالاهو

تهران: خیابان انقلاب ابوریحان نیش خیابان وحید نظری پلاک ۲۶

۲۲۱۹۰۹۵۶-۲۲۱۹۰۹۵۱-۶۶۴۱۵۹۸۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۰۵-۲۲-۲ ISBN: 978-964-7105-22-4

۲۰۰۰ تمهن

ناوفدی چاپ و بلاو کردنه‌وه: سنه کتیبی میدیا ته‌له‌فون: ۰۸۷۱-۲۲۲۸۳۲۷

«وانه» در زبان کردی به معنی «درس» است.

ناوه‌ڕۆك (فهرست)

- ٩ - بێشەکی (مقدمه).....
- ١١ - تفاوت‌های الفبایی زبان فارسی و کردی.....
- ١٧ - خشته‌ی به‌راوردکاری ئەلفوویی فارسی و کوردی (جدول مقایسه‌ای الفبای فارسی و کردی).....
- ١٨ - مصووت و صامت در زبان کردی.....
- ١٨ - خشته‌ی ئەلفوویی کوردی، سۆزانی سلیمانی، به شیوه‌ی عه‌ره‌بی (جدول الفبای کردی «سورانی سلیمانی» به شیوه‌ی عربی).....
- ٢٢ - ریتنوسی یه‌گگرتووی کوردی (شیوه‌ی معیار املا نویسی در زبان کردی).....
- ٣٠ - خشته‌ی ریتنوسی یه‌گگرتووی کوردی (جدول معیار املا نویسی در زبان کردی).....
- ٣٣ - نمونه‌ی ویژه‌ی کوردی (نمونه‌ی ادب کردی).....
- ٣٣ - بێسارانی.....
- ٣٥ - ئەحمەدی خانی.....
- ٣٧ - نالی.....
- ٣٨ - مه‌وله‌وی.....
- ٤٠ - حاجی قادری کۆبی.....
- ٤١ - مه‌ستورە‌ی ئەرده‌لان.....
- ٤٣ - مه‌حووی.....
- ٤٤ - فایه‌ق بێکه‌س.....
- ٤٦ - پوره‌مێرد.....
- ٤٨ - گۆزان.....
- ٤٩ - قانع.....
- ٥١ - هێمن.....
- ٥٢ - ئەحمەد هه‌ردی.....
- ٥٤ - شیعیری مامۆستا.....
- ٥٥ - نمونه‌ی وه‌رگێڕان به‌ زمانی کوردی (نمونه‌ی ترجمه به زبان کردی).....
- ٥٥ - سووره‌ی فاتحه (سوورته‌ی فاتیه‌ه).....

- ۵۶ - دیباچه‌ی گلستان (پیشه‌کی گوستان).....
- ۵۷ - دو رباعی از ختیم (دوو چوارینه له خه‌یام).....
- ۵۸ - سه‌ریه‌خیزی زمانی کوردی و جیاوازی له گه‌ل فارسی (مستقل بودن زبان کردی و تفاوت آن با فارسی).....
- ۵۸ - چند نمونه‌ی جیاوازی زمانی فارسی و کوردی له بواری وچناسیه‌وه (phonology) (چند نمونه از تفاوت‌های زبان فارسی و کردی از نظر واج‌شناسی).....
- ۵۸ - نمونه‌ی جیاوازی ریژمانی (نمونه‌ی تفاوت دستوری).....
- ۵۹ - نمونه‌ی جیاوازی له بواری و اتاناسیه‌وه (semantic) (نمونه‌ی تفاوت از نظر معنی‌شناسی).....
- ۶۰ - دیالیکت‌کانی زمانی کوردی (گویش‌های زبان کردی).....
- ۶۰ - دیالیکت (گویش).....
- ۶۰ - زاراهه (لهجه).....
- ۶۰ - کوردی باکوور (کرمانجی).....
- ۶۰ - کوردی ناوه‌پراست (سۆرانی).....
- ۶۱ - کوردی باشوور.....
- ۶۱ - هه‌ورامی زازایی.....
- ۶۲ - زمانی پیوه‌ر (زبان معیار).....
- ۶۳ - چۆن دیالیکتیک هه‌لده‌بژێردریت و ده‌بیته زمانی پیوه‌ر.....
- ۶۴ - ئاروپتیکی کورت له سه‌ر ریژمان: (نگاهی گذرا به دستور زبان).....
- ۶۴ - رسته (جمله).....
- ۶۴ - فرمان (فعل).....
- ۶۵ - ناو (اسم).....
- ۶۵ - جیناو (ضمیر).....
- ۶۶ - ناوه‌لئاو (صفت).....
- ۶۶ - چاوگ (مصدر).....
- ۶۷ - ناوه‌لفرمان (قید).....
- ۶۷ - کارا (فاعل).....
- ۶۷ - به‌رکار (مفعول).....

- ۶۷ - ته‌واو‌کەر (متمم).....
- ۶۷ - نام‌سازی په‌یوه‌ندی (حرف ربط).....
- ۶۸ - نمونه‌ی په‌ندی پیشینیان (ضرب‌المثل).....
- ۷۰ - ناوی چەند نه‌خۆشی به زمانی کوردی (نام چند بیماری به زبان کردی).....
- ۷۰ - ناوی مانگه کوردییه‌کان له دیالیکتی سۆرانی و کرمانجی (نام ماه‌های کردی در گویش‌های سورانی و کرمانجی).....
- ۷۱ - نه‌لفوییی لاتین **Elfûbêy latîn** (الفبای لاتین).....
- ۷۶ - خشته‌ی نه‌لفوییی لاتین **Xîştey Elfûbêy latîn** (جدول الفبای لاتین).....
- ۷۸ - نمونه‌ی دهق به نه‌لفوییی لاتین (نمونه‌ی متن به الفبای لاتین).....
- ۷۸ - غولام‌ه‌زا نه‌رکه‌وازی **Xuîam feza erkewazî**.....
- ۷۹ - دایکم (شیعر) **Dayikim**.....
- ۸۰ - مامۆستا (شیعر) **Mamosta**.....
- ۸۱ - ه‌ریق **Hêrîq**.....
- ۸۲ - نمونه‌ی ناخافتن به دیالیکتی کرمانجی (نمونه‌ی مکالمه در گویش کرمانجی).....
- ۸۳ - سه‌د وشه‌ی لاتین بۆ ر‌اهاتن **Sed wişey latîn bo fâhatin** (صد واژه‌ی لاتین برای تمرین).....
- ۸۶ - پروونکردنه‌وه‌ی چەند ده‌سته‌واژه (شرح چند اصطلاح).....
- ۸۶ - ده‌نگناسی Phonetics.....
- ۸۶ - واچناسی phonology.....
- ۸۶ - ده‌نگ phone.....
- ۸۶ - واچ (فونیم) phoneme.....
- ۸۷ - ب‌رگه syllable له زمانی کوردیدا (هجا در زبان کردی).....
- ۸۹ - سه‌رچاوه‌کان (منابع).....

پیشه‌کی (مقدمه)

زبان اصلی‌ترین و مهم‌ترین نشانه‌ی هر فرهنگ است. یکی از شیوه‌های حفظ زبان تبدیل آن به نوشتار است. خواندن و نوشتن به هر زبانی موجب توسعه و ماندگاری آن زبان می‌گردد. کردها در حال حاضر برای نوشتار از دو گونه الفبا بهره می‌گیرند:

۱- الفبای کردی به شیوه‌ی عربی

مانند: حروف ا، ب، ت، ... کردهای ایران و عراق برای نوشتار از این الفبا استفاده می‌کنند. الفبای زبان فارسی نیز از عربی گرفته شده است.

۲- الفبای کردی به شیوه‌ی لاتین

مانند حروف: A, B, C, ... که بیشتر در کردی کرمانجی شمالی کاربرد دارد. تمامی کشورهای اروپایی و آمریکایی در نوشتار از الفبای لاتین استفاده می‌نمایند.

الفبای سریلی نیز یکی از الفباهایی است که مورد استفاده‌ی کردهای اتحاد جماهیر شوروی سابق بوده است که در حال حاضر رو به فراموشی است و الفبای لاتین جانشین آن می‌گردد.

زمان سه‌ره‌کیتین و گرینگترین نشانه‌ی هر فرهنگ‌نیکه. یدکی له گرینگترین شیوه‌کانی پاراستنی زمان ته‌ویه که بیته زمانی نووسین. خویندن و نووسین به هر زمانیک ته‌بیته هژی گه‌شه و مانه‌وه‌ی ته‌و زمانه. کورد هه‌نوکه بو نووسین له دوو جۆر ته‌لفوبی کهلک وهرده‌گری:

۱- ته‌لفوبیی کوردی به شیوه‌ی عهره‌بی

وه‌کوو: پیته‌کانی ا، ب، ت، ... کورده‌کانی ئیران و عیراق بو نووسین له‌م شیوه‌یه که‌لک وهرده‌گرن. ته‌لفوبیی زمانی فارسیش له عهره‌بی وهرگیراوه.

۲- ته‌لفوبیی کوردی به شیوه‌ی لاتین

وه‌کوو: پیته‌کانی A, B, C, ... که زۆرتتر له کوردی کرمانجی باکوور به‌کار ده‌هینریت. هه‌موو زمانه‌کانی ولاتانی ته‌وروپا و ته‌مریکا بو نووسین له ته‌لفوبیی لاتین که‌لک وهرده‌گرن.

ته‌لفوبیی «سیریلی» یش یه‌کی له‌و ته‌لفوبییانه‌یه که له لایان کورده‌کانی یه‌کیه‌تی سۆفیه‌تی جارانه‌وه که‌لکی لی وهرده‌گیرا که هه‌نوکه خه‌ریکه پشت گوی ده‌خری و ته‌لفوبیی لاتین جی‌گای ته‌و ده‌گریته‌وه.

مقایسه، یکی از روش‌های خوب یادگیری است و به دلیل این که کردهای باسواد ایران با زبان فارسی به خوبی آشنا هستند، مخاطب این کتاب بیشتر شامل کردهای ایران و یا کردهایی است که با زبان و نوشتار فارسی آشنا هستند.

به دلیل این که کردها تاکنون امکان اجرای تصمیم واحدی برای یکسان کردن و نوشتن با یک نوع الفبا را نداشته‌اند و در این عرصه نیز هر دو الفبای عربی و لاتین طرفداران و علاقمندان خود را داراست و هم‌چنین به دلیل این که بخش اعظمی از کردها (گوش کردی شمال) برای نوشتن از الفبای لاتین بهره می‌گیرند، بخش دوم کتاب به چگونگی نوشتن به الفبای لاتین اختصاص یافته است. در پایان امیدوارم توانسته باشم شمع کوچکی را در قلب افق درخشان زبان کردی روشن نموده باشم و خواننده‌ی گرامی نیز از این کتاب بهره‌مند گردد.

به‌راوردکاری، یه‌کی له شیوه‌گه‌لی باش بۆ فیربونه و به هۆی شه‌وه‌ی که کوردانی خوینده‌واری ئیران له‌گه‌ل زمانی فارسی ناشنایه‌تی باشیان هه‌یه، به‌رده‌نگی شه‌م په‌رتووکه زۆرتتر کوردانی ئیران و شه‌و کوردانه‌یه که له‌گه‌ل فارسی و نووسین به‌م زمانه ناشنایه‌تیان هه‌یه.

به هۆی شه‌وه‌ی که تا ئیستا شه‌وه‌له نه‌ره‌خساوه که کورد بتوانی بریاری یه‌کلاییکردنه‌وه‌ی نووسین به‌یه‌ک جوّره شه‌لفوویی بدات و له‌م گوّره‌پانه‌شدا هه‌ردوو شه‌لفوویی عمره‌بی و لاتین لایه‌نگر و هۆگری خۆیان هه‌یه و هه‌روه‌ها به هۆی شه‌وه‌ی که به‌شیکه گه‌وره‌ی کورد (دیالیکتی کوردی باکوور) بۆ نووسین له شه‌لفوویی لاتین که‌لک وهرده‌گرن، به‌شی دووه‌مه‌می شه‌م په‌رتووکه ته‌رخان کراوه به‌چۆنیه‌تی نووسین به شه‌لفوویی لاتین. له‌کوژتاییدا هیوادارم توانیبیتم مؤمیکی بچووکم له‌دلی ناسۆی پرشنگذاری زمانی کوردی داگیرساندبیت و خوینه‌ری هیژاش له‌م په‌رتووکه که‌لکی باش وه‌ربگری.

مه‌نسوور په‌همانی، سنه، ۱۳۸۶هه‌تاری

تفاوت‌های الفبایی زبان فارسی و کردی

الفبای کردی به شیوه‌ی عربی ۳۴ حرف است، به ترتیب زیر:

ج-۵	ت-۴	پ-۳	ب-۲	۱-۶ (ا)
ر-۱۰	د-۹	خ-۸	ح-۷	چ-۶
ش-۱۵	س-۱۴	ژ-۱۳	ز-۱۲	پ-۱۱
ق-۲۰	ژ-۱۹	ف-۱۸	غ-۱۷	ع-۱۶
م-۲۵	ل-۲۴	ل-۲۳	گ-۲۲	ک-۲۱
ژ-۳۰	وو-۲۹	ا-۲۸	ه-۲۷	ن-۲۶
	ی-۳۴	ئ-۳۳	ه-۳۲	و-۳۱

الفبای فارسی ۳۳ حرف است؛ به این ترتیب:

ت-۵	پ-۴	ب-۳	ا-۲	۱-۶
خ-۱۰	ح-۹	چ-۸	ج-۷	ث-۶
ژ-۱۵	ز-۱۴	ر-۱۳	ذ-۱۲	د-۱۱
ط-۲۰	ض-۱۹	ص-۱۸	ش-۱۷	س-۱۶
ق-۲۵	ف-۲۴	غ-۲۳	ع-۲۲	ظ-۲۱
ن-۳۰	م-۲۹	ل-۲۸	گ-۲۷	ک-۲۶
		ی-۳۳	ه-۳۲	و-۳۱

* چگونگی نوشتن حروف «آ و ا» در الفبای کردی.....

۱- در الفبای کردی «آ» به صورت «ئا» نوشته می‌شود؛ به عنوان مثال کلمه‌ی «آرام»

در نوشتار کردی به این صورت است: «ئارام» آسمان = ئاسمان

۲- در نوشتار کردی حرف «ا» (الف همزه) در اول کلمات به صورت «**ئ**»

نوشته می‌شود به عنوان مثال کلمه‌ی «**ا**حمد» به این صورت است: «**ئ**حمد»

ایمان = **ئ**یمان

حرف «ا» در واژه‌های مثل **د**را با (الف همزه) متفاوت است و به همان صورت «ا»

نوشته می‌شود. **د**را = **د**را

* چگونگی نوشتن حروف «ص» و «ث» *

۳- در الفبای کردی حرف «**س**» یک شکل نوشتاری دارد و حروف «**ص**»، «**ث**» به

صورت «**س**» نوشته می‌شود. حروف «**ص**» و «**ث**» مختص زبان عربی است و دارای تلفظ

خاص خود هستند و در زبان کردی کاربرد ندارند، بنابراین کلمات عربی دخیل در زبان

کردی مانند نام‌ها و اسماء خاص (نام اشخاص، کوه‌ها، شهرها و...) که دارای حروف «**ص**» و

«**ث**» هستند در زبان کردی به صورت «**س**» نوشته و تلفظ می‌شوند؛ به عنوان مثال کلمه‌ی

«**م**صر» به این صورت است: «**م**سر»

صاحب = **س**احیب عثمان = **س**وسمان

* چگونگی نوشتن حرف «ط» *

۴- در الفبای کردی حرف «**ت**» یک شکل نوشتاری دارد و حرف «**ط**» به صورت

«**ت**» نوشته می‌شود. حرف «**ط**» نیز مانند «**ص**» و «**ث**» مختص زبان عربی است و دارای

تلفظ خاص خود می‌باشد و در زبان کردی کاربرد ندارد، بنابراین کلمات عربی دخیل در

زبان کردی مانند نام‌ها و اسماء خاص (أعلام) (نام اشخاص، کوه‌ها، شهرها و...) که دارای

حرف «**ط**» هستند به صورت «**ت**» نوشته و تلفظ می‌گردد؛ به عنوان مثال

کلمه‌ی «**ط**الب» به این صورت است: «**ت**الب».

عطر = **ت**عه تر طاهر = **ت**اهیر

کلماتی مانند ظاهر به سه صورت تاهیر، تاهیر و تاهر نوشته و خوانده می‌شود؛ دلیل این تفاوت‌ها اختلاف در چگونگی خواندن این گونه کلمات در لهجه‌های مختلف کردی است.

*** چگونگی نوشتن حروف «ذ»، «ض» و «ظ»**

۵- در الفبای کردی حرف «ز» یک شکل نوشتاری دارد و حروف «ذ»، «ض» و «ظ» به صورت «ز» نوشته می‌شود. حروف «ذ»، «ض» و «ظ» مختص زبان عربی هستند و تلفظ خاص خود را دارند که در زبان کردی کاربرد ندارد، بنابراین کلمات عربی دخیل در زبان کردی مانند نام‌ها و اسما، خاص (اشخاص، کوه‌ها، شهرها و ...) که دارای حروف «ذ»، «ض» و «ظ» هستند به صورت «ز» نوشته و تلفظ می‌شوند؛ به عنوان مثال کلمه‌ی «رضا» به این صورت است: «رزا»

ارض = ئه‌رز ظاهر = زاهیر

*** چگونگی نوشتن علامت‌های فتحه (َ) و ضمه (ُ)**

۶- در الفبای کردی علامت فتحه (َ) به صورت حرف «ه» یا «هه» نوشته می‌شود؛ مثلاً:

درد = ده‌رد سرد = سه‌رد

۷- در الفبا و زبان کردی علامت ضمه (ُ) و نیز صدایی که دقیقاً مانند ضمه باشد وجود ندارد و نزدیک‌ترین صدا به ضمه (و) است؛ مثلاً، واژه‌ی مُراد با الفبای کردی به این صورت نوشته می‌شود: موراد.

تلفظ «مُراد» در فارسی با تلفظ «موراد» در زبان کردی تا حدی متفاوت است. با در نظر گرفتن نکته‌ی فوق در الفبای کردی با تساهل به جای نشانه‌ی ضمه حرف «و» گذاشته می‌شود که به آن «واوی کورت» (واو کوتاه) می‌گویند. کُرد = کورد

۱- حروف صدادار (مصوت) و بی‌صدا (صامت) در بخش بعد ذیل عنوان «مصوت و صامت در زبان کردی» به طور مفصل توضیح داده شده است.

* حروف دارای نشانه‌ی « ٚ » (بیته بانداره‌کان) « ٚ », « ٚ », « ٚ », « ٚ », « ٚ »

- نشانه « ٚ » در الفبای کردی که اصطلاحاً « چوکلّه » یا « بالّه » نامیده می‌شود در الفبای فارسی وجود ندارد. در الفبای کردی تنها چهار حرف « ٚ », « ٚ », « ٚ » و « ٚ » این علامت را می‌گیرند و به حروف دیگری تبدیل می‌شوند.

« ٚ » به صورت غلیظ خوانده می‌شود.

« ٚ » مانند O در زبان انگلیسی تلفظ می‌شود.

« ٚ » تقریباً مانند کسره است.

و « ٚ » به صورت غلیظ (چند زنشی) تلفظ می‌گردد.

۸- ٚ: مانند گول، به معنی (گُل)؛ در حالی که واژه‌ی « گول » با حرف « ل » به معنی

کثیف و جذامی است. به عبارت دیگر « ٚ » و « ل » دو حرف متفاوت هستند.

در زبان کردی به « ٚ », « ل درشت » (قه‌له‌و) و به « ٚ », « لام نازک » (ناسک)

می‌گویند.

۹- ٚ: مانند « بی » (بیا) با صدایی نزدیک به صدای کسره؛ در حالی که واژه‌ی « بی » به

معنی درخت بید است. به عبارت دیگر « ٚ » و « ی » دو حرف متفاوت هستند.

۱۰- ٚ: مانند « گول » (دریاچه) با صدای « O » در حالی که واژه‌ی « گول » به معنی کثیف

و جذامی است. به عبارت دیگر « ٚ » و « و » دو حرف متفاوت هستند.

۱۱- ٚ: مانند « که ٚ » (کَر) با صدای « ٚ » غلیظ (چند زنشی)؛ در حالی که واژه‌ی « کهر » با

« ٚ » (تک زنشی) به معنی « خر » است. به عبارت دیگر « ٚ » و « ر » دو حرف متفاوت هستند.

در زبان کردی به « ٚ », « ر درشت » (قه‌له‌و) و به « ٚ », « ر نازک » (ناسک) می‌گویند.

نشانه‌ی « ٚ » در حرف « ٚ » بر خلاف سه مورد دیگر (ٚ, ٚ, ٚ) در زیر حرف قرار

می‌گیرد تا در نوشتار به شیوه‌ی « دست نوشت » با « ژ » اشتباه نشود.

* حرف (ف)

۱۲- «ف» مانند ته‌فین (عشق)؛ یکی از حروف الفبای کوردی است که در فارسی وجود ندارد. صدای «ف» مانند صدای «V» در زبان انگلیسی است. این حرف بیشتر در کوردی شمال مورد استفاده قرار می‌گیرد و در کوردی سورانی در اکثر موارد «ف» به «و» تبدیل می‌شود؛ مانند: ته‌فین = ته‌وین ، هه‌ف‌ال = هه‌وال (دوست)

* حرف (وو)

۱۳- «وو» مانند «نوو سین» (نوشتن)؛ یکی از حروف الفبای کوردی است که در فارسی وجود ندارد. حرف «وو» را در زبان کوردی «واوی جووت» (واو جفت) می‌نامند. «وو» در تلفظ به اندازه‌ی دو «و» کشیده می‌شود. چند نمونه:

دوو (دو) ، چوو (رفت) ، سوور (سرخ)

۱۴- هر زبانی دارای نظام آوایی مخصوص به خود است.^۱ در زبان عربی بعضی از حروف به صورت مشدّد خوانده می‌شوند، در حالی که در زبان کوردی هیچ حرفی به صورت مشدّد خوانده نمی‌شود. بنابراین علامتی تحت عنوان «علامت تشدید» در الفبای کوردی وجود ندارد و دستگاه آوایی زبان کوردی به گونه‌ای است که کلمات مشدّد زبان عربی که وارد زبان کوردی شده‌اند اغلب بدون تشدید خوانده می‌شوند:

نجم‌الدین = نه‌جمه‌دین ، عزّت = عیزه‌ت

۱- به عنوان مثال در زبان فارسی در هر هجا فقط یک صامت آغازین وجود دارد (مثلاً: «مادر» داری دو هجا است «ما»: م + ا (صامت + مصوت) و «ذر»: د + ر (صامت + مصوت + صامت) اما در زبان کوردی در یک هجا دو صامت آغازین می‌تواند قرار گیرد، مانند:

(«گوی» (گوش) گ + و (w) + ی صامت + صامت + مصوت) اما در زبان انگلیسی تا سه صامت می‌تواند در ابتدای هر هجا قرار می‌گیرد. مثلاً واژه‌ی structure دارای دو هجا است.

(strac و ture) که در هجای اول سه صامت آغازین آمده است. (Strac) s + t + r + a + c

در نوشتار کردی، اگر بخواهیم تلفظ دقیق کلمات را بنویسیم، حرف مشدد را دو بار می‌نویسیم؛ به عنوان نمونه، همان مثال‌های بالا با تلفظ دقیق عربی آن‌ها به این صورت نوشته می‌شوند: نجم‌الدین = نه‌جمه‌ددین، عزت = عییززت

* حرف (ه)

۱۵- در الفبای کردی حرف «ه» در تمام حالات به صورت «ه» نوشته می‌شود؛ به عبارت دیگر «ه» چه به صورت جدا و چه به صورت پیوسته به یک شیوه نوشته می‌شود:

هاوار (فریاد)، هیمن (آرام) = «ه» به صورت پیوسته
 به‌ه‌به‌ه (به به)، ماه (ماه) = «ه» به صورت جدا

* بزرۆکه

۱۶- بزرۆکه: در زبان کردی مصوتی کوچک‌تر از کسره وجود دارد که برای این صدا در الفبای کردی (شیوه‌ی عربی) حرفی تعیین نشده است؛ مثلاً با دقت در تلفظ واژه‌ی «ژن» (زن) میان «ژ» و «ن» این صدای کوچک‌تر از کسره را متوجه می‌شویم. این صدا در زبان عربی «کسره‌ی مختلسه» نامیده می‌شود. اولین بار اصطلاح «بزرۆکه» را پرفسور «توفیق وهبی» وضع نمود. در الفبای لاتین برای بزرۆکه نشانه‌ی «i» گذاشته می‌شود.

چند مثال دیگر:

کوردستان «Kurdistan»: مابین حروف «د» و «س» (کورد (بزرۆکه)ستان)
 دلۆقان «dilovan» (مهربان): مابین حروف «د» و «ل» (د (بزرۆکه)لۆقان)
 بیریار «Bifyar» (پیمان): مابین حروف «ب» و «پ» (ب (بزرۆکه)پیار)

خشته‌ی به‌راوردکاری نه‌لفوییی فارسی و کوردی (جیاوازییه‌کان)
جدول مقایسه‌ای الفبای فارسی و کوردی (موارد اختلاف)

مثال	کوردی	فارسی	ردیف
آرام: نارام	ئا	آ	۱
احمد: نه‌محمد، ایمان: تیمان	ئه ئه	ا (الف همزه)	۲
صاحب: ساحیب، عثمان: عوسمان	س	ص، ث	۳
عطر: عه‌تر، طاهر: تاهیر	ت	ط	۴
رضا: رزا، ظاهر: زاهیر	ز	ذ، ض، ظ	۵
درد: ده‌رد، سرد: سه‌رد	ه	فتحه « َ »	۶
کورد: کورد	و	ضمه « ُ »	۷
گول (گل)	ل	ـِ	۸
بی (بیا)	ی	کسره « ِ »	۹
گول (دریاچه)	ۆ	-	۱۰
که‌ر (ناشناوا)	ر	-	۱۱
نه‌فین (عشق)، هه‌فال (دوست)	ف	-	۱۲
نووسین (نوشتن)، چور (رفت)	وو	-	۱۳
۱- عزت: عیزه‌ت ۲- عزت: عیززه‌ت تشدید: در الفبای کوردی یا نوشته نمی‌شود یا حرف مشدد دوبار تکرار می‌گردد.	-	تشدید « ّ »	۱۴
هاوار (فریاد)، به‌ه به‌ه (به به)	ه	ه / هـ	۱۵
کوردستان: میان حروف « د » و « س »	بزرۆکه	-	۱۶

۱- نشانه‌ی مه‌ودا (تقدّل) « - » لم خشته‌یه‌دا به واتای نه‌ویه که نم پسته له نه‌لفوییی فارسیدا نییه.
نشانه‌ی خط فاصله « - » در این جدول به این معنی است که این حرف در الفبای فارسی وجود ندارد.

مصوّت و صامت در زبان کردی

۱- مصوّت در زبان کردی
واج‌های مصوّت در زبان کردی (گویش سلیمانیه) هشت مصوّت است. چهار مصوّت بلند؛ سه مصوّت کوتاه و یک مصوّت بسیار کوچک به نام بزروّکه.
در زبان کردی به مصوّت «ده‌نگدار»، و به مصوّت بلند «ده‌نگداری گه‌وره» می‌گویند و مصوّت کوتاه را «ده‌نگداری بچووک» یا «ده‌نگیله» می‌نامند. نام‌های دیگر مصوّت در زبان کردی عبارتند از: بزویین، ده‌نگبزوین، ده‌نگبهر، ساز.

مصوّت‌های زبان کردی: ا، وو، ژ، ی، ه، ی، و، بزروّکه

الف) مثال برای مصوّت‌های بلند:

۱- ا : باران

۲- وو : روو (رو)

۳- ژ : بو (بو)

۴- ی : دیمه‌ن (منظره)

ب) مصوّت‌های کوتاه:

۵- ه : که همان فتحه است، مانند: ده‌رد (درد)

۶- ی : تقریباً همان کسره است، مانند: بیهرروز (بهر روز)

۷- و : که تقریباً همان ضمه است، مانند: کورد کُرد

ج) مصوّت کوچکتر از کسره یا بزروّکه:

۸- بزروّکه در الفبای کردی به شیوه‌ی عربی دارای نشانه نیست، ولی در الفبای لاتین به

صورت « i » نشان داده می‌شود. مانند: بردن Birdin

۱- «واج»، آوایی است که ممیز معنا باشد. به تعبیر دیگر کوچکترین واحد صوتی زبان که خود معنی ندارد ولی در ایجاد معنی مؤثر است.

۲- صامت‌های زبان کردی

واج‌های صامت زبان کردی (گویش سورانی سلیمانی) ۲۹ واج است.

در زبان کردی به صامت «بیده‌نگ» می‌گویند. نام‌های دیگر صامت در زبان کردی

عبارتند از: نه‌بزوین، ناساز، کپ.

صامت‌ها: **ء (ئ)**، **ب**، **پ**، **ت**، **ج**، **چ**، **ح**، **خ**، **د**، **ر**، **ر**، **ز**، **ژ**، **س**، **ش**، **ع**، **غ**،

ف، **ڤ**، **ق**، **ک**، **گ**، **ل**، **ل**، **م**، **ن**، **و**، **ه**، **ی**

حرف: حرف شکل ظاهری واج‌هاست، مثلاً حرف «د» شکل ظاهری واج /د/ است. در

زبان کردی حرف را «پیت» می‌نامند. تعداد حروف در زبان کردی ۳۴ حرف است.

تعداد واج‌های زبان کردی (گویش سلیمانیه) ۳۷ تاست که ۸ واج آن مصوّت و ۲۹ واج آن

صامت است. علت اختلاف تعداد واج‌ها با حروف در آن است که: اولاً واج «بزرۆکه» در

الفبای کردی به شیوه‌ی عربی دارای نشانه یا حرف نمی‌باشد و ثانیاً حرف‌های «ی» و «و»

در الفبای کردی به شیوه‌ی عربی هر کدام نمایانگر دو واج هستند به این صورت که اگر

دومین حرف هجا باشند، مصوّت‌اند؛ در غیر این صورت صامت هستند. لازم به ذکر است در

الفبای لاتین کردی تعداد حروف و واج (به جز یک مورد همزه) برابر هستند. (رک: بخش الفبای

لاتین/ همین کتاب) هر کدام از «ی» و «و» (صامت و مصوّت) در الفبای لاتین دارای نشانه‌های

جداگانه هستند. مثلاً، در واژه‌ی «یار»، «ی» صامت است و «ی» صامت در الفبای لاتین با

نشانه‌ی «y» نوشته می‌شود، اما «ی» در واژه‌ی «دین» مصوّت است و «ی» مصوّت در لاتین

با نشانه‌ی «î» نوشته می‌شود. «و» صامت مانند: «وه‌لام» که در الفبای لاتین با نشانه‌ی «W»

نوشته می‌شود. «و» مصوّت کوتاه مانند: کورد که در الفبای لاتین با نشانه‌ی «u» نوشته

می‌شود. همچنین در الفبای لاتین «بزرۆکه» با نشانه‌ی (حرف) «i» نوشته می‌شود.

بنابراین: ۱. «بزرۆکه» در الفبای عربی به شیوه‌ی عربی دارای نشانه یا حرف نیست.

۲. «y» و «î» هر دو در الفبای کردی به شیوه‌ی عربی به صورت «ی» نوشته می‌شوند.

۳. «W» و «u» هر دو در الفبای کردی به شیوه‌ی عربی به صورت «و» نوشته می‌شوند.

خشته‌ی نه‌لفوویی کوردی (سورانی سلیمانی) به شیوه‌ی عه‌ره‌بی

جدول الفبای کردی (سورانی سلیمانیه) به شیوه‌ی عربی

۱- و: ئا: ئاوات، ئۆ: ئۆه، ئو: ئومید، ئی: ئیمان، ئی: ئیره

۲- ب: باهۆز، ریپاز (طوفان، طریق)

۳- ت: تارا، ته‌ستییه (سرپوش عروس، ستاره)

۴- پ: پاراو، شه‌پۆل (باطراوت، موج)

۵- ج: جه‌ماوهر، جیژن (مردم، جشن)

۶- چ: چرۆ، چاوه‌پێ (جوانه، منتظر)

۷- ح: حه‌په‌ساو (بهت زده)

۸- خ: خه‌رمان، مه‌خابن (خرمن، افسوس)

۹- د: دیمه‌ن، شه‌ده (منظره، دستار زنانه)

۱۰- ر: زریان، برین (باد سرد، زخم)

۱۱- پ: رووناك، برین (روشنایی، بریدن)

۱۲- ز: زۆزان، ئاوه‌ز (بیلاق، فهم و هوش)

۱۳- ژ: ژوانگه، ژه‌م (میعادگاه، وعده خوراک)

۱۴- س: سامال، راسته‌وخۆ (آسمان صاف، مستقیم)

۱۵- ش: شه‌به‌ق، نه‌شمیل (نخستین تابش آفتاب، زیبای دلکش)

۱۶- ع: عه‌ودال (خانه‌به‌دوش)

۱۷- غ: غه‌واره (بیگانه)

۱۸- ف: فرۆکه، فواره (هواپیما، فواره)

۱۹- ف: مروڤ، تافگه (انسان، آبخار)

۲۰- ق: قامك، ته‌قینه‌وه (انگشت، انفجار)

۲۱- ك: كوردستان، مه‌كو (کردستان، انجمن)

۲۲- گ: گه‌لا، وڤیگا (برگ، راه)

۲۳- ل: لاو، سه‌لماندن (جوان، قبولاندن)

۲۴- ن: ئانا، په‌هیتله (پرچم، باران تند)

۲۵- م: مه‌ته‌ریز، رامان (سنگر، تفکر)

۲۶- ن: ناوه‌ند، منداڵ (مرکز، بچه)

۲۷- ا: ئاوات، (آرزو)

۲۸- وو: دوو‌كه‌ل، پوو‌خان (دود، ویران شدن)

۲۹- ژ: تۆز، سووما (غبار، سوسو زدن نور)

۳۰- ه: هاوار، ئاه (فریاد، آه)

۳۱- «ی» ده‌نگدار (مصوت): دیرۆك (تاریخ) * «ی» بی‌ده‌نگ (صامت): یاری (بازی)

۳۲- «و» ده‌نگدار (مصوت): (ـ) کورد (کرد) * «و» بی‌ده‌نگ (صامت): وه‌لام، هه‌تاو (جواب، آفتاب)

۳۳- ه: (ـ) ده‌رد، شه‌رم (درد، شرم)

۳۴- «ی» (ـ) یتز (احترام)، یی: سیو (سیب)، ی: لادی (روستا)

رینووسی یه‌گگرتووی کوردی (شیوه‌ی معیار املانویسی در زبان کردی)

۱- پیتی « و » ی سه‌ره‌تای وشه

هه‌ر وشه‌یه‌ک به پیتی « و » ده‌ست پی بکات به یه‌ک « و » ده‌نوسریت.

« و » آغاز کلمه

هر کلمه‌ای با حرف « و » آغاز شود با یک « و » نوشته‌می‌شود.

بۆ نمونه: وریا، ولات، وشه، ورد.

۲- نووسینی پیتی « ی »

نیشانه‌کانی « ی » ده‌نگدار و « ی » بی‌ده‌نگ واته « î » و « y » له پیتی عه‌ره‌بیدا هه‌ردووکیان هه‌مان نیشانه‌ی « ی » یان هه‌یه، به‌لام له راستیدا له یه‌کتر جیاوازن و له کاتی به‌دوای یه‌کتر هاتنیاندا ده‌بی هه‌ردووکیان بنوسرین.

نوشتن حرف « ی »

« ی » « î » مصوّت و « ی، y » صامت در الفبای کردی به شیوه‌ی عربی فقط به صورت « ی » نوشته‌می‌شود که در اصل با هم متفاوت‌اند و زمانی که این دو « ی » پشت سر هم بیایند باید هر دو « ی » را نوشت. بۆ نمونه: نییه، چیه، زه‌وییه‌که.

۳- سیّ « ی » له په‌نای یه‌کدا « یی، ییه »

له‌زمانی کوردیدا تا سیّ « ی » ده‌توانن له په‌نای یه‌کدا بیّن. پیتی یه‌که‌م و سیّهم بی‌ده‌نگه‌ن و پیتی ناوه‌راست ده‌نگداره.

سه « ی » در کنار هم

در زبان کردی حداکثر سه « ی » در کنار هم می‌آیند که اولی و سومی صامت و « ی » میانی مصوّت است. بۆ نمونه: ناواییه‌که‌مان، کۆتاییی به‌کاره‌که‌هینا.

۴- پییتی «پ» ی قه‌له‌و، واته «پ» ی نیشانه‌دار.....

ئه‌م پیته له هەر کوپیه‌کی وشه‌دا هات، واته له سه‌ره‌تا و ناوه‌راست و کوتایی وشه، باشتر ئه‌وه‌یه که به نیشانه‌که‌یه‌وه بنووسریت.

حرف «پ» درشت یا دارای نشانه‌ی « ˆ »

این حرف در هر جای کلمه که قرار بگیرد؛ یعنی، آغاز، وسط و پایان کلمه، بهتر آن است

که با نشانه‌ی « ˆ » نوشته شود. بۆ نمونه: **پۆژ، بریار، که‌پ**

۵- پییتی «و» ی به یه‌که‌وه‌به‌ستن.....

پییتی «و» ی به یه‌که‌وه‌به‌ستن، به شیوه‌یه‌کی سه‌ربه‌خۆ له وشه‌ی پیش‌خۆی و پاش‌خۆیه‌وه دهنووسریت. واته نه ده‌لکیت به وشه‌ی پیش‌خۆیه‌وه و نه به شیوه‌ی «وو» دهنووسریت.

«و» ربط

حرف «و» ربط به صورت مستقل میان دو کلمه‌ی قبل و بعد از خود نوشته می‌شود (یعنی به

کلمه‌ی قبل نمی‌چسبد و به صورت «وو» نیز نوشته نمی‌شود). بۆ نمونه:

من و تۆ، ئاره‌زوو و وریا

۶- پییتی «و» ی ناوگر.....

له هه‌ندیک وشه‌ی ناساده وه‌کوو: «ده‌نگوباس»، پییتی «و» ی ناوگر و هه‌ر دوو وشه‌که پیکه‌وه وشه‌یه‌کی سه‌ربه‌خۆیان دروست کردووه. له‌م دۆخه‌دا نابیی «و» ی ناوگر سه‌ربه‌خۆ بنووسریت و وشه‌که هه‌مووی به سه‌ر یه‌که‌وه دهنووسریت.

حرف «و» میانوند

در بعضی از کلمات غیرساده مانند: «ده‌نگوباس»، «و» میانوند و دو کلمه‌ی قبل و بعد آن یک

واژه محسوب می‌گردد؛ در این موارد «و» به صورت مستقل نوشته نمی‌شود و جزئی از کلّ

واژه است (به کلمه‌ی ماقبل خود می‌چسبد). بۆ نمونه: **کاروبار، ئه‌لفوویی، هاتوچۆ.**

۷- وشه‌ی ناساده

چ ناو بیّ یان زاراو، ده‌بیّ به سه‌ر یه که‌وه وه‌کوو یه‌ک وشه بنوسرین.

کلمات غیر ساده

چه اسم باشد چه اصطلاح، باید سرهم نوشته‌شود. بۆ نمونه:

ناو: بیکه‌س، دلشاد، میانداو.

زاراو (اصطلاح): رینوس، نیشتمانپه‌روه‌ر، نازاد یخواز، سیشه‌مه.

۸- پیتی «ت» ی کۆتایی فرمان

له کۆتایی کار (فرمان) دا ده‌توانری بنوسریت و ده‌توانری نه‌شنوسریت.

حرف «ت» پایان فعل

این گونه «ت» ها را که در پایان فعل می‌آیند هم می‌توان نوشت و هم می‌توان حذف نمود.

بۆ نمونه: دیت و ده‌روات (یان) دی و ده‌روا.

۹- وشه‌ی بیانی

وشه‌ی بیانی چ هاتیته ناو زمانی کوردییه‌وه یان هه‌ر ناو و وشه‌یه‌کی‌تر که له نووسینی

کوردیدا دیته پیشه‌وه، ده‌بیّ به رینوسی کوردی بنوسریت.

واژه‌ی بیگانه (دخیل)

تمامی واژه‌های بیگانه که وارد زبان کردی شده‌اند و یا می‌شوند باید بر اساس نوشتار و

القبا‌ی کردی نوشته‌شوند. بۆ نمونه: الله: ئه‌للا، قلم: قه‌له‌م، اکبر: ئه‌کبه‌ر

۱۰- نیشانه‌کانی «تر، ترین»

بۆ به‌راورد به‌کار دین و ده‌بیّ به وشه‌کانی پیش خۆیانه‌وه بلکینرین.

سه‌رنج: نیشانه‌ی «تر» جیاوازه له وشه‌ی «تر» که به واتای «تر = دی، دیکه» دیت.

ئەمە‌ی‌ دوا‌ی‌ی‌ دە‌ب‌ی‌ بە‌ ج‌یا‌وا‌ز‌ لە‌ وشە‌ی‌ پ‌ی‌ش‌ خۆ‌ی‌ه‌وه‌ بن‌و‌س‌ر‌یت‌.

ن‌شانە‌های‌ (تر ، ترین)

برای‌ مقایسه‌ بە‌ کار‌ می‌رو‌ند‌ و بە‌ ک‌لمات‌ ق‌ب‌ل‌ از‌ خ‌ود‌ می‌چ‌س‌ب‌ند‌.

ج‌وان‌: ج‌وان‌تر‌، ج‌وان‌ترین‌ خ‌او‌: خ‌او‌تر‌، خ‌او‌ترین‌.

ت‌وج‌ه‌: ن‌شانە‌ی‌ « تر » با‌ ک‌لمە‌ی‌ « تر » که‌ در‌ زب‌ان‌ ک‌رد‌ی‌ بە‌ معنی‌ « د‌ی‌گ‌ر » است‌ ت‌فاوت‌ دارد‌.

(تر: د‌ی‌گ‌ر) بە‌ صورت‌ ج‌دا‌ از‌ ک‌لمە‌ی‌ ما‌ق‌ب‌ل‌ خ‌ود‌ ن‌وش‌تە‌ می‌ش‌ود‌. بۆ‌ ن‌م‌ونە‌:

م‌ال‌ئ‌کی‌ تر‌، ک‌ت‌ئ‌ی‌کی‌ تر‌.

..... ۱۱- ج‌ین‌او‌ه‌ نام‌ا‌ژە‌ ک‌انی‌: ئە‌م‌ ، ئە‌و‌ ، ئە‌و‌

ئە‌م‌ ج‌ین‌او‌انە‌ ئە‌گەر‌ ئ‌او‌ه‌ ل‌ک‌اری‌ (ک‌ات‌، ی‌ان‌، شو‌ین‌) ی‌ان‌ بە‌ د‌واد‌ا‌ ه‌ات‌ پ‌ی‌یانە‌وه‌ دە‌ ل‌ک‌ین‌.

ض‌مای‌ر‌ ا‌شارە‌ی‌: ئە‌م‌ ، ئە‌و‌ ، ئە‌و‌

ا‌گر‌ ب‌عد‌ از‌ این‌ ض‌مای‌ر‌ ق‌ید‌ «ز‌مان‌ یا‌ م‌کان‌» ب‌ی‌اید‌ بە‌ آن‌ها‌ می‌چ‌س‌ب‌ند‌. بۆ‌ ن‌م‌ونە‌:

ئە‌م‌ + ش‌هو‌ = ئە‌م‌ش‌هو‌ ، ئە‌م‌ر‌ۆ‌ ، ئە‌ف‌س‌ال‌ ، ئە‌ب‌ج‌ارە‌ ، ئە‌م‌ب‌ەر‌ و ئە‌و‌ب‌ەر‌

..... ۱۲- ن‌یشانە‌ ک‌انی‌ ن‌ه‌ناس‌را‌و‌

و‌ه‌ک‌ « ... ی‌ه‌ک‌ ، ... ئ‌یک‌ ، ... ه‌ک‌ » بە‌ ش‌ی‌و‌ه‌ی‌ خ‌وارە‌وه‌ دە‌چ‌نە‌ س‌ەر‌ وشە‌ ک‌انی‌ پ‌ی‌ش‌ خ‌ۆ‌ی‌ان‌. ئە‌گەر‌

وشە‌ ک‌ان‌ بە‌ پ‌یتە‌ بز‌و‌ینە‌ ک‌انی‌ « ا ، ی ، ه ، ئ » ت‌ه‌وا‌و‌ ب‌و‌وب‌ن‌ ئە‌وا‌ ن‌یشانە‌ی‌ «...ی‌ه‌ک‌» ی‌ان‌

«...ئ‌ی‌ئ‌ک‌» ی‌ان‌ دە‌خ‌ر‌یتە‌ پ‌ال‌.

ن‌شانە‌های‌ ن‌کرە‌

مانند‌ «...ی‌ه‌ک‌ ، ...ئ‌یک‌ ، ...ه‌ک‌» بە‌ گ‌ونە‌ی‌ ز‌یر‌ با‌ ک‌لمات‌ ق‌ب‌ل‌ از‌ خ‌ود‌ می‌آ‌ین‌د‌.

۱- ا‌گر‌ ک‌لمە‌ای‌ بە‌ ح‌روف‌ م‌ص‌و‌ت‌ « ا ، ی ، ه ، ئ » خ‌تم‌ ش‌ود‌ ن‌شانە‌ی‌ «...ی‌ه‌ک‌» یا

«...ئ‌ی‌ئ‌ک‌» می‌گ‌یر‌د‌. بۆ‌ ن‌م‌ونە‌:

چ‌یا‌: چ‌یا‌ی‌ه‌ک‌ ، چ‌یا‌ئ‌ئ‌ک‌ ز‌ه‌و‌ی‌: ز‌ه‌و‌ی‌ی‌ه‌ک‌ ، ز‌ه‌و‌ی‌ئ‌ئ‌ک‌

وینه: وینه یهك ، وینه يتك دئ: دئییهك ، دئییتك

۲- ئەگەر وشەکان بە پسته‌بزوینی «وو» یان هەر پیتتیکى بێدەنگ تەواو بووبن ئەوا نیشانه‌ی «تک، له سۆرانى» و نیشانه‌ی «هك» له کرمانجى (کوردی باکور) دەچیتته سه‌ریان. اگر کلمات به «وو» مصوّت یا هر حرف صامت دیگرى ختم شوند در سورانى «...تک» و در کرمانجى (کردى شمال) «...هك» به آن افزوده‌مى‌شود.

خانوو: خانوو يتك (سۆرانى) ، خانوو هك (کرمانجى)

گوند: گوند يتك (سۆرانى) ، گوندهك (کرمانجى)

ژن: ژن يتك (سۆرانى) ، ژنهك (کرمانجى)

۱۳- چۆنیه‌تى نووسینی پیشگره‌کانى «هه‌ل، دا، را، وه‌ر، ده‌ر»

۱- ئەم پیشگرانه کاتى ده‌چنه سه‌ر چاوگ یان فرمان یان هەر حاله‌تیکى‌تر، پێیان‌وه ده‌لکین به مه‌رجى جیناوى لکاو نه‌که‌وتبیتته نیوان ئەم پیشگرانه و وشه‌که‌ی دواى خۆى. چگونگی نوشتن پیشونده‌های «هه‌ل، دا، را، وه‌ر، ده‌ر»

این پیشونده‌ها در صورتى که با مصدر یا فعل یا هر نوع کلمه‌ی دیگرى بیابند به آن می‌چسبند به شرط این که ضمیر متصلی میان این پیشونده‌ها و کلمه‌ی بعد از آن قرار نگیرد. * چاوگ (مصدر):

هه‌ل: هه‌لگرتن، هه‌لکیشان دا: داخستن، داکردن

را: راکیشان، راپه‌رین وه‌ر: وه‌رگرتن

ده‌ر: ده‌رکردن، ده‌رهیتان

فرمان (فعل):

هه‌ل: هه‌لگه‌ره، هه‌لمه‌خه دا: دانى، دامه‌په‌

را: راکیشه، راپه‌په‌رینه وه‌ر: وه‌رگه‌ره، وه‌رسوورپینه

ده‌ر: ده‌رهیتنه ، ده‌رخه

* حاله‌تى‌تر: هه‌لکشاو، هه‌لنه‌کشا، راپه‌ریو، رانه‌په‌ریو، وه‌رگرتوو، ده‌رخراو، ده‌رکراو

۲- ئەگەر جیناوی لکار کهوتە نێوان پیشگر و فرمانه‌که‌ی دوا‌ی خۆ‌ی ئە‌وا به جیا ده‌نوسرێن و جیناوه‌که به پیشگره‌وه ده‌لکێترێ.

اگر ضمیر متصلی میان این پیشوندها و کلمه‌ی بعد قرار بگیرد، ضمیر متصل به پیشوند می‌چسبد و جدا از کلمه‌ی بعد نوشته‌می‌شود:

هه‌ل: هه‌لَم گرن: هه‌ل (پیشگر) + م جیناوی لکار + گرن: وشه)

هه‌لَم گرن: هه‌ل (پیشوند) + م ضمیر متصل + گرن: کلمه)

هه‌لیمان کهن، هه‌لیمان کیشن، هه‌لیمان مه‌واسن

دا: دامان نه‌نايه، دایان خهن، دای بره

پا: رایان ده‌گرین، پام کیشه، پام په‌رینه

وه‌ر: وه‌رمان گرتایه، وه‌ری نه‌گری، وه‌ریان سوورینه‌وه

ده‌ر: ده‌ریان په‌راندین، ده‌ری خه

۱۴- پوونکردنه‌وه‌یک له سه‌ر «دا»

ئه‌گەر «دا» فرمان بی‌ت ده‌بی به جیا بنوسرێت. ئە‌گەر فرمان نه‌بی‌ت ده‌لکێت به وشه‌ی پیش خۆ‌یه‌وه.

توضیحی دربار‌ه‌ی «دا»

اگر «دا» فعل باشد جدا نوشته‌می‌شود. اگر فعل نباشد به کلمه‌ی ماقبل خود می‌چسبد.

فرمان (فعل):

تیریکی له دلَم دا. تیری به دلَم زد.

غه‌یری فرمان (غیر فعل): له دلَمدا، در دلَم

۱۵. چۆنیه‌تی نووسینی وشه‌ی «لینکدراو» و «لینکدراو داریژراو»
 ته‌گهر وشه‌ی دووه‌م له دۆخی فرماندا بوو، به جیا ده‌نوسرین:
 به‌لام نه‌گهر وشه‌ی دووه‌م له دۆخی چاوگ یان حاله‌تی‌تردا بوو ته‌وا ههر دوو وشه‌که به یه‌که‌وه
 ده‌لکینرین.

چگونگی نوشتن کلمات «مرکب» و «مشتق مرکب»

اگر کلمه‌ی دوم «فعل» باشد، جدا نوشته می‌شود.

وه‌ک: رێک ده‌که‌وین، پێکیان هینایینه‌وه، پێک نه‌هاتین، یه‌کیان نه‌گرتوه، ده‌ستمان نه‌که‌وت
 اما اگر کلمه‌ی دوم اسم یا مصدر یا هر کلمه‌ی دیگری باشد به آن می‌چسبد. (لازم به ذکر
 است در نوشتار کردی، بر خلاف فارسی، سرهم‌نویسی اولویت بیشتری دارد).
 بۆ نمونه: رێک + که‌وتن: رێککه‌وتن، پێکهاتن، یه‌کگرتن، ده‌سختن، یه‌کگرتوو، ده‌سکه‌وتوو،
 پێکهاته.

۱۶- نووسینی ژماره‌کان له «۱۱ - ۱۹»

له ژماره‌کانی «۱۱ - ۱۹» ههر ژماره‌ی چوارده‌ بی‌گیروگرتی وتن و نووسینه‌وه‌یه و هیچ‌گۆرین
 و که‌م و زیاد‌ی به‌سه‌ردا نه‌هاتوه. هه‌شت ژماره‌که‌ی‌تر به‌ دوو جوړ ده‌گوترین و ده‌نوسرین.
 لێزه‌دا هیچ‌پاکانه‌یه‌ک به‌ده‌سته‌وه‌ نییه‌ که‌ بگوتریت «یازده» له «یازده» راسته‌، له‌گه‌ڵ
 ته‌وه‌شدا ههر چۆنیک بیته‌ وشه‌ی یازده له یازده سووک و کورت‌تره. وا له‌ خواره‌وه به‌ شیوه‌ی
 سانتری ته‌م ژمارانه‌ بۆ خویندنه‌وه‌ ناماژه‌ ده‌کریت:

نوشتن شماره‌های «۱۱ - ۱۹»

در اعداد «۱۱ - ۱۹» تنها عدد چهارده در تلفظ و نوشتار بی‌مشکل است. هشت عدد دیگر به
 دو صورت نوشته و خوانده می‌شوند. در این مورد هیچ دلیل قاطعی نیست که
 «یازده» را بر «یازده» ترجیح دهیم. هر چند کلمه‌ی «یازده» آسان‌تر تلفظ می‌شود. در زیر
 به شیوه‌ی تلفظ ساده‌تر این اعداد اشاره می‌شود:

یازده، دوازده، سیزده، چوارده، یازده، شازده، چه‌فده، هه‌ژده

۱۷. وشه‌ی «چ»

هه‌ندیك به «چه» و هه‌ندیك به «چی» ده‌ینوسن، به‌لام ئەم وشه‌یه به شیوه‌ی «چ» بنوسریت باشتره. «چ» نابیی بلکیتنریت به وشه‌که‌ی دوای خو‌یه‌وه.
واژه‌ی «چ»

بعضی به صورت «چه» و بعضی به صورت «چی» این واژه را می‌نویسند. اما اگر این واژه به صورت «چ» نوشته‌شود بهتر است. «چ» نباید به کلمه‌ی بعد از خود بچسبند.

وهك (مانند): چ رۆژی، چ جاری

۱۸- پیته‌ی «ه»

به‌ته‌نیایی و له‌کوته‌ی وشه‌دا ده‌بی هه‌ر به شیوه‌ی «ه» بنوسریت نه‌ک به «ه»، بو‌ته‌وه‌ی «ه» پیته‌ی ده‌نگداری بچووک‌ی سه‌ره‌یه (فتحه) و له‌به‌ر ته‌وه‌ نابیی (ئا، ه، گونا، ه) به شیوه‌ی (ئا، ه، گونا، ه) بنوسریت.

حرف «ه»

به‌ته‌نهایی و در پایان واژه باید به صورت «ه» نوشته‌شود نه به صورت «ه» زیرا «ه» همان مصوت کوتاه‌ فتحه است و واژه‌های «ئا، ه، گونا، ه» را به همین دلیل نباید به صورت «ئا، ه، گونا، ه» نوشت.

سه‌رچاوه‌ی سه‌ره‌که‌ی ئەم به‌شه‌ بریاری «کوژی زانیاری کورده» منبع اصلی این بخش رأی «فرهنگستان زبان کردی» است.

خشته‌ی رینووسی یه‌گگرتووی کوردی

(جدول شیوه‌ی معیار املانویسی در زبان کردی)

ژماره	سه‌ردێر، (عنوان)	چۆنیه‌تی نووسین (چگونگی نوشتن)	نمونه‌کان (مثال‌ها)
۱	« و » اول واژه	هر کلمه‌ای با « و » آغاز شود با یک « و » نوشته می‌شود.	وریا ولات
۲	نوشتن حرف « ی »	حروف « ی » (y) صامت و « ی » (î) مصوّت با هم متفاوتند و اگر این دو « ی » با هم بیایند باید هر دو « ی » را نوشت.	نیسه nîye چییه زه‌وییه‌که
۳	سه « ی » در کنار هم	در زبان کردی حداکثر سه « ی » در کنار هم می‌آیند که اولی و سومی صامت و « ی » میانی مصوّت است.	ئاواییه‌که awayîyeke
۴	« ڤ » درشت (نشانه‌دار)	« ڤ » درشت در هر جای کلمه که قرار بگیرد؛ یعنی، آغاز، وسط یا پایان، بهتر آن است که نشانه‌ی « ڤ » را برای آن نوشت.	ڤۆژ ڤرپیار که ڤ
۵	« و » ربط	« و » ربط مستقل از دو کلمه‌ی قبل و بعد خود نوشته می‌شود و به آن‌ها نمی‌چسبد و به صورت « وو » نیز نوشته نمی‌شود.	من و تز ئاره‌زوو و وریا
۶	« و » میانوند	در بعضی از کلمات غیرساده، مانند: « ده‌نگویاس »، « و » میانوند به صورت بخشی از کلمه‌ی غیرساده درآمده است که مجموعاً یک واژه محسوب می‌گردد؛ در این موارد « و » به صورت مستقل نوشته نمی‌شود و جزئی از کل واژه است.	کاروبار ئه‌لفووی هاتوچۆ
۷	واژه‌ی غیرساده	چه اسم باشد چه اصطلاح، باید سر هم نوشته شود.	بیکه‌س رینوس

۱۷. وشه‌ی «چ»

هه‌ندیک به «چه» و هه‌ندیک به «چی» ده‌ینوسن، به‌لام ئەم وشه‌یه به شیوه‌ی «چ» بنوسریت باشتره. «چ» نابیی بلکیتیریت به وشه‌که‌ی دوا‌ی خو‌یه‌وه.
واژه‌ی «چ»

بعضی به صورت «چه» و بعضی به صورت «چی» این واژه را می‌نویسند. اما اگر این واژه به صورت «چ» نوشته‌شود بهتر است. «چ» نباید به کلمه‌ی بعد از خود بچسبد.

وهك (مانند): چ رۆژی، چ جارئ

۱۸- پییتی «ه»

به‌ته‌نیایی و له‌کو‌تایی وشه‌دا ده‌بئ هه‌ر به شیوه‌ی «ه» بنوسریت نه‌ک به «ه»، بو‌ئه‌وه‌ی «ه» پییتی ده‌نگداری بچو‌وکی سه‌ره‌یه (فتحه) و له‌به‌ر ئه‌وه نابیی (ئا،ه، گونا،ه) به شیوه‌ی (ئا،ه، گونا،ه) بنوسریت.
حرف «ه»

به‌ته‌نهایی و در‌پایان واژه باید به صورت «ه» نوشته‌شود نه به صورت «ه» زیرا «ه» همان مصو‌ت کو‌تاه‌ فتحه است و واژه‌های «ئا،ه، گونا،ه» را به همین دلیل نباید به صورت «ئا،ه، گونا،ه» نوشت.

سه‌رچاوه‌ی سه‌ره‌کی ئەم به‌شه بریاری «کۆری زانیاری کورده»
منبع اصلی این بخش رأی «فرهنگستان زبان کردی» است.

خشته‌ی رینووسی یه‌گگرتووی کوردی

(جدول شیوه‌ی معیار املانویسی در زبان کردی)

ژماره	سه‌رد پێ، (عنوان)	چۆنیه‌تی نووسین (چگونگی نوشتن)	نمونه‌کان (مثال‌ها)
۱	« و » اول واژه	هر کلمه‌ای با « و » آغاز شود با یک « و » نوشته می‌شود.	وریا ولات
۲	نوشتن حرف « ی »	حروف « ی » (y) صامت و « ی » (î) مصوّت با هم متفاوتند و اگر این دو « ی » با هم بیابند باید هر دو « ی » را نوشت.	نییه nîye چییه زه‌یییه که
۳	سه « ی » در کنار هم	در زبان کردی حداکثر سه « ی » در کنار هم می‌آیند که اولی و سومی صامت و « ی » میانی مصوّت است.	ئاوایییه که awayîyeke
۴	« پ » درشت (نشانه‌دار)	« پ » درشت در هر جای کلمه که قرار بگیرد؛ یعنی، آغاز، وسط یا پایان، بهتر آن است که نشانه‌ی « ڤ » را برای آن نوشت.	پۆژ برییار که پ
۵	« و » ربط	« و » ربط مستقل از دو کلمه‌ی قبل و بعد خود نوشته می‌شود و به آن‌ها نمی‌چسبد و به صورت « وو » نیز نوشته نمی‌شود.	من و تو ئاره‌زوو و وریا
۶	« و » میانوند	در بعضی از کلمات غیر ساده، مانند: « ده‌نگویاس »، « و » میانوند به صورت بخشی از کلمه‌ی غیر ساده در آمده است که مجموعاً یک واژه محسوب می‌گردد؛ در این موارد « و » به صورت مستقل نوشته نمی‌شود و جزئی از کل واژه است.	کاروبار ئه‌لفووی هاتوچۆ
۷	واژه‌ی غیر ساده	چه اسم باشد چه اصطلاح، باید سر هم نوشته شود.	بیتکه‌س رینووس

<p>دیت و ده‌روات دی و ده‌روا</p>	<p>این گونه «ت» ها را که در پایان فعل می‌آیند هم می‌توان نوشت و هم می‌توان حذف نمود.</p>	<p>۸ «ت» پایان فعل</p>
<p>الله: ته‌للا اکبر: ته‌کبر</p>	<p>تمامی واژه‌های بیگانه‌ای که وارد زبان کردی شده‌اند و یا می‌شوند باید بر اساس نوشتار و الفبای کردی نوشته شوند.</p>	<p>۹ واژه‌های بیگانه (دخیل)</p>
<p>جوان: جوانتر، تر: نشانه‌ی صفت تفضیلی مالیکی‌تر: خانه‌ای دیگر</p>	<p>«تر، ترین» برای مقایسه است و به کلمات قبل از خود می‌چسبد. نشانه‌ی «تر» نشانه‌ی صفت تفضیلی است و از نظر معنی با کلمه‌ی «تر» که در زبان کردی به معنی «دیگر» است تفاوت دارد. (تر به معنی دیگر) جدا از کلمه‌ی ماقبل خود نوشته می‌شود.</p>	<p>۱۰ نشانه‌های «تر، ترین»</p>
<p>ته‌م+شهو = ته‌مشه‌و</p>	<p>این ضمائر اگر قبل از قید «زمان یا مکان» بیایند به آن‌ها می‌چسبند.</p>	<p>۱۱ ضمائر اشاره: ته‌م، ته‌و، ته‌ف</p>
<p>۱- چیا به ک چیا بیک زه‌و بیه ک زه‌و بیبیک ۲- خانوو بیک، خانوو دک</p>	<p>۱- اگر کلمه به مصوت‌های (ا، ی، ه) ختم شود، نشانه‌ی «به‌ک» یا «... بیک» می‌گیرد. ۲- اگر کلمات به «وو» و یا هر مصوت دیگری ختم شوند در سورانی «... بیک» و در کرمانجی نشانه‌ی «...ه‌ک» به آن افزوده می‌گردد.</p>	<p>۱۲ نشانه‌های نکره یه‌ک، بیک، دک</p>
<p>۱. هه‌ل‌کردن هه‌ل+کردن: (مصدر) ۲- هه‌ل‌م‌گرن هه‌ل+م: (ضمیر متصل) دامان نه‌نایه هه‌ل+مان: (ضمیر متصل)</p>	<p>۱- این پیشوندها اگر با مصدر یا فعل یا هر نوع کلمه‌ی دیگری بیایند به آن می‌چسبند. ۲. اگر ضمیر متصلی میان این پیشوندها و کلمه‌ی بعد از آن قرار بگیرد، ضمیر متصل به پیشوند می‌چسبد و جدا از کلمه‌ی بعد نوشته می‌شود.</p>	<p>۱۳ شیوه‌ی نوشتن پیشوندهای هه‌ل، دا، پا، وه‌ر، ده‌ر</p>

<p>۱۴ - فعل: تیریکی له دلم دا: (تیری به دلم زد). - له دلمدا: (در دلم)</p>	<p>اگر «دا» فعل باشد به صورت جدا نوشته می‌شود و اگر فعل نباشد به کلمه‌ی قبل از خود می‌چسبد.</p>	<p>چگونگی نوشتن «دا»</p>	<p>۱۴</p>
<p>۱- ریک ده‌که‌وین، پیک نه‌هاتین ۲- ریککه‌وتن، پیکهاتین</p>	<p>۱- اگر کلمه‌ی دوم «فعل» باشد جدا نوشته می‌شود. (فعل مرکب) ۲- اگر کلمه‌ی دوم اسم یا مصدر یا هر کلمه‌ی دیگری باشد به آن می‌چسبد. (اسم/صفت مرکب)</p>	<p>واژه‌های «مرکب» و «مشتق مرکب»</p>	<p>۱۵</p>
<p>یازده، دوازده، سیزده، چوارده، پازده، شازده، حه‌ژده، هه‌ژده.</p>	<p>در این اعداد تنها عدد چهارده در تلفظ و نوشتن بی‌مشکل است. اعداد دیگر به دو صورت نوشته و خوانده می‌شوند. هیچ دلیل قاطعی نیست که «یازده» را بر «یانزه» ترجیح دهیم، هر چند کلمه‌ی «یانزه» راحت‌تر تلفظ می‌شود و کوتاه‌تر است.</p>	<p>نوشتن شماره‌های (۱۱ - ۱۹)</p>	<p>۱۶</p>
<p>چ پۆژی</p>	<p>این واژه به صورت «چ» نوشته شود بهتر است؛ ولی نباید به کلمه‌ی بعد از خود بچسبد.</p>	<p>واژه‌ی «چ»</p>	<p>۱۷</p>
<p>نا، گونا، هاوار</p>	<p>به صورت تنها و در پایان واژه باید به صورت «ه» نوشته شود و نوشتن آن به صورت «ه» اشتباه است.</p>	<p>حرف «ه»</p>	<p>۱۸</p>

نمونه‌ی ویژه‌ی کوردی

(نمونه‌هایی از ادب کردی)

بیسارانی (۱۶۴۱-۱۷۰۲) ی زاینسی

مه‌لا مسته‌فا کورپی مه‌لا قوتبه‌دینی کورپی مه‌لا شه‌مسه‌دین، له‌دایکبوری گوندی بیسارانه که یه‌کیتکه له‌گونده‌کانی گه‌وره‌ی ناوچه‌ی ژاوه‌رو‌ی هه‌ورامان. له‌نۆدشه و پایگه‌لان و سنه خویندوو‌یه، جگه له‌وه‌ی که سه‌ره‌تا له‌خزمت باوکیدا ده‌ستی به‌خویندن پیکردبوو. مه‌لا مسته‌فا پاش ته‌واوکردنی زانسته ئیسلامییه‌کان، به‌مه‌لایه‌تی ژیانی بردوو‌ه‌ته‌سه‌ر. له‌ته‌مه‌نی شه‌ستویه‌ک سالی‌دا مائثاوا‌یی له‌ژیان ده‌کات و له‌سه‌ر وه‌سیه‌تی خۆی له‌گۆرستانی پیره‌هه‌ژاره که ده‌که‌و‌یتته به‌رانبه‌ری شاری سه‌ولا‌وا‌ی (نیزیک شاری مه‌ریوان) به‌خاکی ده‌سپێرن.

بائنده‌ی ئەشقی بیسارانی به‌سه‌ر گو‌له‌باخی بال‌آی «تامینه‌ی» پایگه‌لاندا هیتلانه‌ی چیکردوو‌ه، به‌لام پاسته‌وخۆ ناوی ئەو له‌نیو شیعره‌کانیدا ناهیتنی، به‌لکوو چه‌ند جارێ ناوی «ئینساف»، «شیرین» و «زلیخا» دیتنی، که‌ره‌نگه‌ کینایه له‌تامینه‌ی بی.

له‌زۆر شیعری‌تردا شاعیر به‌وشه‌ی «چراغ» و «قیبله» ناوی دلخوازه‌که‌ی ده‌شاریته‌وه، ره‌نگه ئەو ناوانه هه‌ر یه‌که و خه‌لکی یه‌کێک له‌و شو‌ینانه بووین که شاعیر به‌هۆی خویندن ماوه‌یه‌ک تییاندا جینگیر بووه.

بیسارانی له‌هه‌موو شاعیری زیاتر له‌سه‌ر مه‌وله‌وی په‌نگی دارپشتوو‌ه و به‌مه‌ش په‌له‌ی به‌رزی بیسارانیمان بۆ ده‌رده‌که‌و‌یت. مه‌وله‌وی به‌«سه‌ودایی کامل» له‌بیسارنیه‌وه ناو ده‌بات، هه‌روه‌ها جیه‌ه‌می بیسارانی له‌سه‌ر شیعره‌کانی پیره‌مێرد و مه‌ستوره‌ی نه‌رده‌لانیسه‌وه دیاره.

نمونه‌ی شیعری بیسارانی:

چراغم وه‌فات چراغم وه‌فات

بی‌به‌ینه‌ته‌نی هیچ نییه‌ن وه‌فات

سی‌سال‌چون یه‌ک پۆ من کیشام جه‌فات

جه‌و سی‌سال‌جاری هیچ نه‌دیم وه‌فات

سی و شەش ماھەن جەفات مەکشوو
یانە ی سەبرم سفت تا کە ی بنیشوو
قیبەم حیساب کەر ساعەتان چەندەن
جە گرد ساعەتی دل جە لات بەندەن
بیست و پەنج هەزار نۆسەد و بیستەن
دل مەیلش بە تۆن هەر تۆش ئەویستەن
هەزار و هەشتا پۆوان بی کامل
رۆیی مۆردام نە کەردت حاسل
ئەر تووچ مەیلت هەن پاس بواچە پیم
وەر نە با ساکن بوون جە یانە ی ویم

واتای وشە دژوارەکان (معنی واژه‌های دشوار):

زایینی: (میلادی)، گوند: (روستا)، ناوچە: (منطقه)، جگە لەوێ کە: (جداى از آن کە)، زانست: (علم)، تەمەن: (سن)، بالندە: (پرنده)، چیکردوو: (ساخته است)، راستەوخۆ: (مستقیم)، دلخواز: (معشوق)، شایان: (شایسته)، ڕنگی دارشتوو: (مجازاً یعنی تأثیر گذاشته است)، پلە: (درجه)، جیپەنجە: (تأثیر)، بەینەت: (عهد و پیمان)، ڕۆ: (روز)، جەو: (از/لەو)، مەکشوو: (می کشم)، یانە: (خانه)، سفت: (آتش گرفت)، بنیشوو: (بنشینم)، کەر: (کن)، گرد: (همه)، ئەویستەن: (خواسته است)، بواچە: (بگو)

نه‌همه‌دی خانی (۱۶۵۰-۱۷۰۶ز)

خانی له سالی ۱۶۵۰ز له شاری بایه‌زید (کوردستانی تورکیه) له دایک بووه. به مندالی چووه‌ته حوجره‌ی فقهیه‌تی و بۆ خویندن رووی کردووته نه‌خلات و ئورفه و بتلیس و گه‌لی شوینی‌تر و هه‌روه‌ها پۆیشته‌وه‌ته میسر. له‌وی ئیجازه‌ی مه‌لایه‌تی وه‌رگرتوو و گه‌راوه‌ته‌وه بۆ زێده‌که‌ی خۆی و پاشماوه‌ی ژیا‌نی به‌ وانه‌وتنه‌وه و رینوینی خه‌لك بردووته سهر.

ناسه‌واره‌کانی خانی نه‌مانه‌ن:

مهم و زین: که چه‌رۆکینکی دل‌دارییه و به‌ قسه‌ی خانی: «چه‌رۆکی سه‌ربه‌ستی گه‌لی کورده»
نه‌ویه‌هار: که فه‌ره‌ه‌نگینکی عه‌ره‌بی - کوردییه، «یوسف و زوله‌یخا»، «له‌یلا و مه‌جنوون» و «عه‌قیدا کوردی» له‌ ناسه‌واره‌کانی تری خانین که هیشتا له‌ چاپ نه‌دراون. مه‌به‌ستی خانی له‌ هۆنینه‌وه‌ی چه‌رۆکی مهم و زین ده‌رپه‌ینی ده‌ردی دلی خۆی بووه، چونکه هه‌ستی به‌ نیش و ئۆف و داخ و په‌ژاره‌ی نه‌ته‌وه‌که‌ی خۆی کردوو.

پیشه‌کی مهم و زین:

دا خه‌لق نه‌بی‌ژیتن کوو ئه‌کراد
بی مه‌عریفه‌تن بی ئه‌سل و بونیاد
ئه‌نوعی میله‌ل خودان کتیین
کورمانج ته‌نی دبی حسیین
هه‌م ئه‌هلی نه‌زهر نه‌بی‌ن کو کورمانج
عیشقه‌ک نه‌کرن ژبو خوه ئامانج
ساقی توژ بو خودی که‌ره‌م که
یه‌ک جورعه‌یی مه‌ی د جام جه‌م که
دا جام به‌ مه‌ی جیهان نما بت
هه‌رچی مه‌ ئرا ده‌یه‌ خویا بت

بهختی مه ژ بو مهرا ببت یار
جاریکی بیین ژ خاب هوشیار
ئهز مامه د حکمه تا خودی دا
کورمانج د دهولته تا دنی دا
نایا به چ وهجه مانه مه حرووم
بلجومه ژ بوچ بوونه مه حکووم
گهر دی هه بووا مه سه رفه رازهک
ساحب که ره مهک سوخن نه وازهک
خه مخوری دکر ژ مهینه تیمان
تینانه دهری ژ دهست له تیمان

زید: (وطن)، وانه وتنه وه: (تدریس)، ریتوینی: (راهنمایی)، ناسه وار: (آثار)، چیرۆك: (داستان)،
دلداری: (عاشقانه)، سه ریه ست: (آزاد)، گهل: (ملت)، هۆنینه وه: (سرودن)، ده رپین: (اظهار)،
هه ست: (احساس)، ئیش: (درد)، په ژاره: (بیچارگی)، نه ته وه: (ملت)، خودان: (صاحب)، ته نی: (تنها)،
نه بیین: (نگویند)، ژ: (از)، ژ بو: (برای)، خودی: (خدا)، خویا: (روشن، واضح)، ته ز: (من)، ژ: (از)

- مەم و زین، ئەحمەدی خانی، لێکدانەوه‌ی په‌رویزی جیهانی، ورمی، بلاوکردنەوه‌ی سه‌لاح‌دینی شه‌یوی.

نالی (۱۸۰۰-۱۸۵۶ز)

نالی ناوی خدر « خضر » ه و کورپی « نه‌محمدی شاوه‌یسی نالی به‌گی میکایلییه ». له گوندی « خال‌خوول » له دهشتی شاره‌زور هاتووه‌ته دنیاوه. دوا‌ی خویندنی کتیبی نایینی و ته‌واوکردنی فه‌قییه‌تی بووه‌ته مه‌لا. نه‌و شوینانه‌ی تیایا مابوویتته‌وه سنه و سابلاغ و قه‌ره‌داغ و هه‌له‌بجه و سلیمانین.

شه‌وی یه‌له‌دایه یا ده‌ججوره نه‌مشه‌و

که دیدهم دور له تو‌بی نووره نه‌مشه‌و

دل‌م وه‌ک حاکمی مه‌عزوله قوربان!

خه‌لاتی وه‌سل‌ی تو‌ی مه‌نزوره نه‌مشه‌و

دل‌یش مایل به‌ دیدهی تو‌یه، بو‌یه

له من وه‌حشی و په‌میده و دوره نه‌مشه‌و

که تو‌ی شای که‌چ کولاهی دیدمه‌ستان

چ باکم قه‌یسه‌ر و فه‌غفور نه‌مشه‌و

له خه‌وه‌ساوه یا ئالۆزه چاوت

هه‌میشه وایه یا مه‌خمووره، نه‌مشه‌و

سوروشکم نه‌قشی چاوی تو‌ ده‌کیشی

که جیم سه‌ر داره‌که‌ی مه‌نسوره نه‌مشه‌و

موسلمانان ده‌پرسن حالی نالی

له کونجی بی‌که‌سی مه‌ججوره نه‌مشه‌و

ده‌ججور: (تاریک)، ئالۆز: (پریشان)، قه‌یسه‌ر: (لقب پادشاه روم)، فه‌غفور: (پادشاه چین)،

سوروشک: (اشک)

- دیوانی نالی، لیکۆلینه‌وه‌ی مه‌لا عه‌بدولکه‌ریمی موده‌پرێس، ورمی، بلاوکردنه‌وه‌ی سه‌لاح‌دینی شه‌یویی،

چاپی سیه‌م ۱۳۶۸.

مهوله‌وی (۱۲۲۱ - ۱۳۰۰) ی کۆچی مانگی

ناوی « سه‌یید عه‌بدوپرّه‌ه‌حیم » کورپی مه‌لا سه‌عه‌یده، نازناوی شیعریشی « مه‌عدوومی » یه، به‌لام له ناو خه‌لک و له کۆرپی ته‌دیبا نا به « مه‌وله‌وی » ناوبانگی ده‌رکردوه. مه‌وله‌وی له سالی ۱۲۲۱ ک. له دێی « سه‌رشاته » له ناوچه‌ی « تاوه‌گۆز » ی کوردستانی عێراق له دایک بووه. لای باوکی قورئان و کتێبه سه‌ره‌تاییه‌کانی فارسی و پێزمانی عه‌ره‌بی خوێندووه، پاشان بۆ خوێندن، پاوه، چۆر، سنه، بانه، سلیمانی، هه‌له‌بجه و جوانپۆ گه‌پاوه. مه‌وله‌وی موریدی شیخی سه‌راجه‌دین بووه و هه‌وای ته‌سه‌ووف و ئه‌وینی عه‌رفانی به شیوه‌یه‌کی به‌رچاو له ئاسه‌واره‌کانیدا ده‌بینی. له زانسته ئیسلامیه‌کاندا ده‌ستیکێ بالایی بووه. مه‌وله‌وی په‌یوه‌ندی دۆستایه‌تی له‌گه‌ڵ هه‌ندیکی تر له یارانێ خودادا بووه وه‌کوو: شیخ عه‌بدوپرّه‌ه‌حمانی خالیسی تاله‌بانی و کاک ئه‌حمه‌دی شیخ.

ژیانی ئابووری مه‌وله‌وی زۆر ناخۆش بووه، به‌لام ئه‌و پازی بووه به‌و ژبانه و زۆربه‌ی وه‌ختی خۆی به شیوه‌ی ده‌رویشی رابواردوه. مه‌وله‌وی له دوا ساله‌کانی ژیانیدا تووشی گه‌لی کاره‌ساتی ناخۆش بووه، کتێبخانه‌که‌ی سووتاووه. « عه‌نبه‌ر خاتون » ی خێزانی، که جینگایه‌کی تایه‌تی بووه له دای مه‌وله‌ویدا، مردوه. مه‌وله‌وی هه‌وت سال پێش وه‌فاتی کوێر ده‌بی. له سالی ۱۳۰۰ ک. کۆچی دوابی ده‌کا و له گۆرستانی « ئه‌سحابه » له تزیکی « سه‌رشاته » ده‌یسپێرن به‌ خاک.

ئازیز دیاره‌ن، واده‌ی لومانه‌ن
 ئه‌له‌له‌ده‌ای ئاخه‌ر ئه‌وه‌نامامانه‌ن
 ده‌وله‌ته‌که‌ی وه‌سل پانه‌ زه‌واله‌ن
 جارپۆ ته‌ر دیده‌ن بالاته‌ مه‌حاله‌ن
 سا دله‌م وه‌ش که‌ر وه‌ ئیلتیفاته‌ی
 بابه‌یه‌و شنۆی شیرین رازه‌که‌ت
 گۆش ده‌رۆ لادێ مه‌ینه‌ت گازکه‌ت
 ئاخه‌ر سه‌فه‌ره‌ن را خه‌یلێ دووره‌ن
 مه‌نزل بێ پایان تۆشه‌ زه‌رووره‌ن...
 دینه‌ت تۆشه‌ی چه‌م مه‌یلت تۆشه‌ی دل
 رازت تۆشه‌ی گۆش مه‌نزل وه‌ مه‌نزل...
 من شه‌ه‌وی ناله‌م جۆش ئاورده‌بو
 سه‌گی ئاسانه‌ت بێدار که‌رده‌بو

یا ناسته‌بو س‌هیل دیدم نه‌فه‌سی
 نه‌سیم گ‌ه‌رد پات به‌رۆ په‌ی که‌سی
 جه‌مینت زه‌حمه‌ت نی‌گام ک‌یشابۆ
 که‌فی پات وه‌ خار دیدم نی‌شابۆ
 یا که‌رده‌بو د‌ل، دیوانه‌ی د‌ل ته‌نگ
 وه‌خت نیشه‌انه‌ی د‌لان په‌ی خ‌ه‌دنگ
 په‌ل په‌ل په‌ی زه‌وق زامی وه‌ تیرت
 ئازار دابۆ ت‌ای زولف زه‌نجیرت
 ... یا نه‌دا بو‌ت تو‌ز گ‌ه‌رد پ‌الاکه‌ت
 په‌ری س‌ورمه‌ی جه‌م س‌فته‌ی پ‌الاکه‌ت
 تو بو‌یهر جه‌ من، من زوو وی‌یهردم
 چه‌پگ‌ه‌رد په‌ی دووریت شانا مۆره‌ی نه‌رد
 وه‌ زاهی‌ر «بان‌ه‌»ش وه‌ به‌هانه‌ که‌رد
 تا فه‌له‌ک پ‌یمان وه‌ به‌هانه‌ بو
 ئه‌ر سه‌د بان‌ه‌ بو، باز شوکرانه‌ بو
 ئه‌ر فرسه‌ت‌ش دا په‌ی د‌ل خ‌ه‌مینت
 عومری دووباره‌ن جارپۆ ته‌ر دینت
 وه‌ر ناست‌ش ئازیز تو وه‌ س‌لامه‌ت
 دیدن دیدار که‌وت ئه‌و قیامه‌ت!

کۆچی مانگی: (هجری قمری)، پ‌یزمان: (دستور زبان)، نازناو: (تخلص)، به‌لام: (اما)، سه‌ره‌تایی: (ابتدایی، مقدماتی)، ئه‌وین: (عشق)، ئابووری: (اقتصادی)، رابواردوه: (گذرانده‌ است)، تووش: (دچار)، گ‌ه‌لی: (زیاد)، کاره‌سات: (حادثه)، کۆچی‌دوایی: (آخرین سفر، مرگ)، واده: (وعده)، لوامه‌ن: (رفتن من)، ئه‌لوه‌دای: (خداحافظی)، ئه‌وه‌نامامه‌ن: (برنگشتن من)، وه‌ش: (خوش، بدیه‌وه: (ببین)، بوینووت: (ببینمت)، به‌یو: (بیاید)، شنۆ: (نسیم)، لادی: (لحظه‌ای)، ده‌رۆ: (بدهد)، مه‌ینه‌ت گازکه‌ت: کسی که‌ بدبختی عشق تو او را گرفتار کرده‌ است)، دینت: (دیدن تو)، زانو: (می‌داند)، ئاورده‌بو: (آورده‌باشد)، ناسته‌بو: (نگذاشته‌ باشد)، به‌رۆ: (ببرد)، په‌ی: (برای)، جه‌مین: (رخسار)، پ‌الا: (کفش)، په‌ری: (برای)، س‌فته: (سوخته)، بو‌یهر: (بگذر، ببخش)، وه‌ردم: (خوردم)، شانا: (انداخت)، ناست‌ش: (نگذاشت)

- دیوانی مه‌وله‌وی، کۆکردنه‌وه لی‌کۆلینه‌وه و لی‌کدانه‌وه مه‌لا عه‌بدوکه‌ری مه‌وده‌ریس، سنه، بلا‌وکردنه‌وه‌ی

حاجی قادری کۆبی (۱۲۴۰-۱۳۱۴ز)

ناوی حاجی قادری کورپی مه‌لا نه‌حمده:

باوكم نه‌حمده بوو ناوی فیکرم دی خه‌لقی لادی بوو، دایکی من فاتمی

له سالی ۱۲۴۰ی ک. له دایک بووه. هه‌ر منداڵ ده‌بی که باوکی ده‌مری. له هه‌وت سالاندا دایکی لای مه‌لا نه‌حمده‌ی خالۆزای حاجی، له به‌ر خویندنی داناوه. حاجی له سالانی ۱۲۷۰ ده‌چن بۆ کوردستانی پۆژه‌هلآت و شاره‌کانی سه‌رده‌شت و سابلاغ و شنۆ و تا سالی ۱۲۷۹ له پۆژه‌هلآتدا ده‌مینیته‌وه و له‌و ساله‌دا نیجازه‌ی مه‌لایه‌تی وه‌رده‌گرئ و ده‌چیته‌وه کۆیه.

به‌ هۆی خه‌مۆزی حاجی بۆ خه‌لکی کۆیه و که‌مه‌رخه‌می خه‌لک له ناستی نه‌ودا، کۆیه به‌جئ دیلی و پروو ده‌کاته نه‌سته‌موول، پایته‌ختی خه‌لیفایه‌تی عوسمانی.

حاجی له نه‌سته‌موول ده‌بیته مامۆستای تایبه‌تی کوره‌کانی بنه‌ماله‌ی « به‌درخانیه‌کان ». ناشنابوون له‌گه‌ل پۆشنه‌یری نه‌وروویا و بنه‌ماله‌ی به‌درخانیه‌کان بووه‌ته هه‌وینی کوردايه‌تی له نیو ده‌روونی حاجیدا.

حاجی شاعیریکی مه‌لای بیرووناک بووه و تا کۆتایی ژیانی ژنی نه‌هیتاوه:

هه‌ر منم نیستا وارسى عیسا بئى کوپ و مال و بئى ژن و مه‌ئوا

سه‌ره‌تای شیعری حاجی به‌ ناوه‌رۆکی دلداریه‌وه ده‌ست پئ ده‌کا، به‌لام کاتئ که پۆیشه شاری نه‌سته‌موول، بیر و باوه‌پی کوردايه‌تی له لا په‌روه‌ده بوو. نه‌و کاره‌ی حاجیش پێچکه و پێبازێکی تازه‌ی له دنیای شیعری کوردايه‌تی خولغاند. چونکه نه‌گه‌ر شیعری نه‌ته‌وه‌یی به‌ر له حاجیش سه‌ری هه‌لدا، نه‌وا وه‌کوو شیعره‌کانی حاجی پێگه‌یشتوو نه‌بوون (هه‌ر وه‌کوو شیعره‌کانی نه‌حمده‌ی خانی) و هه‌یچ کامیان وه‌کوو حاجی وا به‌ده‌ره‌تان په‌ره‌یان به‌ شیعری نه‌ته‌وه‌یی کورد نه‌داوه.

تا پێک نه‌که‌ون قه‌بیلی نه‌که‌راد هه‌روا ده‌بنه‌ خه‌رابه‌ ئاباد
نه‌نواعی مه‌له‌ل له‌ گه‌وره‌ تا چووک خه‌ملیوه له‌ مانیکی وه‌کوو بووک...
هه‌ر کوردن نه‌گه‌ر چی پاکی مه‌ردن پامالی زه‌مانه‌ میسلی گه‌ردن

گەر باعیسی ئەم دەپرسی کامه
شەرتیکه که بو هه‌موو ته‌مامه
ئهو شەرتە بە کوللی ئیتتیفاقه
گەر مەرعه‌ش و وانه گەر عیراقه

که‌مترخه‌می: (بی توجهی)، بنه‌ماله: (خانواده)، هه‌وین: (مايه)، ناوه‌رۆک: (محتوا)، پێچکه: (راه)،
پێباز: (طریق)، به‌ده‌ره‌تان: (گسترده)، په‌ره‌دان: (گسترش دادن)، خه‌ملیوه: (آراسته شده)، پاکي
مه‌ردن: (همگی جوانمرد هستن)، پامال: (پایمال) ئیتتیفاق: (واژه‌ی عربی به معنی: اتحاد و توافق)
- دیوانی حاجی قادری کۆبی، لیکۆلینه‌وه: سه‌ردار هه‌مید میران، که‌ریم مسته‌فا شاره‌زا، چاپی نه‌مینه‌داریتی
گشتیی پۆشنه‌بیری لوانی ناوچه‌ی کوردستان، ۱۹۸۶.

مه‌ستووه‌ی نه‌رده‌لان (۱۲۱۹-۱۲۶۳ ک.م.)

ناوی ماه شه‌رف خانمی کچی نه‌ولحه‌سه‌ن به‌گی قادری و نازناوی هۆنراوه‌ی « مه‌ستووه‌» یه.
له‌ سالی ۱۲۱۹ی کۆچی له‌ شاری سنه، ناوه‌ندی فه‌رمانه‌ره‌وايه‌تی نه‌رده‌لانیدا هاتووه‌ته‌ دنیا.
هه‌ر له‌ منداڵیدا له‌ مائی باوکی خۆی ده‌ست ده‌کا به‌ خویندن و له‌ بیست و هه‌شت سالاندا
شوو ده‌کاته‌ خوسه‌روخانی نه‌رده‌لان.
له‌ سالی ۱۲۶۳ی کۆچیدا به‌ هۆی هه‌ندی کاره‌سات و پرووداو که‌ به‌ سه‌ر فه‌رمانه‌ره‌وايه‌تی
نه‌رده‌لاندا پرووی داوه، له‌ گه‌ل پوورزایدا هه‌سه‌ین قولیخانی نه‌رده‌لان، ناچار بووه‌ که‌ بپواته‌ خاکی
سه‌لیمانی و له‌ پاش سالیك، واته‌ له‌ سالی ۱۲۶۴ی کۆچی له‌ ته‌مه‌نی ۴۴ سالییدا له‌ شاری سه‌لیمانی
کۆچی دوایی کردووه.

نمونه‌ی شیعری مه‌ستووه‌:

گرفتارم به نازی چاوه‌کانی مه‌ستی فه‌تتانت

برینه‌دارم به تیری سینه‌ سوۆزی نیشی موژگانت

به زولف و په‌رچه‌م و نه‌گریجه‌کانت غاره‌تت کردم

دلیکم بوو نه‌ویشته‌ خسته‌ نیو چاهی زه‌نه‌خدانت

جه‌نابا! عاشقان ئه‌مڕۆ هه‌موو هاتوونه پابۆست
منیش هاتم بفرموو بمکوژن بمکه‌ن به قوربان
ته‌شه‌ککور واجبه بۆ من ئه‌گه‌ر بمرم به زه‌خمی تۆ
به شه‌رتی کفنه‌که‌م بدوی به تای زولفی په‌ریشانت
له کوشتن گه‌ردنت نازاد ده‌که‌م گه‌ر بێیته سه‌ر قه‌برم
به پوژی جوومه‌ه‌ بمنيژی له لای جه‌معی شه‌هیدانت
که‌سی تۆ کوشتیبت پوژی چه‌شرا زه‌حمه‌تی ناده‌ن
ئه‌گه‌ر وه‌ک من له ئه‌م دونیایه سووتابی له هيجرانت
هه‌میشه سوچه‌گه‌م خاکی به‌ر ده‌رگانه‌که‌ی تۆیه
ره‌قیب پووی ره‌ش بی ناییلی بگا ده‌ستم به دامانت
له شه‌رت و هه‌م وه‌فاداری خۆ تۆ مه‌شه‌هووری ئافاکی
فیدای شه‌رت و وه‌فات بم چی به سه‌ر هات مه‌یلی جارانت
ئه‌من ئه‌مڕۆ له ملکی عاشقیدا ناده‌ری ده‌هرم
به ره‌سمی به‌نده‌گی عاشق هه‌موو هاتوونه دیوانت
پرو مه‌ستوره شوکری که له ده‌رگای پادشای داوهر

که شوڵه‌ی پوژی پووی والی ده‌گاته کۆشک و ئه‌یوانت^۱

نازناو: (تخلص)، هۆنراوه: (شعر)، ناوه‌ند: (مرکز)، کاره‌سات: (حادثه)، پوورزا: (پسر عمه،
پسر خاله)، کۆچی دوایی: (مرگ)، سه‌ره‌رشتیی: (سرپرستی)، بریندار: (زخمی)، نه‌گریمه: (زلف)،
زه‌نه‌خدان: (چانه)، بدوی: (بدوزی)، بمنيژی: (به خاکم بسپاری)

- دیوانی مه‌ستوره‌ی نه‌رده‌لان، کۆکردنه‌وه و لیکدانه‌وه‌ی سدیق بۆره‌که‌یی، چاپی یه‌که‌م، بانه، بلاوکردنه‌وه‌ی

ناجی، ۱۳۷۴.

۱. بری له سه‌رچاوه‌کان گومانیان له‌وه‌ کردوه که نهم شیعره هی مه‌ستوره بی.

مه حوی: (۱۸۳۶-۱۹۰۶ز)

ناوی مه‌لا مەمەد و کورپی مه‌لا عوسمانی باغییه. (باغ دئییکه له ناوچه‌ی «ماوه‌ت»ی سلیمانی.) حەوت سالان بووه نراوته خویندن و لای باوکی خویندووێتی. بۆ خویندن چووته سنه و سابلاغ و گه‌راوتهوه سلیمانی و پاشان له به‌غدا بووه به‌ فه‌قیی زانای به‌ناوبانگی کورد موفتی زه‌هاوی و ئیجازه‌ی مه‌لايه‌تی لای نه‌و وه‌رگرتوه و بووه به‌ مه‌لای مزگه‌وتی ئیمامی نه‌عزەم له به‌غدا و پاشان ده‌گه‌رێته‌وه بۆ سلیمانی. هەر به‌ ڕێچه‌کی باوکیدا ڕینگای ته‌ریقه‌تی گرتوه‌ته‌ به‌ر و بووه به‌ خه‌لیفه‌ی شیخ به‌هائەددینی کورپی شیخ عوسمانی ته‌ویله‌.

مامۆستا خاڵ نه‌لی: «له‌ سالی ۱۸۷۴ ماوه‌ی یەك سال دوورخراوته‌وه بۆ به‌غدا، له‌ گه‌ل چه‌ند مه‌لايه‌کی تر.» به‌لام ناو براو (خاڵ) هیچی له‌ باره‌ی نه‌م دوورخستنه‌وه و هۆیه‌که‌یه‌وه نه‌نووسیه‌وه. به‌ پێی قسه‌ی مامۆستا سه‌جادی له‌ سالی ۱۸۸۳ی ز. چوووه بۆ حەج. له‌وێهه‌ چوووه بۆ نه‌سته‌موول و چاوی به‌ سوڵتان عه‌بدولحه‌میدی عوسمانی که‌وتوه. سوڵتان ڕێژیکی زۆری لێ گرتوه و فه‌رمانی داوه‌ خانه‌قاییکیان له‌ سلیمانی بۆ کردوه‌ته‌وه که‌ ئیستا به‌ خانه‌قای مه‌حوی به‌ناوبانگه‌ و له‌وێ تا مردن خه‌ریکی ده‌رس وتنه‌وه به‌ فه‌قی و بلاوکرده‌وه‌ی ئابین و خزمەت کردن بووه. له‌ یه‌کێ له‌ ژووهره‌کانی خانه‌قاکه‌ی خۆیدا به‌ خاک سپێردراوه.

سه‌ر که‌ جو‌شێکی نه‌بی، من زرکه‌تالم بۆ چیه‌؟

دل که‌ هۆشێکی نه‌بی، شیشه‌ی به‌تالم بۆ چیه‌؟

ده‌رد و داغیکی ده‌روونی گه‌ر بیی با ره‌نگ و ڕوو

سیس و موغبه‌ر بی که‌مالم بۆ جه‌مالم بۆ چیه‌؟

ته‌جره‌به‌ی عاشق به‌ سووتانی ده‌کرد نه‌و زالمه

سه‌یری که‌ن ئیستا ده‌لی: مشتێ زوخالم بۆ چیه‌؟

پێی به‌ سه‌رما نا که‌ بوومه‌ خاکی ڕیی گه‌ردم شوکر

گه‌یه‌ داوینێ، ده‌لایی بای شه‌مالم بۆ چیه‌؟

داغی سینه‌ و پیچ و تابێ دووری ئاهم خو‌ه‌یه

مۆر و توپره‌ی ئیمپراتوور و قه‌رالم بۆ چیه‌؟

ده‌رده‌دار نه‌لبه‌ت زوبانی ده‌رد و هه‌سه‌ره‌ت تی ده‌گا

چاوی بیماری ده‌زانێ، ناله‌ نالم بۆ چیه‌!

حاله‌ به‌دحالی له‌ شوین و، ماله‌ ویرانی له‌ دوو

« مه‌حویا! » گه‌ر نه‌هلی حالی، حال و مالم بۆ چیه‌؟

به‌ناوبانگ: (مشهور)، ڕێچه‌که‌: (راه)، دوورخستنه‌وه: (تبعید)، ڕیز: (احترام)، سپێردراوه: (در این جا به‌ معنی مدفون شده‌ است)، زرکه‌تال: (نوعی گیاهی با میوه‌ی تلخ، / حنظله)، به‌تال: (خالی)، قه‌رال: (پادشاه)، توپره‌: (طره‌ (موی سر) - دیوانی مه‌حوی، مه‌لا عه‌بدولکه‌رمی صوده‌ررێس و محمه‌دی مه‌لا که‌ریم، بلاوکرده‌وه‌ی سه‌لاحه‌دینی

نه‌یویی، ورمی، ۱۳۶۷.

فایه‌ق بیکه‌س (۱۹۰۵-۱۹۴۸ ز)

له سالی ۱۹۰۵ له «سیتکه» هاتووته دنیاوه که دبییکه له باکووری پۆژه‌ه‌لاتی سلیمانیه‌وه. هه‌ر به مندالی باوکی له حوجره‌ی فه‌قی‌دا خستویه‌ته به‌ر خویندن و له ۱۹۱۱دا باوکی به نیشی میری نیردراوه بۆ خانه‌قین و له‌ویوه بۆ به‌غدا. له به‌غداوه ده‌نیترئ به دوا‌ی مال و مناله‌که‌یدا و ده‌یان‌باته نه‌وی و پاش سالی‌ک خۆی چوه بۆ تورکیا و نه‌مانی به جی هیشتوه. ئیتر فایه‌ق باوکی نه‌دیوه‌ته‌وه. هه‌ر له‌و ماوه‌یه‌دا حه‌مه سه‌عیدی برا گه‌وره‌ی له ناو دیچله‌دا ده‌خنکی و دوا‌به‌دوا‌ی نه‌و، دا‌یکیشی کۆچی دوا‌یی ده‌کا و فایه‌ق ده‌که‌ویته لای خالۆی. نه‌ویش پاش چه‌ند مانگی‌ک ده‌مرئ و فایه‌ق و تاهیری برا بچو‌وکی به بی‌که‌سی ده‌می‌ننه‌وه و له لایه‌ن حاجی نه‌مینى مامیان‌ه‌وه که له سلیمانی بووه ده‌که‌ونه ژیر چاودیری . فایه‌ق، وی‌پرای خویندن، ده‌س ده‌کا به جگه‌ره و شقارته فرۆشتن. له سالی ۱۹۳۰ له به‌ر کاری سیاسى ده‌که‌ویته به‌ندیخانه. له ۱۹۳۳دا ده‌بیته مامۆستای قوتابخانه‌کانی(فیترگه) میری و هه‌تا ئاکامی ژینی مامۆستایی ده‌کا. بی‌که‌س دوو ژنی هیتاوه یه‌که‌میان ۱۹۳۵ی ز.دا که پاش سالی‌ک مردوووه و مردنه‌که‌ی کاریکی زۆری کردووته سه‌ر ده‌روونی. له‌م ژنه‌ی کچی‌ک و له ژنی دووه‌می دوو کچ و کو‌رپکی بووه که «شیرکۆ بی‌که‌س»ی به‌ناوبانگه.

خوایه وه‌ته‌ن ئاواکه‌ی چه‌ند دلگه‌یر و شه‌یرینه

ده‌ش‌تی خو‌ش و په‌نگینه

ئاوی که‌وسه‌ره خاکی گه‌وه‌ره پرله گول و نه‌سزینه

سه‌هیرانگای به‌هارانی سه‌وزه گیای نه‌رم و جوانی

سه‌د دل ئه‌به‌ی حه‌یرانی

ئاوی که‌وسه‌ره، خاکی گه‌وه‌ره پرله گول و نه‌سزینه

شاخی به فرین و به رزه بو پابدوو مان په رزه

چیمه‌نی جوان و سه رزه

ئاوی کهوسه ره خاکی گوه ره پرله گول و نه سرینه

ئه‌م شوینه شوینی کورده جیی قاره مان و گورده

لانه‌ی شیری نه به رده

ئاوی کهوسه ره خاکی گوه ره پرله گول و نه سرینه

وه‌ته‌ن چاوی لیمانه ده‌ری که‌هین له ته‌نگانه

حه‌یفه بیته ویرانه

ئاوی کهوسه ره خاکی گوه ره پرله گول و نه سرینه

باکور: (شمال)، پۆژهلالت: (شرق)، نیش: (کار)، میری: (امیری، دولتی)، چاودیری: (مراقبت)، جگه‌ره:
(سیگار)، ویرای: (ضمن)، شقارته: (کبریته)، به‌ندیخانه: (زندانی)، قوتابخانه / فیرگه: (مدرسه)، ئاکام: (پایان)،
شاخ: (کوه)، پابدوو: (گذشته)، په‌مز: (نماد)، گورد: (پهلوان)، نه‌به‌رد: (مبارز خستگی ناپذیر)، ته‌نگانه: (سختی)

ناوی ته‌وفیق کورپی مه‌حمود ناغای کورپی هه‌مزه ناغای مه‌سره‌فه، له سالی ۱۸۶۷ی ز. له شاری سلیمانی له گه‌ره‌کی گۆیژه له دایک بووه. پاش نه‌وه‌ی بۆ خویندن زۆریه‌ی مزگه‌وته‌کانی سلیمانی گه‌راوه، پرووی کردووه‌ته مزگه‌وته‌کانی بانه. له سالی ۱۸۸۲ گه‌راوه‌ته‌وه سلیمانی و فه‌رمانی میری گرتووه‌ته ده‌ست. له سالی ۱۸۹۸ له‌گه‌ل شیخ سه‌عیدی هه‌فیددا (باوکی شیخ مه‌حمودی نه‌مر) چووه بۆ تورکیا. بۆ سالی دوایی له‌گه‌ل شیخ سه‌عید پۆیشتون بۆ مه‌که بۆ هه‌ج. له گه‌رانه‌وه‌یاندا بۆ تورکیا سه‌ید نه‌حمه‌دی خانه‌قا و وه‌فایی شاعیریشیان له‌گه‌ل ده‌بی. وه‌فایی له پینگادا کۆچی دوایی کردووه. حاجی ته‌وفیق له نووسینی فارسیدا ده‌ستیکی زۆر بالای بووه و وه‌لامی نامه‌ی ناسره‌دین شای ئیترانی نووسیوه که بۆ سولتان عه‌بدو‌لحه‌میدی عوسمانی ناردبوو. نه‌و وه‌لامه جوانه ده‌بیته هۆی نه‌وه‌ی که بکریته نه‌ندامی مه‌جلیسی عالیی نه‌سته‌موول و روتبه‌ی به‌گیه‌تی درایه. له مه‌کته‌بی مافیشدا پروانامه‌ی ماف وه‌رده‌گریت. له سالی ۱۹۰۸ که بانگه‌وازی مه‌شرووتیه‌ت ده‌گریت و مه‌جلیسی بالّا تیک ده‌چیت، حاجی ته‌وفیق ده‌س ده‌کا به کاری بریکاری (پاریزه‌ری) و نووسین و ده‌ره‌یتانی پۆژنامه و گۆفاره. له‌گه‌ل هه‌لگری نی‌نالی شۆرشگێری له لایهن شیخ مه‌حمودی مه‌زنه‌وه ده‌گه‌رپته‌وه بۆ شاری سلیمانی. له سلیمانی ده‌بی به سه‌ره‌رشتی پۆژنامه‌ی «ژیان» له سالی ۱۹۲۷ پۆژنامه‌ی «ژین» داده‌مه‌زینن و تا دوا هه‌ناسه‌ی ژیا‌نی به پۆژنامه‌چیه‌تییه‌وه خه‌ریک بووه. له ۱۹۱۵ دایه شاری سلیمانی کۆچی دوایی کردووه و له سه‌ر خواستی خۆی له‌گه‌ردی «مامه‌ یاره» نی‌ژراوه. له وه‌سیه‌تنامه‌که‌یدا نووسیویه: «... یه‌گانه هیوام نه‌وه بوو که بیینم قه‌وم و میلیله‌ته‌که‌م پله‌یه‌که له‌مه‌ به‌رزتر و خوینده‌وارتر و بی‌گه‌یشتووتر بن، بوو به‌ گری له‌ دلما و نه‌مدی...»

نمونه‌ی شیعرێ پیره‌میرد:

ئه‌م پۆژی سالی تازه‌یه نه‌ورۆزه هاته‌وه

جه‌ژنیکی کۆنی کورده به‌ خوێشی و به‌ هاته‌وه

چه‌ند سال گۆلی هیوای ئی‌مه پیه‌سه‌ست بوو تا‌کو پار

هه‌ر خوینی لاهه‌کان بوو گۆلی ئالی نه‌وبه‌هار

ئەو پەنگە سوورە بوو کە لە ئاسۆی بڵندی کورد

مژدە‌ی بە‌یانی بۆ گەلی دوور و نزیک ئە‌بەرد

نە‌وڕۆز بوو ئاگرێکی وە‌های خستە جەرگە‌و

لاوان بە‌ عە‌شق ئە‌چوون بە‌ بە‌رە‌و‌پیری مەرگە‌و

وا پۆژ‌هە‌لات لە‌ بە‌ندە‌نی بە‌رزی و‌لاتە‌و

خوینی شە‌هیدە‌ رە‌نگی شە‌بە‌ق شە‌وق ئە‌داتە‌و

تا ئیستە‌ پ‌ووی نە‌داو‌ه لە‌ تە‌ئریخی میللە‌تا

قە‌لغانی گوللە‌ سنگی کچان بۆ‌ لە‌ هە‌لمە‌تا

پیی ناوی بۆ‌ شە‌هیدی وە‌تە‌ن شیو‌ه‌ن و گرین

نامرن ئە‌وانە‌ و لە‌ دایمی میللە‌تا ئە‌ژین

گەرە‌ک: (محلّە)، کاری میری: (کار دولتی، وە‌لام: (جواب)، بریکار/ پارێزەر: (وکیل)، دەر‌هێنان:

(در این جا انتشار روزنامه)، گۆ‌ژار: (مجله)، ئالا: (پرچم)، مە‌زن: (بزرگ)، شۆ‌ر‌شگێ‌ت: (انقلابی)،

دامە‌زراندن: (تاسیس)، حوزە‌یران: (تیر)، مە‌زن: (بزرگ)، سەر‌پەرشت: (سرپرست)، پۆ‌ژ‌نامە‌‌چییە‌تی:

(روزنامه‌نگاری)، پلە‌یە‌ک: (درجه مرتبه)، گرئ: (عقده)، پێ‌پە‌ست: (زیر پا نهاده شده)، ئاسۆ: (افق)،

بە‌ندە‌ن: (بلندی/ کوه)، قە‌لغان: (سپر)، سنگ: (سینه)، هە‌لمە‌ت: (حمله)

گۆران (۱۹۶۲-۱۹۰۴ز)

ناوی عەبدوللا و نازناوی گۆران و کورێ سلێمانبەگی جافە لە ساڵی ۱۳۲۴ کۆچی مانگی لە شاری هەلەبجەدا لە دایک بوو. عەبدوللا بەگ (گۆران) لە سەر دەمی مندالییدا لە لای باوکی خەریکی خۆیندن دەبی. پاشان دەرواته قوتابخانە و دوای ئەوە دەرواته قوتابخانەی زانستی لە کەرکوک و لەوێدا دەست دەکا بە خۆیندنی زمانی عەرەبی و تورکی بەلام بە هۆی تەنگوچەلەمە ی رۆژگار دەست لە خۆیندن هەلەبجەدا و بە مامۆستایێ لە قوتابخانەی سەرەتایی هەلەبجەدا دادەمەزرێ.

گۆران زۆربە ی ژێانی مامۆستایەتی لە لادێیەکان رابواردوو و بە فارسی و عەرەبی و ئینگلیزیش ئاشناوەتیکی تەواوی بوو. گۆران شۆرشێکی گەورە ی لە هۆنراوە و وێژە ی کوردیدا بەرپا کردوو و لاسایی بوێژە کۆنەکانی نەکردوو و قالیی کلاسیکی تێکشکاندوو.

گۆران بە «باوکی شیعری نوێی کوردی» ناسراو. گۆران شاعیری سروشتیشە و بە ئەو پەری جوانییەو سروشتی کوردستانی وەسف کردوو. هەر وەها جیتی خۆیەتی ئاماژە بەو بەکریت کە گۆران دەلاقێهکی نوێی لە وەسف و پیاوەلانی ئافەرەتی لە نیو شیعردا کردوو تەو. ئەم هۆنەرە بەرزە لە ساڵی ۱۹۶۲ ی زایینی بە هۆی نەخۆشی شیربەنجە، مالتاواپی لە ژیان کردوو.

نموونە ی شیعری گۆران:

پاییز! پاییز!	پاییز! پاییز!
شان و مل پروت،	بووکی پرچ زەرد،
من مات، تۆ زیز،	من مات، تۆ زیز:
هەر دووکمان جوت	هەر دوو هاو دەرد!
هەر چەند گول سیس دەبی بگرین،	من فرمیسکم، تۆ بارانت،
ئالتوونی دار ئەرژێ بگرین،	من هەناسەم، تۆ بای ساردت،
پۆلی بالدار ئەفری بگرین،	من خەم، تۆ هەوری گریانت..
بگرین... بگرین... چاومان نەسپین،	دوایی نایە: دادم، دادت،
هەرگیز، هەرگیز	هەرگیز، هەرگیز،
پاییز! پاییز!	پاییز! پاییز!

نازناو: (تخلص)، تەنگوچەلەمە: (سختی و گرفتاری)، رابواردوو: (گذرانده‌است)، هۆنراوە: (شعر)، وێژە: (ادبیات)، بوێژ: (شاعر)، سروشت: (طبیعت)، ئاماژە: (اشاره)، پیاوەلانی: (مدح)، هۆنەر: (شاعر)، شیربەنجە: (سرطان)، مالتاواپی: (خداحافظی)، بووک: (عروس)، پرچ: (زلف)، زیز: (ناراحت)، سیس: (پژمرده)، پۆل: (دسته)، بالدار: (پرنده)، ئالتوون (طلا): (استعاره از برگ‌های زرد و رنگین درختان)، نەسپین: (پاک نکنیم)

- دیوانی گوران، کۆکردنەو ی محەمەدی مەلا کەریم، بەغدا، چاپخانە ی کۆری زانیاری عێراق، ۱۹۸۰.

له ئاوايی « پيشين » له دواي چوارده خوشك چاوي به دنيا هه‌له‌پناوه. له لايهن خزميكي دوورهيانوه كه ناوي (ئاغا سه‌ی حسه‌ين) و خه‌لكي ديي چۆر بووه ده‌نێردرێته فه‌قييه‌تي له كاتي لاوي بۆ خويندن ده‌رواته سنه و سابلاخ و شنۆ و هه‌ولێر و كهركوك و كۆيه و سليمانی و بياره.. شاعير له سه‌ره‌تاوه به شيعری سه‌رزه‌نشتكاری ده‌ست پێ ده‌كا و له دوايی ده‌س ده‌كا به شيعری نايینی و دلداري و له دواين قۆناغي ژيانی شيعری شاعير كه له سه‌ره‌تای سيبه‌كانه‌وه ده‌ست پێ ده‌كا و تا كۆتايی ژيانی درێژه‌ی هه‌يه، ديارده‌يه‌كه‌ی نه‌ته‌وايه‌تي به‌جهرگ له ناو شيعره‌كانيدا ده‌بينرێ. له ژيانيدا وهری به‌رز بووه و هه‌ر له سه‌ر و ره‌به‌رزیه‌شوه بووه كه زوو زوو له سه‌ر ئيش و كار لا‌براهه. ئه‌و نيشانه‌ی كه له درێژايی ته‌مه‌نيدا پييانه‌وه خه‌ريك بووه، بریتين له: مامۆستايه‌تي قوتابخانه‌ی په‌س، كريكاری، مه‌لايی، جووتیاری و ناشه‌وانی و ورده‌واله‌ فرۆشی، به‌لام له هه‌موويان زۆتر «ئاشه‌وان» بووه.

له ته‌مه‌نی ۶۷ ساڵيدا كۆچی دوايی كردوه . له ساڵی ۱۹۶۳ له به‌نديخانه‌ی قه‌جر له تاران له‌گه‌ڵ وريای كورپی به هۆی سنووربه‌زاندنه‌وه ده‌خريته زيندان، ئه‌م شيعره‌ی له‌و به‌نديخانه‌يه‌دا وتوه:

ئاخري‌ن مائي ژيانم كوونجی به‌نديخانه‌يه

ئه‌م كه‌له‌پچه مه‌ره‌مه‌ی زامی دلي ديوانه‌يه

زۆر ده‌ميكه چاوه‌پوانی زېزپه‌ی زنجير ئه‌كه‌م

سه‌يری ئه‌م زنجيره‌ كه‌ن! وه‌ك زي‌وه‌ری شاهانه‌يه

بووكی ئازاديم ئه‌وی! خوينم خه‌نس بۆ ده‌ست و پيی

هه‌لقه‌ هه‌لقه‌ی پي‌وه‌نم، بۆ پلپله‌ و له‌رزانه‌يه

گه‌رچی دوژمن و ئه‌زانئ من به‌ ديلي لال ئه‌بم

باش بزانی كوونجی زيندانم قوتابخانه‌يه

بيري ئازاديم له‌ زيندانا فراوانتر ئه‌بن

قور به‌ سه‌ر ئه‌و دوژمنه، هيواي به‌ به‌نديخانه‌يه

گرتن و لیدان و کوشتن عامیلی ئازادییه

تۆپ و شه‌ستیر و کهله‌پچه، لام وه‌کوو ئه‌فسانه‌یه

چاوه‌پروانی شوڤرشیکم عالهمی‌ پرزگار بکا

میلله‌تم بۆ ئه‌و مه‌به‌سته، کرده‌وه‌ی شی‌رانه‌یه

چه‌کی شوڤرشگی‌ری من، نووسین و بیر و باوه‌ره

راپه‌رینه، هه‌لمه‌ته، پر نه‌عره‌ته‌ی کوردانه‌یه

گه‌ر به ئازادی نه‌ژیم، مردن خه‌لاته بۆ له‌شم

نۆکه‌ری و سه‌ردانه‌واندن کاری نامه‌ردانه‌یه

قانعم ئه‌م‌پۆ له زیندانا، به ئازادی ئه‌ژیم

سه‌د هه‌زار له‌عنه‌ت له‌وه‌ی وا نۆکه‌ری بی‌گانه‌یه

خزم: (فامیل)، سه‌ره‌نشست کاری: (شعر هجوی)، ده‌نیردریته: (فرستاده می‌شود)، قوناغ: (مرحله)، سییه‌کانه‌وه: (ده‌هی سی)، درێژه‌ی هه‌یه: (ادامه دارد)، دیاره: (نشانه)، نه‌ته‌وايه‌تی: (ملی)، به‌جه‌رگ: (پرشه‌امت)، وره‌به‌رز: (دارای عزت نفس)، بریتین له: (عبارتند از)، جووتیاری: (کشاورزی)، ئاشه‌وانی: (آسیابانی)، سنوره‌زانندن: (عبور از مرز، مرز شکنی)، به‌ندیخانه: (زندان)، که له‌پچه: (دست‌بند)، زیور: (زیور)، پیوه‌ن: (مفصل)، پلپله: (نوعی زیورآلات)، له‌رزانه: (نوعی زیورآلات)، شه‌ستیر: (مسلسل)، مه‌به‌ست: (هدف)، چه‌ک: (اسلحه)، راپه‌رین: (به پا خاستن)، هه‌لمه‌ت: (حمله)، نه‌عره‌ته: (فریاد)، خه‌لات: (هدیه)

ناوی، « سه‌یید مه‌مه‌د ته‌مینێ شی‌خولئی‌سلامی موکری »، له‌ سالی ١٩٢١ز له‌ گوندی « لاجین » له‌ هه‌فت کیلوممه‌تری شاری مه‌هاباد له‌ دایک بووه. مامۆستا هه‌یمن له‌ سه‌ره‌تای دیوانه‌که‌یدا ده‌لی: « هه‌ر له‌ منداڵیه‌وه‌ خه‌ریکی خویندن بووم و تا پۆلی چواره‌می سه‌ره‌تاییم به‌ زمانێ فارسی خویند. زۆرم لێ سه‌خت پابوورد بۆ نه‌وه‌ی وشه‌ی فارسیم نه‌ده‌زانی. له‌ پۆلی چواره‌م به‌ لاره‌ پۆیشتم بۆ قوتابخانه‌ی زانستی نایینی به‌ ماوه‌ی پینچ سالان له‌ ته‌مه‌نی هه‌ڤده‌ سالی‌دا ده‌ستم له‌ خویندن هه‌لگرت و خه‌ریکی کشتوکاڵ بووم. مامۆستا « فه‌وزی » بوو که‌ منی به‌ میژوی کورد و کوردستان شاره‌زا کرد و نه‌و منی فێر کرد که‌ کوردم و پێتی نه‌ته‌وايه‌تی پێم پيشاندا... په‌راوه‌ کوردیه‌کام به‌ هه‌زار کێشه‌ له‌ کوردستانی عێراق به‌ ده‌ست ده‌هێنا و ده‌مخوینده‌وه‌. « هه‌یمن له‌ سالی ١٣٢٤ کۆچی هه‌تاوی له‌ لایان « قازی مه‌مه‌د » بوو به‌ شاعیری نه‌ته‌وه‌یی کورد. پاش جوانه‌مه‌رگی کۆماری کوردستان دوا‌ی چهن سال خۆشاردنه‌وه‌، ده‌ربه‌ده‌ر ده‌بیت و ڕوو ده‌کاته‌ کوردستانی عێراق و ژن و منداڵ به‌جێ دێلن. « ناله‌ی جودایی » به‌ره‌مه‌می غه‌ریبی شاعیره‌. پاش سه‌رکه‌وتنی گه‌ل به‌ سه‌ر ڕۆژی پاشایه‌تی ئێران، ده‌گه‌ڕێته‌وه‌ بۆ نیشتمان. مامۆستا هه‌یمن سه‌رنوسه‌ری گۆڤاری « سه‌روه‌ » بوو. ژیا‌نی مامۆستا له‌ ته‌مه‌نی ٦٥ سالی‌دا کۆتایی پێ دای و کۆچی دوا‌یی ده‌کات.

ئه‌م شیعهره‌ی له‌ هه‌ره‌تی لاری له‌ کاتی بزوتنه‌وه‌ی مه‌هاباد هۆنیوه‌ته‌وه‌:

گه‌رچی تووشی په‌نجه‌په‌ڕۆیی و هه‌سه‌ره‌ت و ده‌ردم ئه‌م

قه‌د به‌ ده‌ست ئه‌م چه‌رخه‌ سه‌پله‌ نابه‌زم مه‌ردم ئه‌من

عاشقی چاوی که‌ژال و گه‌ردنی پر خال نیم

عاشقی کیو و ته‌لان و به‌نده‌ن و به‌ردم ئه‌من

گه‌ر له‌ برسان و له‌ به‌ر بێ به‌رگی ئه‌مه‌رۆ ره‌ق هه‌لیم

نۆکه‌ری بیگانه‌ ناکه‌م تا له‌ سه‌ر هه‌ردم ئه‌من

من له‌ زنجیر و ته‌ناف و دار و به‌ن باکم نییه‌

له‌ت له‌تم که‌ن، به‌مکۆژن، هه‌یشتا ده‌لیم کوردم ئه‌من

وشه‌: (کلمه‌)، کشتوکاڵ: (کشاورزی)، شاره‌زا: (آگاه)، په‌راو: (کتاب)، کۆمار: (جمهوری)، سه‌رنوسه‌ر: (سردبیر)، گه‌ل: (ملت)، گۆڤار: (مجله‌)، نیشتمان: (وطن)، هه‌ره‌ت: (اوج)، بزوتنه‌وه‌: (جنبش)، هۆنیوه‌ته‌وه‌: (سروده‌ است)، په‌نجه‌په‌ڕۆیی: (بدبختی)، سه‌پله‌: (نمک نشناس)، نابه‌زم: (شکست نمی‌خورم)، ته‌لان: (جایی تخت در کمر کوه‌)، به‌نده‌ن: (کوه‌)، بێ به‌رگی: (بی‌لباسی)، به‌رد: (سنگ)، په‌ر هه‌لیم: (از سرما یخ بزنم)، هه‌رد: (کوه‌)

نه‌حمەد هەردی (١٩٢٣-٢٠٠٦ز)

ناوی نه‌حمەد، کورپی حەسەن بەگە. لە شاری سلیمانی هاتوووە دنیاوە. خۆبندنی سەرەتایی لە سلیمانی تەواو کردوووە. دواي ئەوەی کە قوتابخانەی (دارولموعلەین)ی تەواو کردوووە لە ساڵی ١٩٤١ کراوە بە مامۆستای گوندیکی ناوچەی هەورامان لە ١٩٤٩ بە هۆی کاری سیاسی لە کارەکەیی لاابراوە لە ١٩٥٢ گه‌راو‌تەو‌ه سەر‌نیش و کارەکەیی. هەر لە منداڵیەو‌ه زۆر حەزی لە شیعەر کردوووە. سەرەتای شیعەر وتنەو‌ه‌شی دەگه‌رێتەو‌ه بۆ چلەکان.

بە سەرسامی لە سەر لووتکەیی بڵندی گەنجی وەستاوم!

شیریتی عومری رابردوو وەکوو خەو دیتە بەر چاوم

شیریتی چی؟ سەراپا سەرگوروشتەیی نائومیدیمە

فلیمی پەر لە ناسۆری هەرەس هینانی لاویمە

ترووسکەیی تیا بەدی ناکەم، سەرنج چەندە لی داوہ

لە تاپۆی نامورادیم و خەمی ناسۆری بەو لاوہ...!

ئەوی ئەوسا کە پووناکی ئەدا بەم ژینە شیواوہ

دلێکی پەر لە ناھەنگ بوو کە ئیستا پاکی پووخواہ...!

بەلی ئەوسا دلێکم بوو کە سەرچاوەی ژیانم بوو

دلێ مەلبەندی ئاوات و تەوژم و تینی گیانم بوو

دلێ گولزاری دلداری و بەهەشتی خوشەوێستی بوو

وہکوو بتخانە مەیدانی بتی جوانیی پەرستی بوو

لەگەل ھاوار و گریانێ هەژاران لە شینا بوو

لەگەل نالەیی کەساسانا لە خورپە و راجەنینا بوو...

نمۆنەییەکی تری شیعری هەردی:

فاتمە دوو چاوی مەستت پەر تەلیسمی جوانییە

پەر شەرابی خوشەوێستی و عارەقی یەزدانییە

بەژن و بالاکەت نمۆنەیی هەیکەلی یۆنانییە

لارولەنجەت مۆسیقایە، بەستەیی گۆرانییە

بووکی رازاوه‌ی خه‌یالم گیانه‌که‌م ست فاتمه

تا‌قه پرشن‌گیکی چاوت ئه‌وپه‌ری ئاواتمه

گه‌رچی دل‌داری له‌ خاکی ئیمه‌دا ئه‌فسانه‌یه

هه‌ر به‌ ته‌نیا بو‌ کو‌ری خاوه‌ن ته‌لار و عانه‌یه

گیانه‌که‌م ئه‌مما دل‌ی من له‌و دل‌ه‌ شی‌تانه‌یه

بی ئه‌وه‌ی هیچ شک به‌ری کو‌ژراوی ئه‌و چاوانه‌یه

هه‌ر به‌ ته‌نیا خو‌شه‌ویستی شک ئه‌به‌م، ست فاتمه

سه‌روه‌تم ناوی، بزهی تو: ئه‌و په‌ری ئاواتمه

خو‌شه‌ویستی وا که‌ نامه‌ی خوایه‌ بو‌ په‌یغه‌مبه‌ران

به‌رز و ناسک، وه‌ک هه‌ناسه‌ی پر گول‌اوی دولبه‌ران

نه‌ک وه‌کو‌وو هه‌ز کردنی دینار و گه‌وه‌هر په‌روه‌ران

ئه‌و که‌سانه‌ی بو‌ قرانی چه‌نده‌ دل‌یان هه‌لوه‌ران

خه‌لقى تر پاره‌ په‌ره‌ستی با بکه‌ن ست فاتمه

من به‌ ته‌نیا تو په‌ره‌ستی ئه‌و په‌ری ئاواتمه

چله‌کان: (ده‌هی چه‌ل)، سه‌رسامی: (سردرد و حیرت)، لووتکه: (قله)، گه‌نج: (جوان)، شریت:

(نوار)، ناسۆر: (زخم دیر التیام)، ترووسکه: (نور ضعیف)، تاپۆ: (شیخ)، مه‌ل‌به‌ند: (سرزمین)، ته‌وژم:

(فشار)، تین: (گرما)، که‌ساسان: (افراد مسکین)، خو‌ریه‌ و راچه‌نین: (جنش و تکان)، به‌ژن: (قد)،

هه‌یکه‌ل: (مجسمه)، لاروله‌نجه: (حرکات ناز)، به‌سته: (شعر)، رازاوه: (آراسته)، پرشنگ: (درخشش)،

ست: (بانوی معلم)، بزه: (لیخند)

- رازی ته‌نیایی، نه‌محمد هه‌ردی، بلا‌کردنه‌وه‌ی محمده‌دی سه‌قز، ۱۹۹۱.

مامۆستا

مه‌نسور په‌حماني

مامۆستام خوینده‌واره	مامۆستام ئه‌وینداره
دلی وه‌کوو هیلانه‌س	مامۆستام په‌رتوو‌کخانه‌س
چرای ئاوه‌زانییه	دپرکی پیی نه‌زانییه
هر گهرم بی ئه‌و هیلانه	جیگای قوتابیانه
چرووی تازه ئه‌پوینی	گه‌لای زهره‌ ئه‌وه‌رینی
وایه‌ بلین نازانین	دروشمی ئه‌و بو‌زانین
زانینه‌ ده‌وای دهردم	مامۆستام وای فی‌رکردم
تینی بی بو‌نه‌پرچان	زانینیکی بی وچان
وه‌ک قوتابی ئه‌نوینی	مامۆستام هر ئه‌خوینی
وه‌ک ئاوه‌ بو‌گه‌لایک	زانین بو‌ مامۆستاییک
ورده‌ ورده‌ زهره‌ ئه‌بی	گهر پوژیک ئاوی نه‌بی
وه‌رن ئه‌ی مامۆستاکان	بو‌بووژانی پوله‌کان
پیشه‌ی نه‌زانی خاوه‌کین	می‌شکی خومان پاراوه‌کین

ئه‌ویندار: (عاشق)، خوینده‌واره: (اهل خواندن و مطالعه در اینجا)، ئاوه‌زانی: (عقل و خرد)، په‌رتوو‌کخانه: (کتابخانه)، هیلانه: (آشیانه)، قوتابیان: (دانش‌آموزان)، چرو: (جوانه)، ئه‌پوینی: (می‌رویاند)، تین: (گرما)، دروشم: (شعار)، بی‌وچان: (خستگی ناپذیر)، نه‌پرچان: (بخ‌زدن)، بووژان: (احیا و زنده نگاه‌داشتن)، پوله‌کان: (کلاس‌ها)، می‌شک: (ذهن)، پارا: (سیراب و باطراوت)، خاوه‌کین: (سست)

نمونه‌ی وه‌رگێران به کوردی

(نمونه‌ی ترجمه به کردی)

سووره‌تی فاتحه: سوهری فاتحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^١

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^٢ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^٣ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ^٤ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ^٥
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ^٦ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ^٧

وه ناو خوا که دهه‌نده و دلۆقانه^١

سوپاس بۆ خوا که راهینه‌ری جیهانه^٢ دهه‌نده‌یه و دلۆقانه^٣ خاوه‌نی رۆژی په‌سلانه^٤ ئیمه هه‌ر تو
ده‌په‌رستین، پشتن هه‌ر به تو ده‌به‌ستین^٥ له راسته‌ری^٥ شاره‌زان که^٥ رپی ئه‌وانه‌ی که خۆت چاکه‌ت
ده‌گه‌ل کردوون، نه‌ک ئه‌وانه‌ی که وه به‌ر سووره‌یی که‌وتوون، نه ئه‌وانه‌ش که لاری بوون^٧

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان^١

سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است^٢ خدای رحمن مهربان^٣ دادار روز جزا^٤ تنها تو
را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم^٥ ما را بر راه راست استوار بدار^٥ راه کسانی که
آنان را نواخته‌ای، آنان نه که از نظر انداخته‌ای، و نه گمراهان^٧

- قورنانی پیروز، وه‌رگێرای عه‌بدوپه‌رچه‌مان شه‌ره‌فکه‌ندی (هه‌ژار)، تاران، بلاوکرده‌وه‌ی ئیحسان، ۱۳۸۰.

- قرآن کریم، ترجمه و توضیحات بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات جامی و نیلوفر، تهران، ۱۳۷۴.

پیشه کی گولستان "دیباچه ی گلستان"

مَنّت خدای را عزّوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می رود مدد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

شانازی بۆ خواجه که فرمانبرداری ئه و هۆی نزیکییه و سوپاس به جی هینانی مایه ی زیادی به خششه. هه ره هه ناسه یه که ده چیتته ناوه وه تازه بوته وه یه بۆ ژیان و که دیتته ده ره وه شه حه سانه وه یه بۆ گیان. جا له هه ره هه ناسه یه که دوو به خششه هه یه و بۆ هه ره به خششه سوپاسی پئویسته.

از دست و زبان که بر آید	کز عهده ی شکرش به در آید
بنده همان به ز تقصیر خویش	عذر به درگاه خدای آورد
ور نه سزاوار خداوندیش	کس نتواند که به جای آورد
به دست و زمان کی ده توانی کی	سوپاسی خوایی که بینیتته جی
به نده و ا چاکه له بهر سستی له خۆی	بیانو و خواهی کا له ده رگانه ی خودا
وه ره نه شایانی خوایی ئه و ئه بی	کی له پووی راستیوه بو ی بکری ئه دا؟

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. پرده ی ناموس

بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه ی روزی به خطای منکر نبرد.

بارانی بی پایانی ره همه تی له هه ره شوینی به خوروژم و به تاوه و خوانی نیعمت و به خشایشی له

هه ره جینه که را خراوه. پرده ی شه رم و حه یای به نده گانی خۆی به گونا هه نادریت و مووچه ی

مووچه خورانی خۆی به سووچ و تاوان ناپریت.

ای کریمی که از خزانه‌ی غیب
دوستان را کجا کنی محروم
گبر و ترسا وظیفه خور داری
نه‌ی که‌ریمی له گه‌نجی پنهانی
تو که با دشمن این نظر داری
دوستانت له کوئی نه‌کهی بی به‌ش
مووچه خۆرت هه‌یه له گاور و جوو
که به دو‌شمنت هه‌ته نیگه‌ا و روو^۱

چوارینه‌کانی خه‌ییام (رباعیات ختّام)

دو رباعی از ختّام (دوو چوارینه له خه‌ییام)

از آمدن و رفتن ما سودی کو
وز تار امید عمر ما پودی کو
له هاتنمان و چووفان سوو کوانی؟
چندین سر و پای نازنینان جهان
می سوزد و خاک می شود دودی کو؟
بۆ ته‌ونی هیوا تای ده‌زوو کوانی؟
له ناو چه‌مبه‌ره‌ی چه‌رخا هه‌زاران
گیان سووتا و خۆلتی به با چوو کوانی؟^۱

این کوزه چو من عاشق زاری بوده است
در بند سر زلف نگاری بوده است
نهم گۆزه وه‌کوو من بووه دل‌دار و هه‌ژار
این دسته که بر گردن او می‌بینی
جاریکی دلتی خو‌ش بووه سد جار خه‌مبار
دستی است که بر گردن یاری بوده است
ئهو هه‌نگل و ده‌سگره‌ی له ملیا دیوته
ده‌ستی بووه زۆر خراوه‌ته سهر ملی یار^۲

۱- گولستانی سه‌عدی، وه‌رگیتراوی مسته‌فا سه‌فوه‌ت، بانه، چاپی ناجی، ۱۳۷۱هـ.

۲- وه‌رگیتراوی مامۆستا گۆزان: دیوانی گۆزان، به‌رگی یه‌که‌م، به‌غدا، چاپخانه‌ی کۆری زانیاری عێراق، ۱۹۸۰.

۳- چوارینه‌کانی خه‌ییام، وه‌رگیتراوی هه‌ژار، چاپی دووه‌م، تاران، بلاوکرده‌وه‌ی سروش، ۱۳۷۰هـ.

۲- **نموونه‌ی جی‌یاوازی ریزمانی** (نمونه‌ی تفاوت دستوری):

فرمانی تینه‌پەر (فعل ناگزر) له زمانی کوردی له قهواره‌کانی (صیغه) ۵ و ۶ دا وه‌کوو یه‌کن:

فارسی: آمدم، آمدی، آمد، آمدم، آمدید، آمدند

کوردی: هاتم، هاتی، هات، هاتین، هاتن، هاتن

کردار (فرمان):

له زمانی فارسیدا له بواری پیکهاته‌وه سیّ جوړ « کردار » مان هه‌یه:

۱- کرداری ساده: گرفت

۲- کرداری لیکدراو: قرض گرفت، در جمله‌ی «سیروان کتاب‌ها را قرض گرفت.»

۳- کرداری پیشگردار: برگرفت

به‌لام له زمانی کوردیدا سه‌ره‌پای ئەم سیّ جوړ کرداره « کرداری پاشگردار » یش هه‌یه،

وه‌کوو کرداری « هاته‌وه » = پاشگر

کرداری ساده : هات کرداری لیکدراو : من ئیوهم خۆش ده‌ویت.

کرداری پیشگردار : ده‌رهات کرداری پاشگردار: هاته‌وه، (هوه = پاشگر)

کردار/فرمان: (فعل)، پیکهاته: (ساختار)، کرداری لیکدراو: (فعل مرکب)، کرداری پیشگردار: (فعل

پیشوندی)، سه‌ره‌پای : (علاوه بر)، کرداری پاشگردار: (فعل پسوندی)

۳- **نموونه‌ی جی‌یاوازی له باری واتاناسییه‌وه** (semantic) (نمونه‌ی تفاوت از نظر معنی‌شناسی):

زمانی کوردی هه‌زاران وشه‌ی جی‌یاوازی له به‌راورد له‌گه‌ڵ فارسیدا هه‌یه. به پای پرۆفیسۆر

خه‌زنه‌دار: په‌نجما و یه‌ک له سهدی (۰/۵۱). زمانی کوردی په‌تییه. بیست و نۆ له سهدی (۰/۲۹).

له‌گه‌ڵ زمانه ئیترانییه‌کان وه‌کوو: فارسی و به‌لووچی، هاوبه‌شه. سیتزه له سهدی (۰/۱۳). له‌گه‌ڵ

زمانه هیتندو ئیترانییه‌کان وه‌کوو هیتندی و سانسکریت و هه‌فت له سهدی (۰/۷). له‌گه‌ڵ زمانه

هیتندو ئه‌ورووپیییه‌کان وه‌کوو ئینگلیسی، ئالمانی و... هاوبه‌شه.

وشه: (واژه)، به‌راورد: (مقایسه)، په‌تی: (خالص)، هاوبه‌ش: (مشترک)

دیالیکت‌ه‌کانی زمانی کوردی (گۆیش‌های زبان کردی)

دیالیکت (گۆیش): شیوه‌گه‌لیک له یه‌ک زمان که له باری ده‌برین (تلفظ) و پێزمان و وشه‌وه له‌گه‌ڵ شیوه‌کانی‌تر جیاوازه. بۆ وینه، کوردی ناوه‌پاست (سۆزانی) و کوردی باکوور (کرمانجی) له به‌راورد له‌گه‌ڵ یه‌کدا دوو دیالیکتی جیاوازن.

ده‌برین: (تلفظ کردن)، بۆ وینه: (به عنوان مثال)، باکوور: (شمال)، به‌راورد: (مقایسه)

زاراوه (له‌جه): به شیوه‌گه‌لیک له یه‌ک زمان ده‌گوتریت که ته‌نیا له باری ده‌برینه‌وه له‌گه‌ڵ شه‌وه شیوه‌کانی‌تر جیاوازی هه‌یه، وه‌کوو شه‌وه جیاوازییه‌ی که له نێوان دوو زاراوه‌ی سۆزانی شه‌رده‌لانی و سۆزانی موکریانیدا هه‌یه. وه‌کوو: بووگه، بووه

دیالیکت‌ه‌کانی زمانی کوردی بریتین له:

- ۱- **کوردی باکوور** (شمال) یا کرمانجی ژوووروو
- ۲- **کوردی ناوه‌پاست** (کرمانجی ناوه‌پاست / سۆزانی)
- ۳- **کوردی باشوور** (جنوب)
- ۴- **هه‌ورامی زازایی** (له راستیدا یه‌کێ له زمانه‌کانی کوردیه‌یه)

۱- **کوردی باکوور** (کرمانجی):

له ناوچه‌گه‌لی کوردستانی تورکیا، کوردستانی سووریا، باکووری کوردستانی عێراق (له ناوچه‌گه‌لی دهۆک، زاخۆ) و کوردستانی ئێران، له ناوچه‌گه‌لی ورمێ، ماکو و سه‌لماس و هه‌روه‌ها کورده‌کانی شه‌رمه‌نستان و نازه‌ریباچان و باکووری پۆژه‌هلای ئێران له ناوچه‌گه‌لی قووچان و شیروان و بجنوورد.

زاراوه‌کانی کوردی باکوور: شه‌مدینانی، به‌هدینانی، حه‌کاری، بۆتانی، جزیری، پۆژئاوایی.

۲- **کوردی ناوه‌پاست** (سۆزانی):

له ناوچه‌کانی هه‌ولێر، سلیمانیه، که‌رکووک له کوردستانی عێراق، مه‌هاباد، بانه، سه‌قز، مه‌ریوان، سنه، جوانپۆ له کوردستانی ئێران.

زاراوه‌کانی کوردی ناوه‌پاست (سۆزانی):

سۆزانی سلیمانی، سۆزانی موکریانی، سۆزانی گهرمیانی، سۆزانی نه‌رده‌لانی

۳- کوردی باشوور:

له ناوچه‌کانی خانه‌قین، مه‌نده‌لی و به‌دره له کوردستانی عیراق، ناوچه‌ی کولیاپی و کرماشان و لوپستان و ئیلام له کوردستانی ئییران .

زاراوه‌کانی کوردی باشوور:

لوپی، که‌له‌ۆپی، له‌کی، فه‌یلی، مامه‌سه‌نی، به‌ختیاری، کۆه‌کیلوویه‌یی.

لوپی یه‌کی له زاراوه په‌سه‌نه‌کانی زمانی کوردییه، به‌لام ئه‌م پرسه دیتته ئاراوه که بۆچی

ئێستا که بپێک له لوپه‌کان خۆیان به کورد نازانن؟

له وه‌لامدا ده‌توانین ناماژه به چهند هۆکاری جۆربه‌جۆر بکه‌ین، وه‌کوو: دووربوونیان له چه‌قی

کوردستان و نه‌بوونی په‌یوه‌ندی له‌گه‌ڵ کورده‌کانی‌تر، به‌شدارنه‌بوونیان له بزوتنه‌وه‌ی هاوچه‌رخ

کوردی، جیاوازی ئایینزاکه‌یان له‌گه‌ڵ ئایینی کوردانی‌تر و عه‌شیره‌گه‌ری.

ناوچه: (ناحیه)، په‌سه‌ن: (اصیل)، هۆکار: (عامل)، دیتته ئاراوه: (مطرح می‌شود)، چه‌ق: (مرکز)،

بزوتنه‌وه: (جنبش)، جیاوازی: (تفاوت)، ئایینزا: (مذهب)، هاوچه‌رخ: (معاصر)

۴- هه‌ورامی - زازایی:

سه‌ره‌پای دووری شوینی نیشته‌جیبوونی هه‌ورامیه‌کان و زازاییه‌کان له‌یه‌که‌چوونێکی زۆر له

نیوان هه‌ورامی و زازاییدا هه‌یه و له به‌راورد له‌ گه‌ڵ یه‌کدا وه‌کوو دوو زاراوه دیتته ئاراوه. له

هه‌موو ئه‌و په‌رتوو‌کانه‌ی که له سه‌ر دیالیکت و لقه‌کانی زمانی کوردیدا نووسراون ناماژه به ناوی

« گۆران » وه‌کوو یه‌کی له چوار دیالیکتی زمانی کوردی کراوه مه‌به‌ستیشیان له گۆران هه‌ورامی

و زازایی بووه. به‌لام، به‌ کاره‌ینانی وشه‌ی گۆران ته‌نیا بۆ هه‌ورامی و زازا هه‌له‌یه‌کی باوه. له

کوردستاندا چه‌ندین دیالیکت و زاراوه‌ی‌تر هه‌ن که خۆیان به گۆران ده‌زانن، وه‌کوو: زۆر گوندی ده‌ور

و پشتی کرماشان که به زاراوه‌ی که‌له‌ۆپی قسه‌ ده‌که‌ن یان زۆر شوینی ده‌ور و پشتی شاری سنه که

سه‌ره‌پای ئه‌وه‌ی که به سۆزانی قسه‌ ده‌که‌ن خۆیان به گۆران ده‌زانن و به ناوی گۆران‌ه‌وه‌ خۆیان

ناوژده ده‌کەن.^۱ خالێکی گزنگی تر ئەوێه که هه‌ورامی و زازایی سه‌ره‌پای نه‌وه‌ی که به‌شێکی نه‌ته‌وه‌ی کوردن له‌ بوا‌ری زمانه‌وانییه‌وه له‌ چاو نه‌و دیالێکت و زاراوه‌کانی تری کوردیدا تا پاده‌ی زمانه‌بون دوور که‌وتونه‌ته‌وه و له‌ بوا‌ری زمانه‌وانییه‌وه ده‌بی وه‌کوو یه‌کێ له‌ زمانه‌ کوردییه‌کان ناو به‌رێن.^۲

زازایی^۳ له‌ ناوچه‌ی «درسیم» (بینگول) و «خارپوت» و «مووش» له‌ کوردستانی تورکیا و هه‌ورامی له‌ ناوچه‌ی هه‌ورامانی ئێران و عێراق و کاکه‌ییه‌کانی (ئه‌هلی حه‌ق) بنا‌ری دالا‌هۆ له‌ ناوچه‌ی سه‌ره‌پولی زه‌هاو و «شه‌به‌ک»ه‌کانی لای مووسل و زه‌نگه‌نه‌ییه‌کان.
زاراوه‌کانی هه‌ورامی^۴: هه‌ورامانی ته‌خت، له‌هۆن، ژاوه‌رۆ

سه‌ره‌پای ئەوه: (علاوه بر)، نیشته‌جێبوون: (سکونت)، له‌یه‌که‌چوون: (شبهات)، ئاماژه: (اشاره)،
سه‌ره‌پای ئەوه: (علاوه بر)، هه‌له‌یه‌کی باوه: (اشتباه رایج)، له‌چاو: (در مقایسه با)

زمانی پێوه‌ر (زبان معیار)

زمانی پێوه‌ر یان زمانی ئیستاندارد به‌ واتای هه‌لبژاردنی دیالێکتێکه له‌ دیالێکت‌ه‌کانی زمانێک بۆ دروستکردنی زمانێکی هاو‌به‌ش له‌ نێوان یه‌ک نه‌ته‌وه‌دا، بۆ وێنه هه‌لبژاردنی فارسی تاران له‌ نێوان نه‌و دیالێکت‌ه‌کانی تر وه‌کوو: قومی، ئیسه‌فه‌هانی و مه‌شه‌ه‌دی.

به‌ واتای: (به معنی)، هه‌لبژاردن: (انتخاب)، نه‌ته‌وه: (ملت)

۱. (وه‌کوو «دیوانده‌ره» بیه‌یه‌ ده‌سه‌نه‌کان، یان گوندی «مامۆخ» له‌ سی کیلومه‌تری باکووری شاری سنه، یان گوندی «گۆرگ» له‌ نێوان شاری سنه و کامیاران و ...).

۲. بۆ زانیاری زۆرتر ب‌روانه‌ کتیبی ئارژوین (کۆمه‌له‌ وتاریک سه‌باره‌ت به‌ وێژه‌ زمانی کوردی هه‌ورامی)، مه‌نسور په‌جمانی، سه‌له‌مانی ۲۰۱۰.

۳. ناوه‌کانی تری زازایی بریتین له‌: «دملکی»، «کوردکی»، «کرمانجکی».

۴. خودی هه‌ورامییه‌کان بۆ پێناسه‌کردنی خۆیان وشه‌ی «هۆرامی» به‌ کاردێتن نه‌ک هه‌ورامی. له‌ راستیدا به‌ کارهێنانی وشه‌ی هه‌ورامی له‌ لایان که‌سانی غه‌یره هه‌ورامییه‌وه بووه‌ته‌ باو.

چۆن دیالیکتیک هه‌لده‌بژێردریت و ده‌بیته زمانی پیوه‌ر

(چگونگی انتخاب یک گویش به عنوان گویش معیار)

۱- ده‌سه‌لانی رامیاری: ده‌سه‌لانی رامیاری گرنگرتین هۆکاری دروستبوونی زمانی پیوه‌ره و نه‌و ده‌سه‌لاته دیالیکتیک ده‌سه‌پینیتته سهر هه‌موو دیالیکته‌کانی تر و ده‌یکاته زمانی پیوه‌ر.

۲- کتیییکی ئایینی پیرۆز: وه‌کوو قورئان که به دیالیکتی قوره‌په‌ش نووسراوه و بووه‌ته زمانی پیوه‌ری هه‌موو هۆز و دیالیکته‌کانی تری زمانی عه‌ره‌بی.

۳- شاکاری نه‌ده‌بی: وه‌کوو «به‌هه‌شتی ونبو» ی جان میلتون یا به‌ره‌مه‌کانی شیکسپیر، که دوو سه‌رچاوه‌ی زمانی ئینگلیزی پاراون که دیالیکته‌کانی تری زمانی ئینگلیزی خۆیان به شیوه‌وتنی نه‌و کتیبانه نزیك کردوه‌ته‌وه. کتییی «دۆن کیشوت» ی «سیروانتس» که شاکاریکی نه‌ده‌بی به زمانی ئیسپانییه و نه‌و دیالیکته‌کانی تری زمانی ئیسپانی خۆیان به شیوه‌وتنی نه‌و نزیك کردوه‌ته‌وه.

۴- نه‌لفوییی یه‌گرتوو: بۆ وینه تا ئیستا بۆ زمانی کوردی نه‌لفوییه‌کی هاوبه‌ش که هه‌موو کورده‌کان پێی بنووسن نییه. ئیستا کوردی به هه‌ر سێ خه‌تی لاتین، سیریلی و عه‌ره‌بی ده‌نووسریت.

۵- نووسینی رۆژنامه‌و گۆناره‌ به‌ یه‌کی نه‌ دیالیکته‌کان

ده‌سه‌لات: (قدرت)، رامیاری: (سیاسی)، ده‌سه‌پینیتته: (تحمیل می‌کند)، پیرۆز: (مقدس)، هۆز: (قبیله)، ون: (گم)، به‌ره‌م: (اثر)، سه‌رچاوه: (منبع)، پاراو: (با طراوت در اینجا فصیح)، یه‌گرتوو: (متحد)

سه‌رچاوه‌کانی نه‌م به‌شه (منابع این بخش):

- زمانی کوردی و دابه‌شبوونی جوگرافیایی دیالیکته‌کانی: فواد حه‌مه خورشید، به‌غدا چاپخانه‌ی آفاق عربیه، ۱۹۸۵.
زمانیکی کوردی هاوبه‌ش، د. میهرداد ئیژه‌دی، وه‌گرتانی عه‌مه‌د حه‌مه‌د ساله‌ح تۆفیق، گۆناره‌ی ئیستا، ژماره‌ی ۱۹، سالی ۱۳۹۹.

- سه‌لیقه‌ی زمانه‌وانی، حوسین عه‌مه‌د عه‌زیز، سلیمانی، چاپ و په‌خشێ سه‌رده‌م، ۱۹۹۹.

- زمانی یه‌گرتوو کوردی، جه‌مال نه‌به‌ز، ئالمانیایا، یه‌کیه‌تی نه‌ته‌وه‌یی خۆتیندکارانی کورد، ۱۹۷۶.

- میژووی نه‌ده‌بی کوردی، مارف خه‌زنه‌دار، به‌رگی یه‌که‌م، هه‌ولێر، چاپ و بلا‌وکردنه‌وه‌ی ناراس، ۲۰۰۱.

- بررسی زبان، جورج یول، (The study of language george yule)، ترجمه‌ی محمود نورمحمدی،

چاپ سوم، تهران، انتشارات رهنما، ۱۳۸۰.

کورته ئاوړیک له سهر ریزمانی کوردی

(نگاهی گذرا به دستور زبان کردی)

رسته (جمله)

- رسته (جمله): دارا سیویتیکی خوارد.
- رسته‌ی لیکدراو (جمله‌ی مرکب) : تا دارا هاتموه بۆ ماژ، سارا سیوه‌که‌ی خوارد.
- رسته‌ی پرس (جمله‌ی پرسشی) : بۆ کوئ ده‌چی؟
- رسته‌ی سه‌رسوپرمان (جمله‌ی تعجیبی) : ئه‌و گوله چهن جوانه!
- رسته‌ی یراگه‌یانندن (جمله‌ی خبری) : په‌روین چوو بۆ مه‌دره‌سه.
- رسته‌ی یراگه‌یانندن نه‌ریتی (جمله‌ی خبری مثبت) : ئاوی پروباره‌که وشک بوو.
- رسته‌ی یراگه‌یانندن نه‌ریتی (جمله‌ی خبری منفی) : ئاوی پروباره‌که وشک نه‌بوو.
- رسته‌ی فه‌رمانی یان داخوازی (جمله‌ی امری) : هه‌سته، پرۆ.

فرمان (فعل)

- فرمان (فعل) : شیرین ده‌چیت بۆ که‌رکوک.
- فرمانی تیپه‌ر (فعل گذرا) : تۆ کۆتره‌که‌ت گرت.
- فرمانی تیپه‌په‌ر (فعل ناگذر) : کۆتره‌که فری.
- فرمانی کارا دیار (فعل معلوم) : ئازاد په‌نجه‌ره‌که‌ی شکاند.
- فرمانی کارا نادیار (فعل مجهول) : په‌نجه‌ره‌که شکینرا.
- په‌گی فرمان (بن فعل) : به‌ستن (به‌ست).
- فرمانی پابردوو (فعل ماضی) : ده‌رگا‌که‌م داخست.

- فرمانی ئیستا (فعل مضارع): ده‌رگاگه داده‌خەم.¹
- فرمانی داخوازی (فعل امر): ده‌فته‌ریکم بۆ بهینه.
- فرمانی تاك (فعل جمع): هاتم.
- فرمانی كۆ (فعل مفرد): هاتین.

ناو (اسم)

- ناو (اسم) : شاهۆ
- ناوی ساده (اسم ساده): ده‌ست، گه‌لا
- ناوی دارژاو (اسم مشتق): زانا، ده‌سته‌ك
- ناوی لێك‌دراو (اسم مرکب): گه‌لاتوو، میژگه‌سوور
- ناوی تاییه‌تی (اسم خاص): فه‌هاد، كه‌ركوك
- ناوی گشتی (اسم عام): شار، خانوو، گوڵ
- ناوی به‌رجه‌سته (اسم ذات): نان، گۆشت
- ناوی مه‌عنه‌وی: (اسم معنی): ناشتی، داهینان، هیژ
- ناوی ناسراو: (اسم معلوم): باخه‌وانه‌كه، ئاسنگه‌ره‌كه، قوتاییه‌كه
- ناوی نه‌ناسراو (اسم مجهول): پیاوی‌هات.
- ناوی تاك (اسم مفرد): په‌رتوك، تۆپ
- ناوی كۆ: (جمع): په‌رتوكه‌كان، تۆپگه‌ل

¹ . له‌ زمانی کوردیدا بۆ پیشاندانی کاتی ئیستا و داهاتوو یه‌ك جۆره‌ کردار به‌ کارده‌هێنریت. بۆ ده‌رخستنی جیساوازی نیتوان فرمانی ئیستا و داهاتوو له‌ «ناوه‌لقرمان»(قید) که‌لک وهرده‌گرین.

بۆ نمونه: له‌ پسته‌ی: «دووبه‌یانی ده‌جم»(پس‌فردا می‌روم). «دووبه‌یانی» ناوه‌لقرمانه‌ و «ده‌جم» لێره‌دا به‌ هۆی ناوه‌لقرمانی «دووبه‌یانی»یه‌وه‌ کاتی «داهاتوو»(آینده) پیشان ده‌دات. به‌لام، فرمانی «ئیستا ده‌جم» به‌ ته‌نیایی و به‌ بێ ناوه‌لقرمان، کاتی «ئیستا» (مضارع) پیشان ده‌دات.

جیناو (ضمیر)

- جیناو (ضمیر): ئەو، تۆ
- جیناوی کەسی سەر بە خۆ (ضمیر شخصی منفصل): من، تۆ، ئەو، ئێمە، ئێو، ئەوان
- جیناوی کەسی لکاو (ضمیر شخصی متصل):
- کتێبە کەم، کتێبە کەت، کتێبە کە ی کتێبە کە مان، کتێبە کە تان، کتێبە کە یان
- جیناوی نیشانه (ضمیر اشاره): ئەمە جوانە. ئەوە بستیە.
- جیناوی پرس (ضمیر پرسشی): کام بوو؟ چ دەبیژیت؟

ئاوہ ئناو (صفت)

- ئاوہ ئناو (صفت): کۆتری سپی، کوردی تیکۆشەر
- ئاوہ ئناوی چۆنی (صفت بیانی): ئاوی پاک، ئێوہی دلسۆز
- ئاوہ ئناوی چۆنی پلہی بەراورد (صفت تفضیلی): رینگای پانتەر، گولی جوانتر
- ئاوہ ئناوی چۆنی پلہی بالا (صفت عالی): پانتەرین رینگا، جوانترین گول
- ئاوہ ئناوی پرس (صفت پرسشی): چ گۆشتیک دەخۆی؟ کام دەمەنت بێ جوانە؟ چەندە مریشکت کری؟
- ئاوہ ئناوی نیشانه (صفت اشاره): ئەم کتێبە، ئەو کتێبە

چاوگ: (مصدر)

ئەو پاشگرانە‌ی کە لە زمانی کوردیدا چاوگیان لێ دروست دەبێ ئەمانەن:

- بزۆکە + ن: گرتن (girtin)، مردن
- یین: کرپین، سپرین
- وون: چوون
- ان: سووتان، کێلان

ئاوه‌ئفرمان (قید)

- ئاوه‌ئفرمان (قید) : دویڤن به‌فر باری. کۆتره‌که‌م له ئاوه‌ئیلانه‌که‌یدا گرت.
- ئاوه‌ئفرمانی کات (قید زمان) : پار، نه‌مسان، له‌مه‌ولا
- ئاوه‌ئفرمانی شوین (قید مکان) : مناله‌که له سه‌ر بان نووست.

کارا: (نهاد)

شاهۆ چوو بۆ زانکۆ.

به‌رکار (مفعول)

کوردستانم خۆش ده‌وی.

ته‌واوکه‌ر (متمم)

من له تاریکی ناترسم. من بۆ نیشتمان تیده‌کۆشم.

ئامرازی په‌یوه‌ندی (حرف ربط)

وه‌کوو: و، که، تا، نه‌گه‌ر، به‌ئام، یان و ...

سه‌رچاوه‌کان (منابع):

- پێژمانی کوردی، ئه‌وه‌جه‌مانی حاجی مارف، به‌رگی یه‌که‌م (وشه‌سازی)، سلیمانی، ئۆفیسیتی تیشک، ۲۰۰۱.
- زمان و ئه‌ده‌بی کوردی، پۆلی دووه‌می ناوه‌ندی، کۆماری عێراق، وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده، ۱۹۹۹.
- زمان و ئه‌ده‌بی کوردی، پۆلی سێهه‌می ناوه‌ندی، کۆماری عێراق، وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده، ۱۹۹۹.
- زمان و ئه‌ده‌بی کوردی، پۆلی یه‌که‌می ناوه‌ندی، کۆماری عێراق، وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده، ۱۹۹۹.
- دستور زبان کردی، احمد قاضی، ارومیه، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی، ۱۳۶۷.

نموونه‌ی په‌ندی پیشینیان (ضرب‌المثل)

- په‌ندی پیشینیان نه‌خشی دیواره.
- ضرب‌المثل چون نقش بر دیوار (سنگی) ماندگار است.
- به‌خ مه‌که یه‌خ نه‌که‌ی.
- از مصیبت دیگران خوشحال نشو تا تو نیز گرفتار نشوی.
- به‌رگم په‌لاس بی، هاوده‌مم پاس بی.
- حاضرم لباس از جنس پلاس را بر تن کنم به شرط این که همنشینم خوب باشد.
- پیرت نه‌بو لووه پیریوه پسانه (پیرت نه‌بی برۆ پیری بسینه)
- اگر پیری (انسان دانا و باتجربه) نداری باید پیری بخری.
- خۆر له زینت نه‌دا.
- آفتاب بر زینت نزنند. (همیشه سوار باشی و هیچ‌گاه زین اسبت خالی نباشد).
- ژنی مه‌ردان له بن به‌ردان.
- زن مردان بزرگ، زندگی زیر سنگ را هم تحمل می‌کنند.
- ریوی گه‌پیده له شیری نووستوو باشته.
- روباہ هرزه‌گرد از شیر خوابیده بهتر است.
- شه‌ر له شیف و ناشتی له خه‌رمان.
- دعوا هنگام کشت و صلح هنگام برداشت.
- اول همه‌ی اختلافات را حل کنیم تا در هنگام نتیجه و محصول نزاعی نداشته باشیم.

- کاسه‌ی بی سهر پووشش گنۆنه (کاسه‌ی بیسه‌ر پووشی تی ئه‌که‌وئ)
- کاسه‌ای که بی سر باشد خاشاکی در آن خواهد نشست.
- که‌ره دیزه ئه‌لی به‌شکه‌م بمرم خاوه‌نه‌که‌م زه‌ره‌رکا.
- خر سیاه می‌گوید: کاش می‌مردم تا صاحبم ضرر کند.
- کرده په‌شیمان نه نه‌کرده په‌شیمان.
- پشیمانی پس از تلاش، بهتر از ندامت بی‌کوشش است.
- وتیان و شتر که ما هات وتی باری من هر چل منه.
- به شتر خبر رسید که علف آوردند گفت بار من همان چهل من است.
- باخه‌وان له وهخت هه‌نگوورا گویچکه‌ی ناژنه‌وئ.
- باغبان در فصل انگور خود را به ناشنوایی می‌زند.
- ناگر به ناگر ناکورژینه‌وه.
- آتش با آتش خاموش نمی‌شود. (خسونت با خسونت از بین نمی‌رود).

سەرچاوه‌کان (منابع):

- په‌ندی پیشینیان، شیخ محمد خان، سلیمانی، ده‌زگای چاپ و په‌خشی سهرده‌م، ۲۰۰۰.
- په‌ندی پیشینیان به‌رگی ۱ و ۲، عه‌بدولحه‌مید حیره‌ت سه‌جادی، ورمی، بلا‌وکردنه‌وئ سه‌لا‌ه‌دین، ۱۳۶۹.
- گوواره‌ی کورده‌واری، عملی رو‌خزادی، چاپی دو‌هه‌م، سنه، بلا‌وکردنه‌وئ کورده‌ستان، ۱۳۸۵.
- سەرچاوه‌ی سهرزاره‌کی (شفا‌هی).

ناوی چه‌ند نه خوشی به زمانی کوردی

(نام چند بیماری به زبان کردی)

سیرپه‌نجه: سرطان	سنان: سیاه زخم	نازاره‌باریکه: سل
شه‌پله: فلج اطفال	سیتوهرۆ: مالاریا	نالامه‌ت: زکام
گولی: جنام	سیچکه‌سلاوه: گلمژه	باداری: روماتیسم
قۆزه‌رشه: سیاه سرفه	گلاراو: آب مروارید	باژیله: نفخ
که‌فته‌بی: حصبه	فی: صرع	په‌تا: زکام
لافشه: قارچ لای انگشتان	کتووهر: سکتیه	خه‌رکان: نوعی بیماری قارچی
والامه‌ن: قارچ پوستی	لاره‌شه: نوعی بیماری دامی	درم: بیماری واگیر (زکام)
هه‌وله: آبله	مله‌خره: اوریون	ره‌شانه‌وه: وبا
شه‌کره: مرض قند	سوورچه: سرخک	زه‌ده‌بی: یرقان

ناوی مانگه کوردییه‌کان له دیالیکتی سۆرانی و کرمانجی

(نام ماه‌های کردی در گویش‌های سۆرانی و کرمانجی)

آوریل	نیسان	خاکه‌لێوه	فروردین	۱
می	گولان (نایار)	گولان	اردیبهشت	۲
ژون	حه‌زیران (حوزه‌یران)	جوژه‌ردان	خرداد	۳
جولای	تیرمه‌ه (ته‌مووز)	پووشپه‌ر	تیر	۴
آگوست	ته‌باخ (تاب)	که‌لاوێژ	مرداد	۵
ستامبر	ئیلوون (ئه‌یلوول)	خه‌رمانان	شهریور	۶
اکتبر	جووقمه (تشرینی یه‌که‌م)	ره‌زیه‌ر	مهر	۷
نوامبر	مژدار (تشرینی دووه‌م)	خه‌زه‌لۆهر، که‌لارێزان	آبان	۸
دسامبر	کانوون (کانوونی یه‌که‌م)	سه‌رماوه‌ز	آذر	۹
ژانویه	چله (کانوونی دووه‌م)	به‌فرانبار	دی	۱۰
فوریه	سه‌بات (شوبات)	رێبه‌ندان	بهمن	۱۱
مارس	ئادار (نازار)	ره‌شه‌مه	اسفند	۱۲

نه لڤویبی لاتین **ElfÛbêy lat ñ**

(الفبای لاتین)

الفبای لاتین گویش سورانی سلیمانیه ۳۶ حرف است و تنها حرف همزه « ە » در این الفبا هیچ نشانه‌ای ندارد.

۶-چ: Ç	۵-ج: C	۴-پ: P	۳-ت: T t	۲-ب: B b	۱-ئا: A a
۱۲-ز: Z	۱۱-ر: Ŕŕ	۱۰-ر: R r	۹-د: D d	۸-خ: X	۷-ح: H h'
۱۸-ف: F	۱۷-غ: X'	۱۶-ع: '	۱۵-ش: Ş	۱۴-س: S	۱۳-ژ: J
۲۴-ل: Í	۲۳-ل: L l	۲۲-گ: Gg	۲۱-ك: K	۲۰-ق: Q q	۱۹-ڤ: V
۳۰-ه: Hh	۲۹-ۆ: O	۲۸-وو: Ûû	۲۷- و بی‌ده‌نگ W	۲۶-ن: Nn	۲۵-م: Mm
۳۶-بزرۆکه i	۳۵- و ده‌نگدار Uu	۳۴- Êê	۳۳- ه E e	۳۲-ی: Î ده‌نگدار	۳۱-ی: Y بی‌ده‌نگ

حرف « و » و حرف « ی » هر کدام نشان‌دهنده‌ی دو حرف هستند و این تفاوت در الفبای

لاتین نشان داده شده است.

wiše	مانند: وشه	w	« و » صامت:
kurd	مانند: کورد	u	« و » مصوّت:
yawer	مانند: یاوهر	y	« ی » صامت:
d ñ	مانند: دین	î	« ی » مصوّت:

..... حرف « آ » « A »

در الفبای لاتین حرف آ به صورت « A » نوشته می‌شود. برای همزه « ە » در الفبای لاتین

هیچ نشانه‌ای وجود ندارد؛ مثال: **A Awat** تاوات

..... حروف « ج » « C »، « س » « S »

در الفبای لاتین حرف « ج » به صورت « C » نوشته می‌شود و نباید « C » را با « س »

اشتباه گرفت. حرف « س » در لاتین به صورت « S » نوشته می‌شود.

C Cemawer. Cêjin ج: جه‌ماوهر، جیژن (مردم، جشن)

S Samal. Rastewxo س: سامال، راسته‌وخۆ (آسمان صاف و آبی، مستقیم)

..... حروف: « چ » « Ç »، « ح » « H »، « ه » « H »

در الفبای لاتین حرف « چ » به صورت « Ç » نوشته می‌شود. حرف « ح » در این الفبا به

صورت « H » نوشته می‌شود. حرف « ه » نیز به صورت « H » نوشته می‌شود.

Ç Çiro. Çawerê چ: چرۆ، چاوه‌پۆی (جوانه، منتظر)

H Hêpesaw ح: چه‌په‌ساو (بهت‌زده)

H Hewr. ah ه: هه‌ور، تاه

..... حروف « خ » « X »، « غ » « X »

در الفبای لاتین حرف « خ » به صورت « X » نوشته می‌شود و نباید این حرف را با

« ایکس » در الفبای انگلیسی اشتباه گرفت. حرف « غ » به صورت « X » که یک یا دو خط

کوچک بر روی آن قرار گرفته باشد نوشته می‌شود.

X Xerman. Mixabin خ: خه‌رمان، مخ‌ئالبن (خرمن، افسوس)

X Xeware غ: غه‌واره (بیگانه)

- حروف «ر» «R»، «پ» «R̂»، «ژ» «J»

حرف «ر» در لاتین به صورت «R» و حرف «پ» به صورت «R̂» می‌شود. حرف «ژ» نیز به صورت «J» نوشته می‌شود. واج «R» («ر» ناسک، «ر» نازک) در کردی سورانی هیچ وقت در ابتدای کلمات نمی‌آید، اما در کردی کرمانجی واج «R» («ر» ناسک) در ابتدای واژه‌ها نیز می‌آید.

r Zi ryan. Bi rîñ ر: زریان، برین (باد سرد، زخم)

R̂ r̂ Rûnak. Bi rîñ پ: پروناک، برین (روشنایی، بریدن)

J Jwange. Jem ژ: ژوانگه، ژهم (میعادگاه، وعده‌ی خوراک)

R Rûnahî نمونه‌ی واژه در کردی شمال (کرمانجی): ر ووناھی

- حروف «ش» «Ş»، «ف» «V»، «ق» «Q»

در الفبای لاتین حرف «ش» به صورت یک «S» که در زیر آن یک ویرگول قرار دارد «Ş» نوشته می‌شود. حرف «ف» به صورت «V» و حرف «ق» به صورت «Q q» نوشته می‌شود.

Ş Şebeq. Ne Şmîl ش: شهبهق، نه‌شمیل (نخستین تابش آفتاب، زیبای دلکش)

v Miro v. Ta vge ف: مروژ، تافگه (انسان، آبشار)

Q q Qamik. Te qînewe ق: قامک، تەقینەوه (انگشت، انفجار)

- حرف «ع» «'»

حرف «ع» در الفبای لاتین به دو صورت نوشته می‌شود. عده‌ای آن را مانند «ع» می‌دانند و علامتی برای آن نمی‌گذارند و عده‌ای نیز علامت ویرگولی را در قسمت بالای کلمه قرار می‌دهند، که رایج‌تر است، به این صورت «'»

' 'ewdaî , 'adîl ع: عه‌ودال (خانه به دوش)، عادل

- حروف « ل » « L »، « ل̇ » « L̇ »، « ل̂ » « L̂ »

در زبان کردی دو واج « ل » و « ل̇ » کاملاً با هم متفاوتند. « ل » در الفبای لاتین به صورت « L » و « ل̇ » را به صورت « L̇ » می‌نویسیم. حرف « ل̂ » (ل قه‌ئه و لام درشت) در کردی سورانی هیچ وقت در ابتدای کلمات نمی‌آید.

L l	Law. Selmandin	ل: لاء، سه‌لماندن (جوان، قبولاندن)
L̇ l̇	Aía. Réhêlé	ل̇: ئالئا، په‌هیلئه (پرچم، باران تند)

- حروف « و » « w »، « و » « u »، « وو » « Ū »، « و̇ » « O »

در زبان کردی دو « و » وجود دارد. « و » صامت و « و̇ » مصوّت که در الفبای لاتین دارای نشانه‌های جداگانه هستند. « و » مصوّت کوتاه تقریباً شبیه ضمه‌ی فارسی است. « وو » دارای صدایی هم‌چون « او » است و با این علامت « Ū » نشان داده می‌شود و « و̇ » به صورت « O » نوشته می‌شود.

W	WiŞe	« و » صامت: مانند: وشه
U	Kurd	« و̇ » مصوّت: مانند: کورد
Ū	Dûkelî. Rûxan	وو: دووکه‌ل، رووخان (دود، ویران شدن)
O	Toz. Soma	و̇: توژ، سوّما (گردوغبار، سوسو زدن روشنایی)

- حروف « ه » « H »، « ه » « e »

در الفبای کردی به شیوه‌ی لاتین « ه » جدا و پیوسته به صورت « ه » نوشته می‌شود. توجه داشته باشید که حرف « ه » در الفبای کردی مصوّت کوتاه فتحه است و نباید آن را با « ه » اشتباه کرد. « ه » در لاتین به صورت « e » نوشته می‌شود.

H h	Hawar. Sehól	ه: هاوار، ئاه (فریاد، آه)
E e	Derd. Şerm	ه: (ـَ) دهرد، شه‌رم (درد، شرم)

..... - حروف « ی » « Y »، « ی » « î »

در الفبای کردی دو « ی » وجود دارد. « ی » صامت و « ی » مصوّت که در الفبای لاتین دارای نشانه‌های جداگانه هستند.

Y yawer	« ی » : صامت: ی‌اوهر
î Dîrok	« ی » : مصوّت: دیرۆک (رویداد تاریخی، افسانه)

..... - حروف « یّ » « ê » ، « بزرۆکه » « i »

در الفبای لاتین « یّ » به صورت « ê » نوشته می‌شود. بزرۆکه که شبیه صدای یک کسره‌ی فشرده است در الفبای کردی به شیوه‌ی عربی نشانه‌ای ندارد اما در الفبای لاتین به صورت « i » نوشته می‌شود.

Ê ê	Êre. sêw. Ladê	ئ یّ (-): پێژ، ئیره، سیو، لادی
i	Jin .dîlovan	بزرۆکه: ژن، دلۆزان

..... - حرف **ء**

برای حرف همزه در الفبای لاتین هیچ نشانه و حرفی وجود ندارد. در زیر تمامی حالاتی را که احتمال دارد همزه نوشته شود آمده است:

A.O.U.Û.Ê.î

ئا ، ئۆ ، ئو ، ئوو ، ئی ، ئی	ئارام
ئۆخی	ئوستا
ئووگه (آنجا)	ئیره
ئیمان	

خشته‌ی نه‌لفوبیی لاتین
Xišteî elfûbêy Latîn
 (جدول الفبای لاتین)

- 1- A wat ۱ : ناوات
- 2- Bahoz, Rêbaz ۲ : باهۆز، رێباز (طوفان، طریق)
- 3- Tara, Estêre ۳ : تارا، ئەستێره (سرپوش عروس، ستاره)
- 4- Paraw, Şepol ۴ : پاراو، شەپۆل (سیراب و باطراوت، موج)
- 5- Cemewer cêjn ۵ : جەماوەر، جێژن (مردم، جشن)
- 6- Çiro, Çawerê ۶ : چێرۆ، چاوەرێ (جوانه، منتظر)
- 7- Hêpesaw ۷ : حەپەساو (بهت‌زده)
- 8- Xerman.Mixabin ۸ : خەرمان، مەخابین (خرمن، افسوس)
- 9- Dîmen. Şede ۹ : دیمەن، شەدە (منظره، دستار زنانه)
- 10- Ziryan, Birîn ۱۰ : زریان، برین (بادسرد، زخم)
- 11- Rûnak, Birîn ۱۱ : رێ، رۆوناک، برین (روشنایی، بریدن)
- 12- Zozan, Awez ۱۲ : زۆزان، ئاوەز (بیلاق، فهم و هوش)
- 13- Jwange, Jem ۱۳ : ژوانگە، ژەم (میعادگاه، وعده‌ی خوراک)
- 14- Samaî, Rastewxo ۱۴ : ساماڵ، راستەوخۆ (آسمان صاف، مستقیم)
- 15- Şebeq, NeŞmîl ۱۵ : شەبەق، نەشەمیل (نخستین تابش آفتاب، زیبای دلکش)
- 16- 'ewdaî, 'Adiî ۱۶ : عەوداڵ (خانه‌به‌دوش)، عادڵ
- 17- Xêware ۱۷ : خەوارە (بیگانه)
- 18- Fîroke, Fûware ۱۸ : فێرۆکە، فووارە (هوایما، فواره)
- 19- Mirov, Tavge ۱۹ : مێرۆڤ، تاڤگە (انسان، آبشار)

- ۲۰- ق : قامك، ته‌قینه‌وه (انگشت، انفجار) Qamik, Teqînewe
- ۲۱- ك : كوردستان، مه‌كو (كردستان، انجمن) Kurdistan, Meko
- ۲۲- گ : گه‌لا، لاجانگ (برگ، رخسار) Geía, Lacanig
- ۲۳- ل : لساو، سه‌لماندن (جوان، قبولاندن) Law, Selmandin
- ۲۴- ل: ئالا، په‌هیله (پرچم، باران تند) Aía, Réhêlé
- ۲۵- م : مه‌ته‌ریز، رامان (سنگر، تفکر) Meterêz, Raman
- ۲۶- ن : ناوه‌ند، مندال (مرکز، بچه) Nawend, Mindal
- ۲۷- و : (بی‌ده‌نگ) ولام، هه‌تاو (جواب، آفتاب) Wílam, Hetaw
- ۲۸- وو : دووکه‌ل، پووخان (دود، ویران شدن) Dûkel, Rûxan
- ۲۹- ژ : تۆز، سووما (گرد و غبار، سوسوزدن روشنایی) Toz, Soma
- ۳۰- ه : هاوار، ئاه (فریاد، آه) Hawar
- ۳۱- ی : (بی‌ده‌نگ): یاوه‌ر yawer
- ۳۲- ی : (ده‌نگدار) دیروک (رویداد تاریخی، افسانه) Dîrok
- ۳۳- ه : (ده‌رد، شهرم. درد، شرم) Derd, Şerm
- ۳۴- ی یی : (ئیره، سێو، لادی) Êre, sêw, Lad
- ۳۵- و : (ده‌نگداری کورت) (ه‌) کورد‌گ‌رد Kurd
- ۳۶- بزروکه : ژن: ژ+بزروکه+ن Jin
- ع : بو ده‌نگی هه‌مه‌زه له ئەلفوییی لاتیندا هیچ نیشانه‌یه‌ك نییه. پیشاندانی ئەم ده‌نگه به شیوه‌ی
خواره‌وه‌یه: ئا : a ئۆ : o ئو : u ئوو : û ئی : ê ئی : î
- ئارام. ئۆخه‌ی. ئوستا. ئوگه (آنجا). ئیره. ئیمان aram. oxey . usta . ûge. êre . îman

نمونه‌ی دهق به نه‌لفوبیی لاتین
NimÛney deq be elfÛbêy latîn

نمونه‌ی متن به الفبای لاتین

غولام‌ره‌زا ئه‌رکه‌وازی (۱۷۷۵-۱۸۴۰)

غولام‌ره‌زا ئه‌رکه‌وازی له ساڵی ۱۷۷۵ له « سه‌رچه‌فته » سه‌ر به شاری « نیلام » له دایک بووه. ئه‌رکه‌واز یه‌کێکه له عه‌شیره‌ته گه‌وره‌کانی کورد. غولام‌ره‌زا سه‌ره‌تای خۆیندنی له لای باوکی و مه‌لا و میرزایانی ئه‌و سه‌رده‌مه بووه. شاره‌زای زانستییه‌کانی ئایینی نیسلام و نایینزای شیعه بووه. ماوه‌یه‌ک خه‌ریکی کاروباری سه‌رۆکایه‌تی خێلی خۆی بووه. وا ده‌رده‌که‌وێ دوا قوناغی ژیانی ئه‌رکه‌وازی دوور له مه‌لبه‌ندی خۆی له ولاتی ناواره‌یی بووبی و هه‌ر له‌وێش کۆچی دوایی کردبێ.

Xuîam réza erkewazî (1775-1840)

Xuîam réza erkewazî le saî 1775 le serÇefte ser be şarî Îlam le dayik bûwe. Erkewaz yekêke le 'eşîrete gewrekanî kurd. Xuîam réza seretay xwêndinî le lay bawikî u mela u mîrzayanî ew serdeme bûwe. şarezay zanistîyekanî ayînî Îslam u ayînzay şî'e bûwe. maweyêk xerikî karubarî serokayetî xêî xoy bûwe. wa derdekewê ke dwa qonaXî jyanî erkewazî dûr le meîbendî xoy le wîatî awareyî bûbê u her lewêş koÇî dwayî kirdibê.

ئهم شيعه‌ری بو کۆچی دوایی « ئه‌حمه‌د » ی کورێ هۆنیوه‌ته‌وه:

Em şî'rey bo koÇî dwayî «eh'med»î kuîî honîwetewe:

جو مه‌جنووون بنم سه‌ر نه‌ وێرانی
Çu mecnûn binim ser ne wêranî
 وه ناخوون سینهم جو بیستوون که‌م
we naxûn sînem Çu bêsitûn kem
 تا باچن "غولام" ئه‌حمه‌د"ش مه‌رده‌ن
ta baÇin X'uíam eh'mediş merden
 زنگانیم بییه‌ن وه بار گه‌رده‌ن
zînganîm bîyen we bar gerden

شه‌رت بوو بپووشم جامه‌ی قه‌ترانی
şert bû bipûşim camey qetranî
 شه‌رت بوو خوراکم وه له‌مخته‌ی خوون که‌م
şert bû xurakim we lextey xûn kem
 ...بنووون خه‌لقان پوخسارم زه‌رده‌ن
Binuîfin xelqan fuxsarim zerden
 ...ده‌نگ دووس نییه‌ن مرخ دل مه‌رده‌ن
Deng dûs nîyen mirx diî merden

هۆنیوه‌ته‌وه: (سروده‌است)، بنم: (بگذارم)، نایینزا: (مذهب)، کاروبار: (امور)، سه‌رۆکایه‌تی: (ره‌بری)، خێل: (طایفه)، وا ده‌رده‌که‌وێ: (گویا)، قه‌ترانی: (ماده‌ی سیاه‌رنگ)، بنووون: (نگاه‌کنید)، دووس: (دوست)، مرخ: (مرغ پرنده)، زنگانی: (زندگانی)، بییه‌ن: (شده‌است)

- دیوان غلام رضا ارکوازی، تصحیح، ترجمه و شرح ظاهر سارایی، انتشارات رامان، چاپ دوم ۱۳۸۶.

- میژووی ئه‌ده‌بی کوردی، مارف خه‌زنه‌دار، به‌رگی سیپیم، هه‌ولێر، ده‌زگای چاپ و بلاک‌کرده‌وه‌ی ناراس، ۲۰۰۳.

Daykim دایکم

daykim gilarey Çawme	دایکم گلاره‌ی چاومه
hêzî dîî u henawme	هیزی دل و هه‌ناومه
ke denûm damdepoşêt	که ده‌نووم دام ده‌پۆشیت
nexoş bim bom decoşêt	نه‌خۆش بيم بۆم ده‌جۆشیت
fêrm dekat dîîpak bim	فیرم ده‌کات دلپاک بيم
selar u hawrêy Çak bim	سه‌لار و هاوړی چاکبم
wanekanim bixwênim	وانه‌کانم بخوینم
be nermî xeîk bidwênim	به نهرمی خه‌لک بدوینم
rástgo bim řewişt cwan bim	پاستگۆ بيم په‌وشت جوان بيم
dîísozî nîştiman bim	دلسۆزی نیشتمان بيم

گلاره: (مردمک چشم)، هه‌ناو: (درون)، ده‌نووم: (می‌خواهیم)، سه‌لار: (کدبانوی محترم (این شعر از زبان دخترکی نوشته‌شده‌است)، وانه: (درس)، بدوینم: (حرف بزنم)

— نهم شیعره‌م له په‌رتووکى « ئەلفیى و خویندنه‌ودى نوێ » هیناوه که به داخه‌ره نه ناوی شاعیره‌که‌ی لى نووسرا‌بوو و نه نووسه‌ر و نه شوینی چاپ و... .

ماموستا

مه‌نسور په‌حمانی

ماموستا گیان فی‌رم که، چوارچی‌وه‌کان بشکینم
 ماموستا گیان فی‌رم که، له‌مپه‌ره‌کان برمینم
 ده‌روونم که‌یلی خه‌مه، پ‌ر له دو‌گمای ماته‌مه
 هانا هه‌ی داد به‌رزه مژ، یاریم به خه‌م ده‌ریینم
 من مندالی ساواتم، پا له ری‌گای خه‌باتم
 پ‌ووناکیم بو‌ پی‌ویسته، له‌م ری‌بازه بنوینم
 ئامانج بو‌ مرو‌قه، تو‌ بو‌م بکه شرو‌قه
 دو‌زی زه‌ریام پیشان به، چارو‌که‌ی بو‌ هه‌لبینم
 گو‌لی خویناوی گو‌ران، مه‌می ئاشق له ئالان
 باسی دل که له باسان، فرمی‌سکی دل برژینم
 ماموستا، وانه‌ی ئه‌وین، فی‌رمان که با نه‌که‌وین
 ئه‌وین هه‌موو ژینم بی، گیانم له بو‌ی بتوینم

Mamosta

mamosta gyan fêrm ke çwarçêwekan bişkênim
 mamosta gyan fêrm ke lemperekan bîrmênim
 derûnim kêlî xeme pîr le dugmay mateme
 Hana hey dad berzemij yarîm be xem der bênim
 min mindalî sawatim pa le rêgay xebatim
 Rûnakîm bo pêwîste lem rêbaze binwênim
 amancim bo mirove to bom bike şirove
 dozî zeryam pîşan be çarogey bo helbênim
 gulî xwênawî goran memî 'aşiq le alan
 Basî dil ke le basan firmêskî dil bîrjênim
 mamosta waney ewîn fêrman ke ba nekewîn
 Ewîn hemû jînim bê gyanim le boy bitwênim

له‌مپه‌ر: (مانج)، دو‌گم: (خشک‌مغزی و تعصب) (غت فرانسوی)، هانا: (فریادی از ته قلب)، به‌رزه‌مژ: (دارنده‌ی اندیشه‌ی
 متعالی)، ساوا: (نوزاد)، خه‌بات: (مبارزه)، ری‌باز: (طریق)، مرو‌قه: (انسان)، شرو‌قه: (تحلیل)، دو‌ز: (هدف)، چارو‌که: (بادبان)،
 گو‌ران: (شاعر کُرد، شعر «گو‌لی خویناوی» او مشهور است)، مه‌م: (قهرمان منظومه‌ی عاشقانه‌ی «مه‌م و زین» اثر احمد
 خانی)، ئالان: (نام منطقه‌ی در کردستان ترکیه که «مه‌م» در آنجا کشته‌می‌شود)، وانه: (درس)، ئه‌وین: (عشق)

حەریق HÉRÎQ (۱۸۵۱-۱۹۰۷)

Hérîq kurî mela nesruLAY zêwîye nawî mela saleh' bûwe le salî 1851î zayînîda Le zêwîye ke gundêke le lay sûrdaş le silêmanî u paLî dawê be rojhelatî şaxî pîremegrûnewe le dayik bûwe .

حەریق کوردی مەلا نەسرولای زێویە، ناوی مەلا سەلەح بوو. لە ساڵی ۱۸۵۱ی زایینیدا لە زێویە کە گوندێکە لە لای سوورداش لە سلێمانی و پالێ داوێ بە رۆژھەلاتی شاخی پیرەمەگروونە، لە دایک بوو.

Mela nesruLAY bawikî hérîq le gundî kaşterî paLî şaxî şaho le mabeynî hewramanî lehon u cwanfo deçêt u le zêwîye be melayetî degîrsêtewe u her lewêş jin dênê.

مەلا نەسرولای باوکی حەریق لە گوندی کاشتەری پالێ شاخی شاھۆ لە مابەینی هەورامانی لەھۆن و جوانرۆ دەچیت و، پاشان لە زێویە بە مەلایەتی دەگیرسێتەو و هەر لەوێش ژن دێنێ.

Hérîq sereta le lay bawikî xwêndinî feqyetî dest pê deka u paşan be fêbazî feqyekanî kurdistanda deçêt u berew mizgewtî şêx mihemedî berzincî le silêmanî u qeredax u

حەریق سەرەتا لە لای باوکی خۆتێندنی فەقیەتی دەست پێدەکا و پاشان بە پێبازی فەقیەکانی کوردستاندا دەچیت و بەرەو مزگەوتی شیخ محەمەدی بەرزنجی لە سلێمانی و قەرەداغ و

paşan berew mukryan dê u le xaneqay şêxî burhan debête murîdî şêx u le mehabad degîrsêtewe u debê be mudêrfêşî mizgewtî seyd hesen u her le mehabad jinî hênawe .

kur u kiçêkî bûwe. serencam le salî 1907 zayînîda le temenî 56 salîda kocî dwayî kirdûwe u le gorîstanî mela camî le mehabad nêjrawe.

پاشان بەرەو موکریان دێ و لە خانەقای شیخی بورھان دەبیتە موریدی شیخ و لە مەھاباد دەگیرسێتەو و دەبێ بە مودەررپرسی مزگەوتی سەید حەسەن و هەر لە مەھاباد ژنی هیناوە. کور و کچیکی بوو، سەرەنجام لە ساڵی ۱۹۰۷ی زایینی لە تەمەنی ۵۶ ساڵیدا کۆچی دوایی کردوو و لە گۆرستانی مەلا جامی لە مەھاباد نێژراو.

نمونه‌ی ناخافتن به دیالیکتی کرمانجی
Nimûney axaftin be dyalêktî kirmancî
 (نمونه‌ی مکالمه در گویش کرمانجی)

- dem baş ... (دهم باش (نهم کاتمت باش) ...)
- Çawayî. Başî? (چاوابی. باشی؟ (چۆنی؟))
- Sax bî silamet bî... (ساخ بی سلامت بی.)
- Navê te çine? (نافی ته چنه؟ (چییه؟))
- nave min ramyare (نافی من رامیاره ...)
- te li kû derê hatîye (ته له کوو ده‌ری هاتییه؟ (تۆ له کوپوه هاتووی؟))
- ez le sinera hatime (ئه‌ز له سنه‌را هاتمه. (من له سنه‌وه هاتوم))

- xwendewanya te çi qase? (خونده‌وانیا ته چ قاسه؟ (خوینده‌واری تۆ چه‌نده؟))
- ez h'eya pola sisêya seretayîyê (ئه‌ز هه‌یا پۆلا سسییا سه‌ره‌تاییی خوه‌ندییه. (من تا xwendîye. (پۆلی سیم خوینده‌وووه.))
- ته دخوازی پشتی یه کوو خوه‌نده‌وانیا خوه خلاس کر چ شووله‌کی بکی؟ (تۆ ده‌ته‌وی دوا‌ی شه‌وی که خویندنت ته‌واو کرد چ نیشیک بکه‌ی)
- te dixwazî piştî ye kû xwendewanîya xwe xilas kir çî şûlikî bikey? (ئه‌ز هه‌یا نه‌ا ل سه‌ر فه پرسى بریار نه‌دایه . (من تا تئسته بو نهم پرسیاره بریارم نه‌داوه))
- ez h'eya niha li ser ve pirsê biryar nedaye (ته هه‌ز دکی چ سترا‌نه‌کی گۆهدار بکی؟ (تۆ پیت خۆشه گوی له چ گۆزانیه‌ک بگری))
- Te h'ez dikî çî sitranekî gohdar bikî? (پرانینا سترا‌نین کوو ته‌ز گۆهدار دکم کوردینه. (زۆرت‌ری شه‌و گۆزانیانه‌ی گۆتیان لی ده‌گرم کوردین))
- Piranîna sitranên kû ez gohdar dikem kurdîne. (سلاوی من ژ دی و بابی خوره‌ا بشینه . ته‌ز هیویدارم کوو د حه‌می ژيانا خوه‌دا سه‌رکه‌فتی بی. (سلاوی من به‌ دایک و بابی خۆت بگه‌یینه من هیوادارم که له هه‌موو ژيانی خۆتدا سه‌رکه‌وتوو بی))
- Silavê min ji dê u bavê xwera bişîne. Ez hîvîdarim kû di h'emî jyana xweda serkeftû bî

سه‌د و شه‌ی لاتین بۆراهاتن **Sed wişey lat î n bo rahatin** (صد واژه‌ی لاتین برای تمرین)

ئابووری abûrî : اقتصاد	ئامبیر amêr : دستگاہ
ئهرینی erênî : مثبت	ئەزموون ezmûn : تجربه
بابەت babet : موضوع	بارودۆخ barûdox : اوضاع
باشوور başûr : جنوب	باکوور bakûr : شمال
بالتویژ balwêz : سفیر	بەرژەهەندی berjewendî : منفعت
بەرگری bergirî : دفاع	بەرپۆبەراییەتی berêwberayeti : مدیریت
بەستین bestên : زمینه	بەلگە belge : سند
بزوتنەوه bizûtnewe : جنبش	بیچمگیری bîçmgîrî : شکل‌گیری
تازەگەری tazegerî : مدرنیته	تاوان tawan : جرم
توندوتیژی tundûtîjî : خشونت	تویژەر twêjer : پژوهشگر
پاریژەر parêzer : وکیل	پۆلینکردن polênkirdin : تفکیک کردن
پاشخان paşxan : ذخیره	پالتیوراو palêwraw : نماینده
پەرەسەندن peresendin : توسعه	پەییوەندی peywendî : ارتباط
پشتگیری piştgîrî : حمایت	پله pile : درجه
پیداگری pêdagirî : اصرار ، تأکید	پینگە pêge : جایگاه
پیلان pîlan : توطئه	پیتکدادان pêkdadan : برخورد
خال xal : نکته	خاوەنرا xawênra : صاحب‌نظر

دۆخ dox حالت ، وضعیت	خه‌سارناسی xesarnasî : آسیب‌شناسی
دامه‌زراوه damezrawe : مؤسسه	دابونه‌ریت dabûnerît : آداب‌ورسوم
ده‌سه‌لات deselât : قدرت	ده‌مارگیری demargîrî : تعصب
ده‌نگ deng : رأی	ده‌ور dewr : نقش
دروشم diruşm : شعار	ژینگه jînge : محیط‌زیست
رۆژئاوا rojawa : غرب	رۆژه‌لات rojhelât : شرق
راپه‌رین rapeîrîn : نهضت	راره rave : تحلیل
ریمان raman : تأمل و تفکر	رამیاری ramyarî : سیاسی
راویژکاری rawejkarî : مشورت	ره‌خه rexne : انتقاد
رپوهر rûber : مساحت	رپوکه‌شی rûkeşî : سطحی
رێکخواه rêkxirawe : سازمان	ده‌سته‌واژه destewaje : اصطلاح
زه‌تیز zilhêz : ابرقدرت	سامان saman : ثروت
سه‌ربه‌خۆیی serbexoyî : استقلال	سه‌ماندن selmandin : تحمیل
چەمک Çemk : مفهوم	گه‌مارۆ gemaro : محاصره
گریمانه girîmane : فرضیه	گشتی giştî : عمومی
قه‌یران qeyran : بحران	کۆمه‌لایه‌تی komeleyetî : اجتماعی
کۆمار komar : جمهوری	شۆناس şonas : هویت
کۆمه‌ل komeł : جامعه	کارگیری kargêrî : اداره

کاره‌با kareba : برق	کۆگا koga : مغازه
کاروبار karûbar : امور	کاره‌گیری karîgerî : تأثیر
که‌نداو kendaw : خلیج	که‌مینه kemîne : اقلیت
کرده‌کی kirdarî : عملی	کرده‌کی kirdekî : بالفعل
کێشه kêşe : مشکل	لایه‌نگری layengirî : طرفداری
لێکۆڵینه‌وه lêkoînewe : تحقیق	ماف maf : حق
مافی مرۆڤ mafimirov : حقوق بشر	ناوخۆیی nawxoyî : داخلی
هه‌نارده henarde : صادرات	نه‌ته‌وه netewe : ملت
نرخاندن nirxandin : ارزشیابی	نه‌رئینی nerênî : منفی
نێونه‌ته‌وه‌یی nêwneteweyî : بین‌المللی	هاورده hawrde : واردات
هاوچهرخ hawçerx : معاصر	هه‌لسوکوت hêlsûkewt : معاشرت
هه‌لبژاردن helbijardin : انتخاب، انتخابات	هۆکار hokar : عامل
هه‌لمومهرج helûmerc : وضعیت، موقعیت	قۆناغ qunax : مرحله
هه‌یزه‌کی hêzekî : بالقوه	هزر hizir : فکر و اندیشه
هێما hêma : نماد	یاسا yasa : قانون

پوونکردنه‌وه‌ی چهند دهسته‌واژه

(شرح چند اصطلاح)

۱- **دهنگناسی** Phonetics : دهنگناسی واته ناسین و راقه‌ی زانستیانه‌ی دهنگه‌کانی زمان.

آواشناسی: phonetics آواشناسی یعنی شناخت و تحلیل علمی آواهای زبان.

۲- **واچناسی** phonology : واچناسی (فونولوژی) شه زانسته‌یه که فونیمه‌کانی زمان

راقه و موتالا دهکات.

واچشناسی phonology : واچشناسی علمی است که واچ‌های زبان را مورد بررسی و

مطالعه قرار می‌دهد.

دهنگ و فونیم دوو شتی جیاوازن و پیناسه‌ی جیاوازیان هه‌یه.

آوا و واچ با هم متفاوتند و هر یک دارای تعاریف جداگانه‌ای می‌باشند.

۳- **دهنگ** phone : واته دهنگیک که به هۆی پیکدادانی هه‌وای سییه‌کان له‌گه‌ل یه‌کی له

شه‌ندامه‌کانی ئاخافتن وه‌کوو زار، زمان، لیو و... دروست ده‌بیئت.

آوا phone یعنی صدایی که به دلیل برخورد هوای شش با یکی از اندام‌های گفتار مانند

دهان، زبان، لب و... به وجود می‌آید.

۴- **واچ‌فونیم** phoneme : واته بچوو‌کترین یه‌که‌ی دهنگی زمان. فونیم دوو تاییه‌تمه‌ندی

سه‌ره‌کی هه‌یه:

یه‌که‌م: فونیم ده‌بیته هۆی جیاوازی واتایی نیوان دوو مؤرفیم یان وشه

دوو‌هه‌م: له ریگی‌ای تاییه‌تمه‌ندی دهنگی له دهنگه‌کانی تری زمان جیا ده‌کریتته‌وه.

بو‌ویته دوو فونیمی « ل » و « ل » له دوو وشه‌ی « گول » (جذامی) و « گول » (گل)‌دا

دوو واتا و دوو جوړ دهرپینی جیاوازی هه‌یه.

واچ phoneme : کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است. واچ دارای دو ویژگی اساسی

است:

اول این که واچ ممیز معنا میان دو تکواژ یا واژه است و دوم این که از راه خصوصیات

آوایی از دیگر آواهای زبان جدا می‌شود. به عنوان مثال « ل » و « ل̄ » در دو کلمه‌ی « گول » (جدامی) و « گول̄ » (گل) موجب ایجاد دو معنی و دو نوع تلفظ متفاوت شده است.

جیاوازی پیت و واج (فونیم): بۆ وینه له زمانی فارسیدا فونیمی / ز / خاوه‌نی نیشانه‌گه‌لی پیتی « ز »، « ظ »، « ذ » و « ض » ه که همه‌موویان وه‌کوه ده‌نگی / ز / ده‌خوینرینه‌وه.

تفاوت حرف و واج: مثلاً در زبان فارسی واج / ز / دارای نشانه‌های الفبایی « ز »، « ظ »، « ذ » و « ض » است که همگی به صورت / ز / تلفظ می‌شوند.

۵- واج (فونیم) ده‌نگداره‌کانی زمانی کوردی: ده‌نگدار vowel نه‌و فونیمان‌ه‌ن که له رپه‌وه‌ی ناخافتن و له کاتی تیپه‌رپوونی هه‌وا ژبیه‌ده‌نگیه‌کان ده‌له‌رینه‌وه و کاتی له زار دینه‌ه ده‌ر هیچ له‌مه‌پر و به‌ستراوییه‌ک له رپه‌وه‌ی هه‌وایاندا نییه. فونیمه ده‌نگداره‌کانی زمانی کوردی ۸ دان‌ه‌ن.

واج‌های مصوّت: مصوّت vowel واج‌هایی هستند که در مسیر گفتار و هنگام عبور هوا تارهای صوتی را به صدا در می‌آورند و هنگام عبور از دهان هیچ مانعی سد راه این اصوات نمی‌گردد. واج‌های مصوّت زبان کردی ۸ تاست.

۶- واج (فونیم) بیده‌نگه‌کان: فونیمی بیده‌نگ (consonant) نه‌و فونیمان‌ه‌ن که له کاتی تیپه‌رپوونی هه‌وا به‌ستراوییه‌کی ته‌واو، به‌لام کاتی، یان به‌ستراوییه‌کی رپه‌وه‌ی له به‌رده‌میاندا دروست ده‌بیّت، وه‌کوو: / ب / یان / ش / که له وچی / ب / ده‌ا به‌ستراوییه‌که ته‌واوه و له وچی / ش / ده‌ا رپه‌وه‌یه. فونیمه بیده‌نگه‌کانی زمانی کوردی (سۆرانی سلیمانی) ۲۹ فونیمه.

صامت‌ها: واج صامت (consonant) به واج‌هایی اطلاق می‌شوند که هنگام عبور هوا از اندام‌های گفتار یک انسداد کامل اما موقتی یا انسدادی نسبی در راه عبور جریان هوای واج‌ها به وجود می‌آید، مانند: / ب / یا / ش / که در واج / ب / انسداد کامل است و در واج / ش / نسبی.

۶- برگه syllable له زمانی کوردیدا: زمانه‌وانان بۆ پیناسه‌ی برگه ته‌با نین، به‌لام بۆ پیناسه‌ی برگه له زمانی کوردی دیالیکتی سۆرانی سلیمانی ده‌توانین بلّین: برگه له‌م دیالیکته

بریتییبه له زنجیره‌یه‌کی ده‌نگی که پیکهاتوو له یه‌ک ده‌نگدار و یه‌ک تا په‌نج بیده‌نگ. له دیالیکتی سۆزانی‌دا هه‌شت جۆر بره‌گه‌مان هه‌یه به شیوه‌ی خواره‌وه:

هجا در زبان کردی:

زبان‌شناسان در تعریف هجا متفق‌القول نیستند. برای تعریف هجا در زبان کردی گویش سلیمانی می‌توان گفت: هجا در این گویش عبارت است از زنجیره‌ای آوایی که از یک مصوت و یک تا پنج صامت تشکیل شده است.

ژماره‌ی بره‌گه له زمانی کوردیدا (تعداد هجا در زبان کردی):

ده‌نگدار : vowel بیده‌نگ : consonant

ev - ۱ ۲- cvc ۳- cvcc ۴- ccv ۵- ccvc ۶- cccvc ۷- cvccc

۱- چوو (چ + وو) $\hat{C} + \hat{U}$ CV

۲- چاو (چ + ا + و) $\hat{C} + A + W$ CVC

۳- ده‌شت (د + ه + ش + ت) $D + E + \hat{S} + T$ CVCC

۴- گوئی (گ + و + ئ) $G + W + \hat{E}$ CCV

۵- شوین (ش + و + ئ + ن) $\hat{S} + W + \hat{E} + N$ CCVC

۶- سویند (س + و + ئ + ن + د) $S + W + \hat{E} + N + D$ CCVCC

۷- خۆیشک (خ + و + ئ + ی + ش + ک) $X + O + Y + \hat{S} + K$ CVCCC

(جۆری بره‌گه‌ی ژماره‌ی ۷ ته‌نیا له موکریاندا هه‌یه.)

سه‌رچاوه‌کانی نهم به‌شه (منابع این بخش):

- بررسی زبان، جورج یول، ترجمه‌ی محمود نورمحمدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات رهنما، ۱۳۸۰
- کردی ایلامی (بررسی گویش بڠره)، دکتر غلامحسین کریمی دوستان، سنندج، انتشارات دانشگاه کردستان، ۱۳۸۰
- مقاله‌ی «هجا در زبان کردی»، دکتر غلامحسین کریمی دوستان.
- آواشناسی، علی محمد حق‌شناس، چاپ هشتم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۲.
- آواشناسی زبان فارسی، یدالله ثمره، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- آواشناسی و دستور زبان کردی، علی رخزادی، تهران، انتشارات ترفند، ۱۳۷۹

سه‌رچاوه‌کان (منابع):

- کوردی:

- ۱- حاجی مارف، نه‌وره‌جمان، ۲۰۰۱، پرتزمانی کوردی، به‌رگی یه‌که‌م (وشه‌سازی)، سلیمانی، ئۆفسیتی تیشک.
- ۲- همه‌ خورشید، فوناد، ۱۹۸۵، زمانی کوردی دابه‌شبوونی جوگرافیایی دیالیکته‌کانی، به‌غدا، چاپخانه‌ی آفاق عربیه.
- ۳- حیره‌ت سه‌جادی، عه‌بدو‌لحه‌مید، ۱۳۶۹، په‌ندی پیشینیان به‌رگی ۱ و ۲، ورمی، بلا‌وکردنه‌وی سه‌لا‌حه‌دین.
- ۴- خان، شیخ محمه‌د، ۲۰۰۰، په‌ندی پیشینیان، سلیمانی، ده‌زگای چاپ و په‌خشی سه‌رده‌م.
- ۵- خه‌زنه‌دار، مارف، ۲۰۰۱، میژووی نه‌ده‌بی کوردی، به‌رگی یه‌که‌م، ده‌زگای چاپ و بلا‌وکردنه‌وی ئاراس، هه‌ولتیر.
- ۶- خه‌زنه‌دار، مارف، ۲۰۰۳، میژووی نه‌ده‌بی کوردی، به‌رگی سییه‌م، ده‌زگای چاپ و بلا‌وکردنه‌وی ئاراس، هه‌ولتیر.
- ۷- بۆره‌که‌یی، سدیق، ۱۳۷۰، میژووی ویژه‌وی کوردی، به‌رگی ۲، چاپی یه‌که‌م، بانه، بلا‌وکردنه‌وی ناجی.
- ۸- پوخزادی، عه‌لی، ۱۳۸۵، گوواره‌ی کورده‌واری، چاپی دووه‌م، سنه، بلا‌وکردنه‌وی کوردستان.
- ۹- محمه‌د عه‌زیز، حوسین، ۱۹۹۹، سه‌لیقه‌ی زمانه‌وانی و گرفته‌کانی زمانی کوردی، سلیمانی، چاپ و په‌خشی سه‌رده‌م.
- ۱۰- نه‌به‌ز، جه‌مال، ۱۹۷۶، زمانی یه‌کگرتووی کوردی، ئالمانیا، چاپی یه‌کیه‌تی نه‌ته‌وه‌یی خوتیندکارانی کورد.
- ۱۱- هیمن، ۱۳۶۷، تاریک و روون، مه‌هاباد، چاپخانه‌ی سه‌بیدان.
- ۱۲- هه‌ردی، نه‌جمه‌د، ۱۹۹۱، رازی ته‌نیایی، چاپی سییه‌م، سه‌قز، بلا‌وکردنه‌وی محمه‌دی.
- ۱۳- چوارینه‌کانی خه‌یام، ۱۳۷۰، وه‌رگی‌پاوی هه‌ژار، بلا‌وکردنه‌وی سه‌روش، چاپی دووه‌م، تاران.
- ۱۴- زمان و نه‌ده‌بی کوردی، ۱۹۹۹، پۆلی دووه‌می ناوه‌ندی، کۆماری عیراق، وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده.
- ۱۵- زمان و نه‌ده‌بی کوردی، ۱۹۹۹، پۆلی سییه‌می ناوه‌ندی، کۆماری عیراق، وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده.
- ۱۶- زمان و نه‌ده‌بی کوردی، ۱۹۹۹، پۆلی یه‌که‌می ناوه‌ندی، کۆماری عیراق، وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده.
- ۱۷- گولستانی سه‌عدی، ۱۳۷۱، وه‌رگی‌پاوی مسته‌فا سه‌فوت، بانه، بلا‌وکردنه‌وی ناجی.
- ۱۸- قورناتی پیرۆز، ۱۳۸۰، وه‌رگی‌پاوی عه‌بدو‌رپه‌جمان شه‌ره‌فکه‌ندی (هه‌ژار)، تاران، بلا‌وکردنه‌وی ئیحسان.
- ۱۹- دیوانی بیسارانی، ۱۳۷۵، لیکۆلینه‌وه و لیکدانه‌وه، حه‌کیم مه‌لا سالح، سنه، بلا‌وکردنه‌وی گۆزان.
- ۲۰- دیوانی بیته‌کس، ۱۳۶۹، ریک‌خستنی محمه‌دی مه‌لاکه‌ریم، سه‌قز، چاپی محمه‌دی.
- ۲۱- دیوانی په‌ره‌میردی نه‌مر، ۱۳۶۹، محمه‌د ره‌سول (هاوار)، سه‌قز، بلا‌وکردنه‌وی محمه‌دی.
- ۲۲- دیوانی حاجی قادری کۆیی، ۱۹۸۶، لیکۆلینه‌وه سه‌ردار حه‌مید میران، که‌ریم مسته‌فا شه‌اره‌زا، چاپی نه‌میتندارتیتی گشتیی رۆشنیبری لوانی ناوچه‌ی کوردستان.
- ۲۳- دیوان غلام رچا ارکوازی، تصحیح، ترجمه و شرح ظاهر سارابی، انتشارات رامان، چاپ دوم ۱۳۸۶.
- ۲۴- دیوانی گۆزان، ۱۹۸۰، به‌رگی یه‌که‌م، به‌غدا، چاپخانه‌ی کۆری زانیاری عیراق.

- ۲۵- دیوانی قانع، ۱۹۷۹، چاپی یه‌که‌م، چاپخانه‌ی زانکوی سلیمانی.
- ۲۶- دیوانی مه‌جوی، ۱۳۶۷، مه‌لا عه‌بدولکه‌ریمی موده‌رپیس و مه‌مه‌دی مه‌لا که‌ریم، ورمی، بلاوکرده‌وه‌ی سه‌لا‌ه‌دینی شه‌یویی.
- ۲۷- دیوانی مه‌ستوری شه‌رده‌لان، ۱۳۷۴، کوکرده‌وه و لیکدانه‌وه‌ی سدیق بوژه‌که‌یی، چاپی یه‌که‌م، بانه، بلاوکرده‌وه‌ی ناچی.
- ۲۸- دیوانی مه‌وله‌وی، ۱۳۷۸ کوکرده‌وه، لیکوئینه‌وه و لیکدانه‌وه، مه‌لا عه‌بدولکه‌ریمی موده‌رپیس، سنه، بلاوکرده‌وه‌ی کوردستان.
- ۲۹- دیوانی نالی، ۱۳۶۸، لیکوئینه‌وه‌ی مه‌لا عه‌بدولکه‌ریمی موده‌رپیس، چاپی سیته‌م، ورمی، بلاوکرده‌وه‌ی سه‌لا‌ه‌دینی شه‌یویی.
- ۳۰- مەم و زین، شه‌مه‌دی خانی، لیکدانه‌وه‌ی په‌رویزی جیهانی، ورمی، بلاوکرده‌وه‌ی سه‌لا‌ه‌دینی شه‌یویی.
- ۳۱- نارزین (که‌مه‌له وتاری ویزه و زمانه‌وانی)، ۲۰۱۰، مه‌نسور په‌جمانی، سلیمانی، مه‌لبه‌ندی ره‌شنبیری هه‌ورامان.
- فارسی:
- ۳۲- ثمره، یدالله، ۱۳۷۱، آواشناسی زبان فارسی، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۳- حق‌شناس، علی‌محمد، ۱۳۸۲، آواشناسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات آگاه.
- ۳۴- رخزادی، علی، ۱۳۷۹، آواشناسی و دستور زبان کردی، تهران، انتشارات ترفند.
- ۳۵- مشکوه‌الدینی، مهدی، ۱۳۷۴، ساخت آوایی زبان، چاپ سوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۳۶- قاضی، احمد، ۱۳۶۷، دستور زبان کردی، ارومیه، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی.
- ۳۷- کریمی دوستان، غلامحسین، ۱۳۸۰، کردی ایلامی (بررسی گویش بدره)، سنج، انتشارات دانشگاه کردستان.
- ۳۸- یول، جورج، ۱۳۸۰، بررسی زبان، ترجمه‌ی محمود نورمحمدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات رهنما.
- ۳۹- دبیر مقدم، محمد، زبان، گویش، گونه و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی، مجله ادب‌پژوهی، شماره پنجم، تابستان و پاییز ۱۳۸۷.
- ۴۰- باطنی، محمدرضا، مسائل زبان‌شناسی نوین: ده مقاله، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۵۴.
- ۴۱- زبان فارسی ۱، ۱۳۸۴، سال اول دبیرستان، چاپ نهم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.
- ۴۲- زبان فارسی ۲، ۱۳۸۰، سال دوم دبیرستان، چاپ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.
- ۴۳- زبان فارسی ۳، ۱۳۸۳، سال سوم دبیرستان، چاپ ششم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.
- ۴۴- قرآن کریم، ۱۳۷۴، ترجمه و توضیحات بها، الدین خرمشاهی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامی و نیلوفر.

Waney kurdî

Taybete Be Fêrkarî Zimanî Kurdî
(rênûsî 'erebî u latîn)

Mensûr R'eh'manî